

(عج)

دوازدهمین برج ولایت



(محل السد)

یا ابا صاحب المهدی ادرنی

اثبات وجود حضرت صاحب الامر (عج) به روایت علمای بزرگ اهل سنت
انضمام اسامی ۳۱۳ نفر یاران امام زمان (عج) و محل ولادت ایشان به روایت علمای اهل سنت
۲۲ روایت مفصل از حالات زندگی آن حضرت و ۲۳ علامت ظهور ایشان از علمای اهل سنت
و آیات معتبر اهل سنت در مورد پسر دار بودن حضرت امام حسن عسگری (علیه السلام)
دین روایت از بزرگان اهل سنت در مورد اینکه حضرت علی (ع) خلیفه اول بوده اند و ...

تألیف: حاج شیخ محمد تقی گلی

امام مهدی عليه السلام

«دوازدهمین برج ولایت»

اثبات وجود حضرت حجة بن الحسن العسكري (عج)
از دیدگاه علمای بزرگ اهل سنت

بإضمام

اسامی ۳۱۳ نفر از یاران آن حضرت

و محل ولادت آنان

تألیف: آية الله حاج شيخ محمدتقی گلی



« شناسنامه »

- نام کتاب: دوازدهمین برج ولایت
- مؤلف: آیه الله حاج شیخ محمدتقی گلی
- ناشر: دارالنشر اسلام قم
- قطع و تعداد صفحات: رقعی - ۱۶۰ صفحه
- شمارگان: ۵۰۰۰ جلد
- نوبت چاپ: اول - پائیز ۱۳۸۱
- چاپ: چاپخانه اسلام قم، تلفن ۶۶۰۰۰۲۲
- حروفچینی: مؤسسه کامپیوتری ادب
- لیتوگرافی: اهلبیت قم ۷۷۴۳۹۵۴

« کلیه حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است »

شابک ۵-۶۷-۰۶۷-۴۷۵-۹۶۴



حاج شیخ محمد تقی گلی (مؤلف) در کنار حضرت امام خمینی (ره)

(می دانم که غیبت تو از ماست)

یا الله یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ یا فاطِمَةُ یا صَاحِبَ الزَّمانِ اذْرِکُنِي و لا تُهْلِکُنِي
ای پیشوای محرومان، دادخواه مظلومان، فریاد رس
درماندگان بر ما بسیار سخت است که همهگان را ببینیم و روی
نورانی تو را نبینیم.

ای زاده‌ی یاسین و طه، ای آخرین امید، هر شب با این آرزو سر
بر بالین می نهم که فردا ظهورت را نظاره گر باشم. همیشه از
خداوند می خواهم از باقی زمان غیبت تو چشم پوشی کند و
ظهورت را بر ما بنماید. چون امام صادق (ع) فرمودند: «هر کس
برای فرج فرزندان مهدی (عج) دعا کند. آن حضرت هم برای او
دعا خواهد کرد.» و خوشا به حال آنانکه امام زمان برایشان دعا
کند. چه سعادت بی‌الاتر از این که شما برای ما دعا کنید و از
خداوند کریم آمرزش گناهانمان را بخواهید.

این را می دانم که اگر برای فرجت دعا کنم مایه‌ی استجابت
دیگر دعاهایم می شود و باعث آمرزش گناهانم است و شفاعت تو
در روز قیامت شامل حال من می‌گردد. می دانم که اگر بگویم مهدی
جان بیا و برای سلامتیت دعا کنم بی حساب وارد بهشت می شوم
و از تشنگی روز قیامت در امانم و ثواب کسی را می برم که زیر
پرچم تو شهید شده باشد.

ای خورشید پنهان در پس ابر، ای سفر کرده هجران گزیده، بر
ما چه گران است که چهره دلربایت را ببینیم و تو را شناسیم.

ای مظهر رحمت بی منتها و ای قلب عالم معنا، اگر ظهور تو
نبود، دیگر عالم چه بی معنا ادامه حیات می داد و اگر فردای
ظهورت نبود خورشید به چه امیدی هر صبح از شرق طلوع
می کرد و چگونه این همه غمبار از غرب غروب می نمود.

ای فرزند سراط مستقیم، بیا و با آمدنت دل زهرای عالم را
شادتر کن، بیا و بتابان آنچه داری و وجودم را گرم تر کن، ای یکف
شمشیر بران علی مرتضی، بیا و هر که عاشق نیست را نابود کن.

ای آقای من، چمکران دلم تو را می طلبد، لاله زاری که از شبنم
عشق ساخته ام تو را می خواهد بیا و چون گذشته رهبرم راه ملت
راه نهضتم راه دستگیری کن.

خدایا، هر چه دارم فدای مقدم نورانیس باد. تو نیز عیدیم را
در این ایام

«ولادت با سعادت دوازدهمین برج ولایت»

ظهور هر چه زودتر او و نابودی تمامی دشمنان اسلام و مسلمین
قرار بده.

آمین یا رب العالمین

به قلم ناصر گلی پائیز/سال عزت و اقتدار حسینی

«فهرست مطالب»

۷ مقدمه
۱۰ سخن مؤلف
۱۴ تولد آن حضرت «عج»
۱۷ نواب امام در زمان غیبت صغری
۱۹ نواب حضرت در دوره غیبت کبری
۲۰ تولد حضرت مهدی از دیدگاه علمای سنی
۳۲ یاوران مهدی «عج» و محل ولادت آنها
۳۲ اسامی شهرهایی که یاران امام زمان از آنجا خواهند بود
۴۱ روایاتی که از حضرت مهدی «عج» خبر داده است
۱۲۸ یازده حدیث در فضیلت علی «عج» و محبانش
۱۳۲ علائم ظهور حضرت قائم «عج»
۱۳۴ علائم ظهور از نظر شیعه
۱۴۳ اخبار ملل غیر اسلامی در ظهور مصلح جهانی
۱۴۵ غیبت انبیاء گذشته
۱۴۸ تصریح علمای اسلام در وجود امام عصر و کتب آنها
۱۵۴ تألیفات اهل سنت درباره امام منتظر «عج»

مقدمه

به قلم مرحوم آیه... حاج شیخ محمد واصف رحمته

گردش روزگاران، تلؤلؤ نور ستارگان، آوای دلخراش
ستمدیدگان، ضربان قلب مظلومان در انتظار ظهور مصلح عزیزی
است که خداوند او را برای اقامه و گسترش عدل و داد آفریده و از
چشمان مردم پنهان داشته است.

او همان بنیانگذار عالیقدر اسلام، «حضرت محمد بن
عبدالله صلی الله علیه و آله»، بلکه به منزله جزئی از اجزای وجودی اوست. برای
اقامه عدل، جان را بر کف نهاده و بعد از بروز علائم و نشانه‌های
قدرت، روزی را که خداوند خواسته یعنی روزی که کره تاریک زمین
از انفجار بمبها... و ظلم و زورگویی‌ها و جنایات ایادی ابلیس مالا مال
گردد، ظهور و طلوع می‌کند و جهان بشریت را از نور ایمان و عدل
عالمگیر لبریز خواهد نمود. آب حیات و زندگی بدون شک همانند

شب‌نم نیست که زائیده سحر و کوتاه باشد، بلکه چشمه‌ای است و معجزه‌ای است درخشان و تابنده که خضر و الیاس نیز از همان چشمه، آب بقاء گرفته‌اند، و هم ایشانند که علل مبقیه و شرایط آن با علل حدوثشان در زمانهای طولانی همراه می‌باشد.

اگر امروز لشکر غم و مرارت، در خانه دل‌باختگان و جان‌نثاران حضرتش خیمه افراشته است، اما ظلمت شب از پرتو نورگیتی فروز شفق سپری گشته، حیات و زندگی انسانی در زیر لوای حضرتش شیرین و دلنشین خواهد شد. امروز از نشاطهای باطل و مسخره، رقص‌ها و آوازهای بیهوده، و اردات ننگین و عربده‌های مستانه، هیچ گونه خیری در زندگی بشر عاید نمی‌شود.

آری! روزی که آفتاب وجود مصلح کتل پرتو افشانی کند، شربت گوارای عدل و کسب حقیقت و فداکاری در راه آن، زندگی بشری را گواراتر و لذت بخش‌تر خواهد نمود. آن روز عیسی علیه السلام از آسمان به زمین نزول کرده، پشت سر او نماز خواهد گذاشت. آسمان نیلگون، رحمت خود را به موقع سرازیر می‌کند. روزی که زمینهای پست و بلند در بر آوردن هیچ نعمتی بخل نخواهند ورزید. در آن روز فرخنده و خوش فرجام، ظلم و گناه در جهان ریشه کن خواهد شد. این سخنان از موارث پر بهای ناقلان اخبار از گفتار لایزال امامان معصوم علیهم السلام است. همان امامان پاک و پیشوایان ملکوتی که قافله بشریت را به سوی حقیقت و به سوی جهانی زوال ناپذیر رهبری کرده‌اند.

باری! این کتاب که از مساعی جمیله و زحمات دانشمند محترم حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج شیخ محمد تقی گل‌گرمانشاهی به

رشته نگارش در آمده، حقا کتابی است که مطالعه آن بر عموم برادران شیعه و اهل سنت لازم و فرض است، زیرا روایات آن از کتب علماء اهل سنت اخذ شده و بدین جهت استدلال در نظرشان قوی تر و اخذ مطالب آن، برای ایشان دلنشین تر است. اگر آن همه روایات متواتر و متکثر که علمای عالیقدر شیعه و حافظان و دایع نبوت، پیرامون ظهور حضرت مهدی (عج) روایت کرده‌اند در این کتاب آورده می‌شود، ممکن بود برادران اهل سنت با تعصب انکار کنند، اما مؤلف محترم همت عالی خود را در نقل روایات از طریق مخالف مصروف داشته است.

آیا جز از راه تعصب می‌توان گفت که این راویان و علما و دانشمندان که در مکانهای متفاوت و اعصار مختلف زیست داشته‌اند، بر اخبار و جعل ظهور ولی عصر (عج) توافق و تبانی کرده‌اند؟!

سلام بر آن پیشوای مقدس ملکوتی که به قدرت حق مانند تند بادی طومار وجود منکران را در هم پیچیده و همچون زلزله حتمی ارکان بدعتها و خود پرستیها را در هم خواهد ریخت. تو ای خورشید فروزان ولایت! تو ای نیر آسمان هدایت! تو ای امید دل صاحب‌دلان! سلام پاک و پرشوری را که موج آن از شرائین قلب ما برخاسته است، بپذیر!

بِناَمِ خُدا

سخن مؤلف

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على امين وحيه و
بشير رحمته و سيد انبياء ابي القاسم محمد و آله الطيبين الطاهرين سيما
الامام المنتظر و الولى الغائب الثانى عشر خليفة الله فى الارضين و
وارث الانبياء و المرسلين ابا القاسم الحجة بن الحسن صواة الله عليه
و على آبائه الطاهرين المعصومين. اللهم عجل فرجه الشريف واجعلنا
من انصاره و اعوانه.

سبب تأليف كتابى كه از نظر خوانندگان گرامى مى گذرد، اين بود كه
جمعى از برادران دينى و دوستان گرامى گاه سؤال مى كردند كه آيا برادران
اهل تسنن اعتقادى به ائمه طاهرين ما بخصوص امام زمان عليه السلام دارند؟
آيا از بزرگان آنان رواياتى در فضيلت اهل بيت عصمت عليهم السلام
نقل شده است؟

پاسخ می‌دادم که روایات بی شماری درباره ائمه و بالاخص در اثبات و ظهور مهدی علیه السلام در کتب معتبر برادران عامه موجود است، آنگونه که در کتب علمای شیعه نیز چنین است لذا بعضی از دوستان عزیز به بنده پیشنهاد قبول چنین تحقیقی را دادند تا بعضی از روایات راجع به حیات امام عصر «عج» از نظر علمای اهل تسنن را جمع آوری کنم. گرچه علمای بزرگ شیعه به حد کافی در این باره به جمع روایات پرداخته‌اند، اما در مقابل اصرار دوستان، حقیر نیز با بضاعت خویش قبول نمودم و امید دارم تا این پذیرش مورد قبول پیشگاه امام زمان حجة بن الحسن العسکری گردد بجاست تا این اوراق به دست برادران اهل سنت افتد، تعصب را کنار گذارند و روایاتی را که بزرگانشان درباره ائمه اطهار بخصوص ولی عصر «عج» نقل کرده‌اند بپذیرند. فریب قلم‌های مسموم که در ظاهر داعیه دلسوزی و وحدت مسلمین ولی در باطن انگیزه اختلاف و تشتت بین امت اسلامی را دارند، نخورند.

افراد معلوم الحالی که هویتشان برای مسلمین شناخته شده است و درباره ائمه اطهار خاصه امیرمؤمنان علی علیه السلام و امام زمان «عج» حق کشی می‌کنند و زحماتی را که بزرگان شیعه و سنی مانند: عالم بزرگ اسلام **مرحوم آیه الله العظمی بروجردی «ره»** و مرحوم شیخ بزرگ شلتوت در تقریب بین مذاهب اسلامی متحمل شده و قلوب میلیون‌ها شیعه و سنی را به هم نزدیک کردند، هدر دادند و کتبی بنام... نوشتند.

خوب است، آنان از سر عقل و مصالح امت اسلامی بدانند که

اختلاف از علل عقب ماندگی مسلمین است و در نوشته‌های خود متوجه باشند که تضييع حق يك مسلمان جرم و گناه است تا چه رسد به اينكه انسان نگذارد امتي متوجه امام و حجّت خدا شوند و اين نتيجه‌اي جز گمراهي خلق و ظلم به برگزیده خدا نيست. در خاتمه از برادران ديني استدعا دارم، اشتباه احتمالي در اين نوشته را از سر صدق تذكر دهند كه ما هم به جان پذيراييم.

اين كتاب در شب پانزدهم شعبان المعظم يعني شب مولود باسعادت منتقم حقيقي امام زمان «عج» پايان يافت. اميدوارم اين نوشته كه در راه دفاع از ولايت آن حضرت است، مورد قبول درگاهش واقع شود.

محمد تقی گلبي کرمانشاهي

هدف از نگارش این کتاب:

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نویسندگانی چون شیخ مردوخ، به دستور رژیم شاهنشاهی دست به نگارش کتاب‌های بی ارزشی زدند مبنی بر عدم وجود امام زمان (عج) که در این گونه کتب آمده بود اصلاً امام حسن عسگری (ع) فرزند پسری نداشته‌اند و ما برای رد این گونه ادعاهای بی پایه و بر اساس اسناد معتبر و مدارک محکم بر وجود حضرت صاحب الامر (عج)، این نسخه را تقدیم به شما عزیزانی که همیشه و در هر حالی منتظر آن مسلح جهانی هستید، می‌کنیم. که در این کتاب روایات متعددی از اهل سنت در مورد وجود و ظهور امام زمان (عج) و همچنین در مورد امام حسن عسگری (ع) که فرزندی به نام مهدی (عج) داشته و بسیار روایات دیگر در مورد ۳۱۳ نفر یاران باوفای حضرت مهدی (عج) همراه محل ولادت ایشان، و مطالب ارزشمند دیگری آمده است. امید آنکه مورد توجه حق و حضرت مهدی (عج) قرار بگیرد.

انشاء الله

و به امید روز ظهور

حاج شیخ محمد تقی گلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تولد آن حضرت (عج)

از نظر علمای شیعه و سنی، آفتاب وجود دوازدهمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت در نیمه شعبان سال ۲۲۵ هجری قمری بر جهانیان پرتو افکن شد. پدر بزرگوارش حضرت «امام حسن عسکری (عج)» و مادرش «نرجس» دختر امپراتور روم شرقی است. آن حضرت شبیه‌ترین مردم به جد بزرگوارش «رسول خدا (ص)» بود. چهره منورش گندمگون، ابروانش به هم پیوسته، دارای بینی کشید و خالی سیاهی در گونه راست، رویش چون ستاره‌ای درخشان، قامتش معتدل و موی سر و صورتش چونان جدش امیر مؤمنان بود. تولد حضرتش همزمان با دوران خلافت «معتد» خلیفه عباسی بود.

«حکیمه خاتون» دختر امام محمد تقی (عج)، خواهر امام علی النقی (عج) و عمه امام حسن عسکری (عج)، درباره زمان تولد آن حضرت می‌گوید: در روز پنجشنبه، نیمه شعبان به منزل برادرزاده و

امام زمانم یعنی «حسن بن علی العسکری» رفتم و چون قصد بازگشت نمودم، امام فرمود: ای عمّه! امشب را نزد ما باش که فرزند گرامی من در این شب متولد می شود. کسی که حق تعالی به واسطه او زمین را با علم زنده می کند و بعد از آنکه زمین با کفر و گمراهی مرد، به وسیله ایمان و هدایت آن را حیاتی دوباره می دهد.

حکیمه می گوید: پرسیدم این فرزند از چه کسی متولد می شود؟ فرمود: از نرجس. اما من در شکم نرجس هیچ اثری از حمل ندیدم و در حیرت بودم که امام فرمود: ای عمّه! اثر حمل او، مثل او مثل مادر موسی است. مقارن با صبح صادق، حالت اضطراب در نرجس ظاهر شد، او را در برگرفتم و امام دستور فرمود تا سوره قدر را بر او بخوانم و من در حال خواندن سوره بودم که مشاهده کردم، نوزاد در شکم مادر در خواندن سوره مرا همراهی می کند، از اینرو هراسناک شدم ولی امام فرمود: ای عمّه! تعجب مکن. زیرا از قدرت باری تعالی است که نوزادان ما را به حکمت گویا می گرداند؛ همچنان که عیسی بن مریم را در گهواره گویا کرد و گفت: انی عبد الله اتانی الکتاب.

حکیمه اضافه می کند که در این موقع بین من و نرجس پرده ای حائل شد و چون نزد امام علیه السلام رفتم، فرمود: ای عمّه! برگرد که او را جای خود خواهی دید پس از آنکه پرده برداشته شد؛ در نرجس نوری مشاهده کردم که چشمانم را خیره کرد. آنگاه حضرت مهدی «عج» را دیدم که رو به قبله به سجده افتاده و انگشت سیابه را به سوی آسمان بلند کرده و می فرماید: اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان جدی رسول الله و ان ابی امیر المؤمنین وصی رسول الله،

سپس تمامی امامان را بر شمرده تا به نام مبارک خودش رسید.
سپس آن مولود مبارک را نزد پدر بزرگوارش بردم. حضرت، وی را بر روی دست گرفت و شرع به خواندن قرآن، انجیل، تورات، و زبور کرد و سپس این آیه را تلاوت فرمود: وَ نَرِيدُ اَنْ نُّمِّنَّ عَلٰى الَّذِيْنَ اسْتَضَعَفُوْا فِى الْاَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اٰمَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِيْنَ ۱!

در شب تولدش، به دستور امام حسن عسکری، ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت به یتیمان و مسکینان داده شد^۲ و سیصد گوسفند برای ایشان عقیقه کرده و تمام مردم سامرا را اطعام کردند.^۳ عکس العمل معتمد خلیفه عباسی نسبت به این اطعام آن بود که، مانند فرعون کمر به قتل حضرت مهدی «عج» بست. اما همانطور که ذات مقدس الهی، موسی را در منزل فرعون پرورش داد، مهدی «عج» را نیز در مرکز خلافت عباسی تا سن پنج سالگی و سپس تا زمان حاضر حفظ کرد.

در طول پنج سال آغاز عمر حضرت، هر سال هزار نفر از شیعیان سامرا به طور خصوصی به محضرش شرفیاب می شدند و علمای سرزمینهای اسلامی نیز مسائل و مشکلات خود را کتبی و شفاهی از حضرت می پرسیدند.

علاوه بر تقدیر خداوندی در غیبت حضرت، می توان سخت گیری خلفای جور عباسی را از علل آن دانست، چرا که خلیفه علاوه بر تصمیم قتل امام عصر «عج»، جاسوسانی را بر این کار گمارده بود.

۲- همان، ص ۵.

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲ و ۳.

۳- همان، ص ۲۲.

از سوی دیگر، عموی آن حضرت یعنی «جعفر کذاب» که قصد جانشینی امام عسکری را داشت، یکی از دشمنان حضرت محسوب می شد. جعفر خواست تا بر جنازه برادر نماز بخواند که ناگاه امام مهدی (عج) وارد شد، دست عموی خود را گرفت و به عقب کشید و فرمود: ای عمو! من از شما اولی ترم. سپس بر پیکر پدر بزرگوارش نماز گزارد.

نواب امام در زمان غیبت صغری

دوران غیبت امام علیه السلام را به دو دوره تقسیم کرده اند: غیبت صغری از سال ۲۵۵ هـ ق الی سال ۲۶۰ هـ ق و غیبت کبری از سال ۲۶۰ هـ ق به بعد. در غیبت صغری، حضرت چهار نایب خاص داشتند به نام های:

- ۱ - عثمان بن سعید عمری؛ او از سوی امام علی النقی، امام حسن عسکری و امام عصر (عج) نیابت داشت. توقیعات و جوابهای مسائل از طرف حضرت توسط وی به دست شیعیان می رسید.
- ۲ - عثمان بن سعید که پس از رحلت پدرش، عهده دار نیابت کارهای حضرت شد.
- ۳ - حسین بن روح نوبختی پس از مرگ نایب دوّم، مفتخر به نیابت حضرت حجّت شد.
- ۴ - علی بن محمد سیمری.

هیچ یک از این نواب برای تصدی این مقام قیام نکردند و آنها یا از سوی شخص امام و یا از جانب نایب قبل از خود به این منصب رسیدند. در اواخر عمر «علی بن محمد سیمری» چون از او پرسیدند که

پرسیدند که چه کسی را وصی خود قرار می‌دهی، نامه حضرت مهدی و به خط مبارک ایشان، اینگونه صادر شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

«ای علی بن محمد سیمری! خدا اجر برادرانت را درباره مصیبت تو بزرگ گرداند. تو تا شش روز دیگر رحلت خواهی کرد، خود را برای مرگ مهیا کن. کسی را برای خود جانشین قرار نده، زیرا غیبت تامه و کبری آغاز شده و ظهور انجام نخواهد شد مگر زمانی که خداوند بعد از مدتی طولانی و قساوت قلبها و پر شدن زمین از جور و ستم، اجازه ظهور مرا بدهد. به زودی گروهی از شیعیان من ادعا می‌کنند که مرا مشاهده کرده‌اند، بدان کسی که قبل از خروج سفیانی و صبیحة (آسمانی) ادعای دیدن مرا کند، دروغگو است.

«لا حول و لا قوّة الا بالله العلی العظیم»^(۱).

گفته‌اند که علاوه بر نواب اربعه، قریب صد نائب دیگر در شهرهای بغداد، کوفه، همدان، قم، ری، آذربایجان، نیشابور و شهرهای دیگر وجود داشتند که نامه‌های امام برای آنها ارسال می‌شد و آنان اموال را به جانب ناحیه مقدس حمل می‌کردند. این نواب شخصاً به خدمت امام نمی‌رسیدند بلکه نواب اربعه، واسطه بین آنها و امام بودند.

۱ - اکمال الدین، جلد ۲، ص ۵۱۶ - غیبت، طوسی، ص ۲۴۲ - اعلام الوری، ص ۴۱۷.

نواب حضرت در دوره غیبت کبری

نیابت خاصه در سال ۳۲۴ خاتمه یافت و دوره دوّم یعنی غیبت کبری آغاز گردید و با این تغییر، نیابت خاصّه به عامّه تبدیل شد. کشی روایتی را نقل می‌کند که آنچه را که علمای مورد وثوق مائل می‌کنند، نباید برای احدی از دوستان ما جای شک باشد، زیرا ما آنان را به سرّ خویش شریک نموده‌ایم و راز خود را به آنان محول کرده‌ایم!

حدیثی دیگر از امام مهدی علیه السلام نقل است که فرمود: درباره حوادثی که در عالم رخ می‌دهد، به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا که آنان از طرف من حجّت بر شما هستند و من هم از طرف خدا بر آنان حجّت هستم!

یکی از موضوعات سؤال برانگیز در غیبت کبری، طول عمر و سن زیاد امام غائب است. وجود نمونه‌های بسیاری از انبیاء و بزرگان، ثابت می‌کند که این موضوع خلاف طبیعت و قدرت الهی نیست. چنان که گفته‌اند: ذو القرنین ۱۵۰۰ یا ۳۰۰۰ سال عمر کرد، عوج بن عنق ۳۶۰۰ سال عمر کرد و برخی درباره او می‌نویسند که عوج از امام زمان آدم علیه السلام تا موسی علیه السلام زنده بود تا اینکه بدست موسی بن عمران کشته شد. ضحاک ۱۰۰۰ سال عمر کرد.

در بین پیامبران، آدم علیه السلام ۱۰۰۰ سال، شیث بن آدم ۱۰۰۰ سال، نوح علیه السلام ۹۵۰ سال به صراحت قرآن، حال آنکه در روایات سن او را ۱۵۰۰ سال نوشته‌اند و سال ذکر شده در قرآن را سالهای پیامبری

او دانسته‌اند.

قینان ۹۰۰ سال، مهلائیل ۸۰۰ سال، نقیل بن عبد الله ۷۰۰ سال، سبطیح ۶۰۰ سال، خضر و الیاس هم با سنین بالایی در بین مردم زندگی کردند.

تولد حضرت مهدی از دیدگاه علمای اهل سنت

از جمله موضوعاتی که به طور التزام بر ولادت مهدی «عج» دلالت می‌کند، اخبار متعددی است که در گذشته و حال پیرامون این مسأله وجود داشته و دارد. این اخبار، خود بر چند دسته‌اند:

- اخباری که مهدی علیه السلام را دوازدهمین نفر از خلفاء می‌دانند.
- اخباری که حضرت را دوازدهمین نفر از اوصیاء بر می‌شمرند.
- اخباری که مهدی علیه السلام را دوازدهمین امام به حساب می‌آوردند.
- اخباری که حضرت را نهمین نفر از فرزندان سید الشهداء می‌دانند.
- اخباری که امام را، چهارمین نفر از فرزندان امام رضا علیه السلام برشمرند.

- اخباری که مهدی علیه السلام را پسر امام حسن عسکری می‌دانند.
- اخباری که حضرت مهدی علیه السلام را غائب و مخفی می‌دانند که تا زمان خروج دیده نخواهد شد.

مجموعه این اخبار متواتر با وضوح و صراحت اذعان دارند که امام عسکری پسری داشته که نام مبارکش محمد، لقبش مهدی و کنیه‌اش ابوالقاسم بوده و در این باره بین علمای سنی اختلافی نیست. علمای یاد شده زیر، درباره حضرت مهدی علیه السلام مطالبی دارند:

- ۱ - شیخ عبد الوهاب شعرانی در «یواقیت و جواهر».
- ۲ - ابن وردی در تاریخ خود.
- ۳ - محمد بن یوسف گنجی در «البيان فی اخبار صاحب الزمان».
- ۴ - ابن حجر هیثمی در «صواعق المحرقة».
- ۵ - سبط ابن جوزی در «تذکرة الائمة» یا تذکرة الخواص؟
- ۶ - محمد بن طلحه قریشی در «مطالب السؤل».
- ۷ - ابن صبّاغ مالکی در «فصوص المهمّة».
- ۸ - ابو عبد الله محمد سراج الدین در «صحاح الاخبار».
- ۹ - ابن خلّکان در «وفیات الاعیان».
- ۱۰ - ابن ازرق در تاریخ خود.
- ۱۱ - شیخ محمد خواجه بخاری در «فصل الخطاب».
- ۱۲ - سید مؤمن بن حسن مؤمن شلنجی در «نوار الابصار».
- ۱۳ - شیخ عارف متتبع در «ینابیع المودّه».
- ۱۴ - ابوالفور محمد بن بغدادی سویدی در «سبائك الذهب».
- ۱۵ - سید حسین رفاعی در «نوار الانوار».
- ۱۶ - سید حسن عراقی و سید علی خواس چنانچه در یواقیت آمده است.

۱۷ - شیخ احمد جامی - عطار نیشابوری، مولوی .
 اینک با توجه به اقتضای مطالب این کتاب، تنها به ذکر بعضی از نظرات علمای فوق می پردازیم محدث عالم محمد خواجه بخاری نقل می کند که: حکیمه دختر محمد تقی و عمّه حسن عسکری «رضی ... عنهما» عسکری را دوست می داشت. لذا برای او دعا

می‌کرد و با تضرع از خداوند می‌خواست که پسر حسن عسکری را ببیند. از اینرو وقتی نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری فرا رسید و حکیمه نزد عسکری آمد، عسکری به او فرمود: ای عمّه! امشب را به جهت امری نزد ما باش. حکیمه قبول کرد تا اینکه پس از طلوع فجر، حکیمه مادر مهدی را در اضطراب دید، نزد نرجس آمد در حالی که او زایمان کرده بود.

سپس حکیمه آن مولود ختنه شده را نزد عسکری آورد. عسکری او را گرفت و دست خود را به چشمان و پشت او را کشید. زبانش را در دهان فرزندش نهاد. به گوش راستش اذان و به گوش چپش اقامه گفت. بعد از آن به دستور عسکری، حکیمه نوزاد را نزد مادرش برد. حکیمه می‌گوید: بعد از آن، آن مولود را در جلوی آن حضرت دیدم که لباسهای زردی پوشیده بود و زیبا و نورانی بود. محبت او در دلم جایگزین شد و به امام عسکری گفتم: آیا تو درباره این مولود مبارک علم و اطلاعی داری؟ فرمود: ای عمّه این مولود، همان منتظری است که بشارتش به ما داده شده، من خدا را برای آن مولود سجده و شکر کردم!

۱ - محمد بن طلحه قریشی می‌گوید: ابوالقاسم م ح م د بن الحسن الحال حص بن علی المتوکل بن محمد القانع بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین الزکی بن علی المرتضی امیر المؤمنین ابن ابی طالب، المهدي الحجة الخلف الصالح المنتظر عليه السلام و رحمة الله وبركاته.

فهذا الخلف الحجة قدايده الله
 هدانا منهج الخلق و اتاه سجايا
 واعلى في دزي العليا و بالتأييد يرقاه
 واتاه جلي فضل عظيم فتحلاه
 و قد قال رسول الله قولاً قدر و يناه
 يرى الاخبار في المهد يجائت بمسماه
 و قد ابداه بالنسيه و الوصف سماه
 و يكفي قوله مني لا شراق محياه
 و من بضعة الزهراء مجراه و و ساه
 و لن يبلغ ما اوتيه امثال و اشباه
 فان قالوا هو المهدى ماماتو بما ناه^۱

۲- محمد بن يوسف گنجی شافعی در کتاب «کفایة المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب» پس از بیان تولد و مرگ امام عسکری می نویسد:

ابنه و هو الامام المنتظر؛ پس او همان امام منتظر است وی سپس در کتاب دیگرش می گوید:

الائمة من ولد علی و خلف یعنی علی الهادی من الولد ابا محمد الحسن ابنه و هو الحجة الامام المنتظر و كان قد اخفى مولده و ستر امره لصعوبة الوقت و خوف السلطان.

آنگاه در باب دیگری از کتابش می گوید: مهدی تا کنون در پس پرده غیبت است و بقاء و غیبت او هیچ امتناعی ندارد، زیرا که

حضرت عیسی، خضر و الیاس، به نصّ قرآن و سنت باقی هستند^۱.

۳- ابن جوزی در پایان کتابش پس از بیان شرح حال امام عسکری می‌گوید: اولاد او منحصر به م ح م د امام غائب و کنیه‌اش ابو عبدالله و ابوالقاسم است. او حجّت خدا، خلف صالح، صاحب الزمان، قائم منتظر و آخرین ائمه اثنی عشری است^۲.

۴- شیخ محی الدین عربی می‌گوید: «لا بد من خروج المهدی و لیکن لا یخرج حتی تمتلی الارض جوراً و ظلماً فیملأها قسطاً و عدلاً. ولو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد، طوّل الله ذلك الیوم حتی ینلی ذلك الخلیفه و هو من عتره رسول الله من ولد فاطمه جده الحسین بن علی و والده الحسن العسکری».

آنگاه ادامه می‌دهد که: او بر کفار جزیه قرار می‌دهد و آنها را با شمشیر به دین اسلام می‌خواند تا تمام مذاهب عالم تبدیل به مذهب اسلام شده و فقط اسلام (دین خالص) در تمام دنیای آن عصر خواهد بود^۳.

۵- شیخ عبد الوهاب شعرانی پس از بیان اخبار عجیبی از عصر غیبت می‌گوید: آنگاه مهدی علیه السلام خروج نماید و او از اولاد امام حسن عسکری است که تولدش شب نیمه شعبان ۲۲۵ بوده و تاکنون ۹۵۸ سال است و او مانند عیسی بن مریم در پس پرده غیبت است^۴.

۶- ابن صباغ مالکی نیز می‌گوید: ابوالقاسم الحجّة الخلف الصالح ابن ابی محمّد الحسن العسکری در غیبت است و آیات و

۱- البیان فی اخبار صاحب الزمان، محمّد بن یوسف گنجی شافعی، باب ۲۴.

۲- تذکرة الخواص، ابن جوزی، در پایان کتاب. ۳- فتوحات مکیه، ابن عربی، ج ۱، ص ۱۰۷-۱۰۶.

۴- یواقیت و جواهر، عبدالوهاب شعرانی، ص.

اخبار شاهد این حقیقت است!

۷ - شهاب الدین معروف به ملک العلماء شمس الدین بن عمر الهندی صاحب تفسیر بحر المواجه در کتاب دیگرش از جابر بن عبدالله انصاری روایت می‌کند که الواحی نزد فاطمه زهرا (س) دیدم که اسامی همه ائمه را نوشته بود تا به قائم مهدی منتظر امام دوازدهم و برای طول عمر وی، عمری مانند عیسی الیاس و خضر از مؤمنان و دجال و سامری از کفار ثبت کرده بود.^۱

۸ - عالم محدث علی بن حسام الدین قاضی قریشی از علمای بزرگ اسلام در کتاب «برهان» در ضمن علامات مهدی علیه السلام می‌نویسد: برای امام زمان علیه السلام دو غیبت است یکی کوتاه و دیگری طولانی و در کتاب دیگرش به نام «مراقبات» می‌نویسد: دوازدهمین ائمه اثنی عشر (م ح م د) مهدی بن حسن عسکری است.^۲

۹ - فضل بن روزبهان در شرح کتاب «علام در نهج الحق» پس از بیان اشعاری می‌گوید: بدون تردید مهدی موعود، قائم منتظر و دوازدهمین ائمه شیعه امامیه می‌باشد.^۳

سلام علی سید المصطفی	سلام علی السید المرتضی
سلام علی سیدتا الفاطمه	من اختارها الله خیر النساء
سلام من المسک انفاسه	علی الحسن الالمعی الرضا
سلام علی الاورعی الحسین	شهید یری جسمه کربلا
سلام علی سید العابدین	علی بن الحسین المجتبی

۱- فصوص المهمه، ابن صباغ مالکی، ص.

۲- هدایة السعدانی شهاب الدین... ص.

۳- برهان و کتاب المراقبات، حسام الدین قاضی قریشی.

۴- علام در نهج الحق، فضل بن روزبهان.

سلام علی الباقر المهتدی	رضی السجایا امام التقی
سلام علی الصادق المقتدی	علی الرضا سید الاصفیا
سلام علی الکاظم الممتحن	محمد الطیب المرتجی
سلام علی ثامن المؤمن	علی المکرم هادی الوری
سلام علی المتقی التقی	امام یجهز جیش الصفا
سلام علی الاریحی النقی	ابوالقاسم العرم نورالهدی
سلام علی السید العسکر	ینجیه من سیفه المنتقی
سلام علی القائم المنتظر	کاملمات جوراهل الهوی
سیطلع كالشمس فی غاسق	وانصاره ماتدوم السماء
قوی یملاء الارض من عدله	
سلام علیه و آباءه	

از فضل بن روزبهان در مدح ائمه اطهار و بخصوص غیبت امام عصر «عج» مطالبی بیان شده است.

۱۰ - جمال الدین می نویسد: از ذریه حسین بن علی علیه السلام، مهدی مبعوث است که در آخر الزمان ظهور می کند و او قائم به شمشیر و منتقم منتظر است!

۱۱ - نور الدین عبد الرحمن بن قوام الدین دشتی جامعی می گوید: خداوند، حجة بن الحسن العسکری را امام دوازدهم که غائب و منتظر است، قرار داد. وی سپس به حالات ولادت و غرائب معجزات آن حضرت پرداخته و می گوید که او زمین را پراز قسط و عدل می کند. وی

۱ - سیوطی احياء الميت بفضل اهل البيت، جمال الدين.

تولد حضرت را مطابق با آنچه معروف است، بیان داشته است !

۱۲ - حافظ محمد بن محمد بن بخاری معروف به خواجه پارسا

که از اعیان علمای حنفی است می نویسد: ابو عبد الله جعفر بن ابی الحسن علی الهادی، گمان می کرد که برادرش فرزند ندارد و لذا به کذاب معروف شد. در حالی که فرزند ابو محمد عسکری به نام (م ح م د) معروف نزد همه خواص بوده و اکثر موثقین از او خبر داده اند. وی آنگاه روایت حکیمه خاتون را در تولد امام علیه السلام نقل می نماید^۲.

۱۳ - ابی الفوارس در حدیث چهارم خود، از احمد بن نافع

بصری روایت می کند که پدرش از خدام امام رضا علیه السلام بود و آن حضرت حدیثی را از پدرانش و سپس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرمود که: هر کس بخواهد رستگار شود، علی را دوست بدارد و آنگاه نام یکایک ائمه را ذکر فرمود تا به فرزند امام حسن عسکری رسید و فرمود:

هر کس دوست دارد خدا را ملاقات کند و ایمانش کامل باشد و اسلامش مورد قبول واقع گردد، فرزند او «صاحب الزمان» مهدی آل محمد را که مشعل فروزان هدایت و برازنده اهل تقوا و امامت است را دوست بدارد و هر کس او را دوست بدارد، من بهشت را برای او ضمانت می کنم^۳.

۱۴ - عبد الحق دهلوی بخاری با بیان نام امیرالمؤمنین،

حسنین، سجاد، باقر، صادق تا ابو محمد عسکری، اضافه می کند که فرزندش (م ح م د) معروف نزد خواص و اصحاب نقات است. و

۱- شواهد النبوة، نور الدین عبد الرحمن .

۲- فصل الخطاب، بخاری .

۳- اربعینیه، ابی الفوارس .

آنگاه حکایت تولد آن حضرت را می‌نویسد:

۱۵ - محدث معروف سید جمال الدین می‌نویسد: تولد همایونی امام دوازدهم، محمد فرزند امام حسن عسکری، در نیمه شعبان سال ۲۲۵ در سامره اتفاق افتاد. نام مادرش نرجس یا سوسن بود. در پنج سالگی پدرش از دنیا رفت. خداوند او را همچون یحیی بن زکریا در خرد سالی حکمت آموخت، و در کودکی به امامت برگزید و او صاحب الزمان، مهدی دوران منتقم آل محمد علیهم‌السلام و منتظر است.^۱

۱۶ - حافظ بن محمد بلاذری در مسلسلات خود، سلسله اسناد خود را از مشایخ و روایان تا آنجا که به امام زمان می‌رسد نقل می‌کند و تا حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حدیث سلسله الذهب را روایت می‌کند و در پایان فرزند عسکری را به صاحب الزمان و امام عصر یاد می‌کند.

۱۷ - شیخ ادیب ابو محمد خشاب روایت می‌کند که مراد از خلف الصالح فرزند امام حسن عسکری است. او صاحب الزمان و خلیفه دوران بوده و به کتیه مادر او و غیبتش اشاره می‌کند.

۱۸ - الناصر لدین الله خلیفه عباسی، دستور به ساخت سرداب کرد و صفة مخصوص محل غیبت را از چوب ساج ساخت و در آن اسامی ائمه هدی را نوشت تا به امام عصر علیه‌السلام رسید و آنگاه ولادت، غیبت، طول غیبت کبری و حسب و نسب حضرت را بیان کرد.

۱۹ - شیخ سلیمان بن خواجه قندوزی در «ینابیع الموده» به طور

۱ - المناقب فی احوال ائمه الاطهار، عبدالحق دهلوی.

۲ - روضة الاحباب، سید جمال الدین.

مفصل سخن گفته و می‌گوید: مهدی موعود همان حجة بن الحسن العسکری است.

۲۰ - شیخ الاسلام شیخ احمد جامی درباره امام عصر علیه السلام

چنین سروده است:

من ز مهر حیدرم هر لحظه اندر دل صفاست

از پی حیدر، حسن مارا امام و رهنماست

تا آنجا که می‌گوید:

عسکری نور دو چشم عالم است و آدم است

همچو یک مهدی سپهسالار در عالم کجاست^۱

۲۱ - عارف صوفی عبد الرحمن می‌نویسد: امام دوازدهم از

مادرش نرجس خاتون در شب جمعه نیمه ماه شعبان سال ۲۲۵ در

سامره متولد گردید. در کودکی به مقام ولایت و امامت رسید و در

همین سنین خوارق عادت از او ظاهر شد و پس پرده غیب رفت^۲.

۲۲ - ابن حجر شافعی مصری در تفسیر آیه «انه يعلم ساعه»

می‌گوید: همه مفسرین نوشته‌اند که این آیه درباره مهدی که از اهل

بیت و از نسل فاطمه و علی است - نازل شده است. او در وفات

پدرش پنج ساله بود. معروف به قائم منتظر است و چون نمی‌دانند

کجا رفته، منتظر او هستند، در حالی که مفاتیح حکمت و معادن

رحمت در دست اوست، خروج می‌کند.

سپس ابن حجر برای شاهد سخن خویش، روایت مسلم، ابی

داود، نسائی، ابن حجه و بیهقی را که جملگی درباره آن اتفاق نظر

۱ - نفحات الأنس، جامی.

۲ - مرآة الاسرار، عبد الرحمن.

دارند، نقل می‌کند:

المهدی من عترتی من ولد فاطمه عن هم لو لم یبق من الدهر،
الیوم نبعث الله فیہ رجلاً من اهل بیتی یملاها عدلاً کما، ملأت جوراً و
المهدی منا اهل البیت یصلحه الله فی لیلته.

آنگاه اضافه می‌کند که: المهدی هو الذی یصلی ابن مریم خلفه!

۲۳ - یوسف بن یحیی بن علی شافعی، شرح غیبت حضرت مهدی

را با روایت ابی سعید خدری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است!

۲۴ - قاضی احمد بن خلکان در تاریخش می‌نویسد، حجة بن

الحسن دوازدهمین امام از ائمه امامیه در نیمه شعبان سال ۲۲۵ متولد
شد. او که به اعتقاد شیعه صاحب سرداب است، منتظر، قائم و
مهدی است!

۲۵ - شمس الدین زوندی می‌نویسد: امام دوازدهم که دارای

مقامی شامخ، رتبه عالی، داعی به حق و صاحب کرامات و خوارق
عادات است؛ در شب جمعه نیمه شعبان سال ۲۲۵ در زمان معتمد
عباسی در سامرا به دنیا آمد و مادرش نرجس دختر قیصر روم بود!

۲۶ - شیخ محمود حافظ بخاری می‌نویسد: ابو محمد

عسکری از نرجس یک فرزند داشت که تولدش در نیمه شعبان سال
۲۲۵ رخ داد. بخاری خبر تولد را از حکیمه نقل می‌کند.

۲۷ - شیخ عبد الله شافعی می‌نویسد: ابوالقاسم فرزند حسن

عسکری در شب جمعه نیمه شعبان سال ۲۲۵ در سامرا چشم به

۱ - صواعق المعرقة فی رد علی الرافضة، ابن حجر عسقلانی.

۲ - عمدة الدرر فی ظهور المنتظر، یوسف بن یحیی شافعی.

۳ - تاریخ ابن خلکان.

۴ - معراج الوصول الی معرفة آل الرسول، زوندی.

جهان گشود!

۲۸ - حسین بن همدان خضینی می نویسد: ابو محمد حسن عسکری در حالی از دنیا رفت که فرزندی پنج ساله داشت که در شب نیمه شعبان ۲۲۵ بدنی آمده بود. او غائب منتظر و قائم آل محمد ۶ است. این عالم سنی در عین حال معتقد است که بقاء آن حضرت تا زمان حال امری بعید است! پاسخ ما آن است که چون آن حضرت فردی عادی نیست لذا نباید با محاسبات عادی بشری مورد توجه قرار گیرد. زیرا در غیر اینصورت داستان حضرت ابراهیم که به امر خداوند، گوشت بدن چهار مرغ را کوبید و آنها را در چهار نقطه چهار کوه بلند قرار داد و سپس به امر الهی آنها را صدا کرد و سپس اجزاء متفرقه به همدیگر وصل شده و پرواز کردند، را باید منکر شویم، حال آن که قرآن کریم به صراحت این داستان را نقل می کند. از این رو باید طولانی بودن عمر شریف آن امام همام را تقدیر و امر خداوندی دانست آنگونه که در روایات آمده است.

یاوران مهدی «عج» و محل آنها

رای شیعه بر آن است که یاوران حضرت حجّت در هنگام خروج آن حضرت، اولین بار در مکه معظمه گرد آمده و به حضور حضرتش می رسند.

اصبغ بن نباته نقل می کند که امیر المؤمنین علی علیه السلام برای ما خطبه ای خواند و از خروج مهدی و یاران او یاد کرد. آنگاه ابو خالد

حلبی یا کاپلی از امام خواست تا اوصاف یاران مهدی علیه السلام را بیان فرماید. سپس امیر بیان پیشوای شیعیان فرمود:

مهدی علیه السلام از نظر خَلْق و خُلُق و نیکویی شبیه‌ترین مردم به رسول خداست. من خود از رسول خدا شنیدم که فرمود: اولین یاران مهدی از بصره و آخرین آنها از یمامه خواهد بود.

اصبغ ادامه داد که پس از آن علی علیه السلام در حالی که مردم گریه می‌کردند، یاران حجّت را بر شمردند^۱. محمّد بن جریر طبری نقل می‌کند که ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام پرسید که از اسامی یاران قائم و مکان آنها مرا با خبر سازد. امام فرمود: بنویس که این همان املائی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود^۲.

اسامی شهرهایی که یاران امام زمان از آنجا خواهند بود

طازیند شرقی: ۲ نفر: بندار بن احمد بن مسکه مرابطه؛ سیاح
شام: ۲ نفر: ابراهیم پسر لوصباح قصاب و اهل سولقان؛
یوسف پسر حرما عطار در دمشق.
صامغان: ۱ نفر: احمد پسر عمر خیاط.
درسکه: ۲ نفر: برنیع؛ علی پسر عبد الصمد که هر دو تاجرند.
سیران: ۱ نفر: مسلم کوسبح بزاز.
مرورود: ۲ نفر: جعفر دقاق جورمولی؛ علامه حصیب بیریع.
مرو: ۱۲ نفر: بندار پسر خلیل عطار؛ محمّد پسر عمر
صیرافی؛ غریب پسر عبد الله کامل؛ مولا لخطبه؛ سعد رومی؛

۲- مسند فاطمه، ص

۱- الملاحم والفتن، ص ۱۳۶.

صالح پسر دَجّال ؛ معار پسر هانی ؛ کردس الازدی ؛ دهیم پسر جابر
پسر صیهد ؛ طاسف پسر علی قاجالی با فرعان بن سوید ؛ جابر پسر
علی احمر ؛ حوشب پسر حریر.

یاور: ۹ نفر: زیاد پسر عبد الرحمن بن حجدب ؛ عباس پسر
فضل ؛ سحیق پسر سلیمان حفاط ؛ علی پسر خالد ؛ مسلم پسر سلیم
پسر فرات بزاز ؛ محویه پسر عبد الرحمن پسر علی ؛ جریر پسر رستم
پسر کبسانی ؛ حرب پسر صالح ؛ عماره پسر منم .

طوس: ۵ نفر: اشهر و پسر حمران ؛ موسی پسر مهدی ؛
سلیمان پسر طلیق ؛ پسر واد و موضع او قبر رضا است ؛ علی پسر
سندی صرّاف .

ترعات: ۲ نفر: شاهویه پسر حمزه ؛ عنی پسر کلثوم که در
دروازه کوه است .

طالقان: ۲۴ نفر: پسر رازی کوهی ؛ عبد الله پسر عمر ؛ ابراهیم
پسر عمرو ؛ سهیل پسر رزق الله ؛ جبرئیل حدّاد ؛ علی پسر ابی علی
وراق ؛ عباده پسر جمهور ؛ پسر حیار ؛ زکریا پسر حلبه ؛ بهرام پسر
سرح ؛ جمیل پسر عامر بن خالد ؛ کثر مولی جریر ؛ عبد پسر مزدا پسر
سلام ؛ فرازه پسر بهرام ؛ معازیر پسر سالم پسر خلید ثمار ؛ حمید پسر
ابراهیم بن جمعه قرار ؛ عقیفه پسر وقر پسر ربیع ؛ حمزه پسر عباس
جناده زرگر ؛ علقمه پسر مدرک ؛ مروان پسر حبل پسر ورتاء ؛ ظهور
مولی رزاز ؛ پسر ابراهیم ؛ جمهور پسر حسین زجاجی ؛ دباشی پسر
سعید پسر نعیم .

سیستان: ۳ نفر: خلیل پسر نصر از ایل ریح ؛ شرک پسر شبه ؛

ابراہیم پسر علی.

موغور: ۸ نفر: مجمع پسر جریور؛ مشہر پسر پندار؛ داود پسر
حریر؛ خالد پسر عیسی؛ زیاد پسر صالح داور؛ عرف طویل؛ پسر
کرد؛ شاہد.

نیشابور: ۱۲ نفر: سمعان پسر فاخر؛ ابوالبابہ پسر مدرک؛
ابراہیم قیصر پسر یوسف؛ مالک پسر حرب پسر سکین؛ زرود پسر
سوگند؛ یحیی پسر خالد؛ معاذ پسر جبرئیل؛ احمد پسر عمر پسر
زفر؛ عیسی پسر موسی سواق؛ یزید پسر دوست؛ محمد پسر عماد
پسر حماد سعیب؛ جعفر پسر طرخان.

در این خبر چہار نفر دیگر نیز افزوده است: علان ماہویہ؛ ابو
مریم؛ عمر پسر عمر بن مطروب؛ بلبل پسر دہاید پسر مردیار.
ہرات: ۱۲ نفر: سعید پسر عثمان وراق؛ سنجر پسر عبد اللہ
پسر ثیل؛ معروف غلام کندی؛ سمعان قصاب؛ ہارون پسر عمران؛
صالح پسر جریر؛ مارک پسر محمد پسر خالد؛ عبد الا علی پسر
ابراہیم عبده؛ منزل پسر خرم؛ صالح پسر ہشیم؛ وارم پسر علی؛
خالد قواس.

یوستجی: ۴ نفر: طاہر مشہور بہ اضلع؛ طلحہ پسر طلحہ؛
حسن پسر حسن پسر سما؛ عمر پسر عمر پسر ہشام.

ری: ۷ نفر: اسرائیل قطان پنبہ فروش؛ علی پسر جعفر حوازد؛
عثمان پسر علی پسر درخت؛ مکان پسر جبل پسر مقاتل؛ کرد پسر
شیبان؛ سلیمان پسر دیلمی.

طبرستان: ۴ نفر: حوشاب پسر کرام؛ بہرام پسر علی؛ عباس

پسر هدثم ؛ عبد الله فرزند یحیی .

قم: ۱۸ نفر: عنان پسر محمد پسر عنان ؛ علی پسر احمد ؛
 عمران پسر خالد ؛ سهل پسر علی ؛ عبد العظیم پسر عبد الله ؛ حسکه
 پسر عمران پسر احق ؛ عباس پسر زفر ؛ حرید پسر بشیر ؛ مروان پسر
 علان ؛ صفی پسر اسحاق ؛ کامل پسر هشام ؛ محمد پسر اسماعیل ؛
 پسر طریف ؛ سعد پسر طلحه ، جعفر پسر احمد پسر جریر .

قوس: ۲ نفر: محمد پسر شعیب ؛ علی حموی .

جرجان: ۱۲ نفر: احمد پسر هرقد پسر عبد الله ؛ زرارہ پسر
 جعفر ؛ حسین پسر علی پسر مطر ؛ حمید پسر نافع ؛ محمد پسر
 خالد ؛ علان پسر حمید ؛ ابراهیم پسر اسحاق ؛ علی پسر علقمه ؛
 سلمان پسر یعقوب ؛ عربان پسر حقان ملقب به حال ثروت ؛ شعبه
 پسر علی ؛ موسی پسر کردویه .

نوق: ۱ نفر: عبد الله محمد پسر باحورا .

سند: ۲ نفر: شاب پسر علی ؛ نصر پسر منصور .

همدان: ۴ نفر: هارون پسر عمران ؛ طیفور پسر محمد ؛ امان

پسر محمد فاحک ؛ عناب پسر مالک جمهور .

جایز: ۳ نفر: کرد فرزند خیف ؛ عاصم پسر خلیل خیاط ؛ زیاد

فرزند درین .

نتوی: ۱ نفر: یقطه پسر فرات .

خلاط: ۱ نفر: وهب .

تفلیس: ۵ نفر: مجدر پسر زیت ؛ هانی عطاردی ؛ جوار پسر

بدر ؛ سلیم پسر رصد ؛ فضل پسر عمیر .

- باب الابواب: ۱ نفر: جعفر پسر عبدالرحمن .
- سنجار: ۴ نفر: عبد الله پسر زریف ؛ شحم پسر مطر ؛ هبة الله پسر اریق ؛ هبل پسر کامل یا خالیق کریم کرد .
- بعلبک: ۱ نفر: منزل پسر عمران .
- طبریه: ۱ نفر: معاذ پسر معاذ .
- یافا: ۱ نفر: صالح پسر هارون .
- قدس: ۲ نفر: رباب پسر حلدہ، جلیل پسر سید .
- یپس: ۲ نفر: یونس پسر صفر ؛ احمد پسر مسلم .
- دمیاط: ۱ نفر: علی پسر زائده .
- اراسواد: ۱ نفر: سماد پسر جمهور .
- قسطاط: ۴ نفر: نصر پسر حواس ؛ علی پسر موسی مزاری ؛ ابراهیم پسر صفین ؛ یحیی پسر نعیم .
- قیروان: ۱ نفر: علی پسر موسی پسر شیخ قبره پسر فرطه .
- باغه: ۱ نفر: سرجیل سعدی .
- سمیاط: ۱ نفر: موسی پسر زرقان .
- نصیبین: ۲ نفر: داود پسر حجور ؛ حامد صاحب یواری .
- موصل: ۱ نفر: سلیمان پسر صبیح .
- بلمورق: ۲ نفر: وصنا پسر سعد ؛ احمد پسر حمید .
- یله: ۱ نفر: پورنی پسر رائده .
- رها: ۱ نفر: کامل پسر عفیر، حرّان: ۱ نفر: زکر سعدی .
- رقه: ۳ نفر: احمد پسر سلیمان ؛ نوفل عمر ؛ اشعث پسر مالک .
- رابعه: ۲ نفر: عیاض پسر عاصم ؛ ملیح پسر اسعد .

صلب: ۴ نفر: یونس پسر یوسف؛ حمید پسر قیس؛ سمیم پسر مدرک؛ مهدی پسر هند.

دمشق: ۳ نفر: نوح پسر جریر؛ شعیب پسر موسی؛ حجر پسر عبد الله.

فلسطین: ۱ نفر: سوید پسر یحیی.

تبین: ۱ نفر: علی پسر معاذ.

بالس: ۱ نفر: حمام پسر مزاد.

صنعا: ۲ نفر: فیاض پسر ضرار پسر شیروان؛ مصیره پسر غندز مبارک.

مازک: ۱ نفر: کریم پسر قندر.

طرابلس: ۱ نفر: ذوالنور عبده پسر علقمه.

ایله: ۲ نفر: یحیی پسر بدیل؛ عواش فضل.

وادی قراء: ۱ نفر: حرّ پسر زمان.

خیبر: ۱ نفر: سلمان پسر داود.

ایدار: ۱ نفر: طله پسر سعد.

چارت: ۱ نفر: حارث پسر میمون.

مدینه: ۱ نفر: حمزه پسر طاهر شر حبیل پسر جمیل.

زیده: ۱ نفر: حماد پسر ابی نصر.

کوفه: ۱۴ نفر: ربیعہ پسر علی؛ نعیم پسر الیاس؛ پسر عیسی؛

مطرف عمر کندی؛ هارون پسر صالح؛ وگابا پسر سعد؛ محمد پسر دوابه

؛ احمد پسر ریحانه؛ حریر عید الله پسر ساسان؛ عوده اعلم؛ خالد پسر

قدوس؛ ابراهیم پسر سعود؛ بکیر پسر سعید خالد؛ عزت اعوانی.

- قلزم: ۲ نفر: رحبه پسر عمرو؛ شیب پسر عبد الله .
- کیلوسا: ۱ نفر: حفص پسر مروان .
- چین: ۱ نفر: بکیر پسر عبد الله پسر الواحد .
- طاهی: ۲ نفر: حباب پسر سعید؛ صالح پسر طیفور .
- اهواز: ۲ نفر: عیسی پسر تھام؛ جعفر پسر سعید .
- سلم: ۱ نفر: علقمه پسر ابراهیم .
- استخر: ۲ نفر: موکل پسر عبد الله؛ هشام پسر فاخر .
- مولیار: ۱ نفر: سید پسر ابراهیم .
- نیل: ۱ نفر: شاکر پسر عبده .
- قنداویل: ۱ نفر: عمر پسر فروه .
- مدائن: ۸ نفر: محمد پسر احمد؛ برادر صالح پسر منذر؛
- میمون پسر حرث؛ معاذ پسر علی؛ حرث پسر سعید؛ زھیر پسر
- طلحه؛ نصر؛ منصور .
- عسکری: ۱ نفر: زائرہ پسر هثه .
- حلوان: ۲ نفر: ماہاز پسر کثیر؛ ابراهیم پسر محمد .
- بصرہ: ۳ نفر: عبد الرحمن پسر اعطف؛ احمد پسر ملیح؛
- حماد پسر جابر .
- اصحاب کھف: ۷ نفر: کمسکمینا و شش نفر از اصحاب او .
- انطاکیہ: موسی پسر عون؛ سلمان پسر حرّ تا جرّان آن شهر و
- غلامان آنها .
- روم: ۱۱ نفر: کہ پناهنده آنجا شدہ اند، صمیب پسر عاص؛
- جعفر پسر حلال؛ ضرار پسر سعید؛ حمید قدوسی؛ مالک پسر

خلید؛ لکر پسر حرّ؛ حبیب پسر حنان؛ جابر پسر سفیان و سه نفر دیگر که نامشان از بین رفته است.

سرنندیب: ۲ نفر: جعفر پسر زکریا؛ دانیال پسر داود.

سند: ۴ نفر: حور پسر طرخان؛ سعید پسر علی؛ شاه پسر

برزخ؛ حرّ پسر جمیل.

سیراف: ۱ نفر: حسین پسر الوان.

سردابه: ۲ نفر: سیری پسر قلب؛ زیاده الله پسر رزق الله.

صقلیه: ۱ نفر: ابو داود شعشاع.

مخشب: ۱ نفر: عبد الله پسر صاعد.

بلخ: ۱ نفر: تراوس پسر محمد.

دو نفر از احتجاج کنندگان به کتاب خدا خواهند بود؛ بر ناصب

از برید سفیر خارجی، ضنحر پسر عبد الصمد قبایلی یزید فاخری.

این بود اسامی اصحاب امام زمان ارواحنا له الفداء که در غیر

موسم حج یک شب در مکه معظمه می خوابند و از روایات استفاده

می شود که آن حضرت در ماه محرم خروج می کند.

ابن حجر از ابن عساکر و اوهم از علی علیه السلام روایت می کند که:

هنگام قیام مهدی علیه السلام، خداوند اهل شرق و غرب را جمع خواهد نمود.

دوستان آن حضرت از کوفه و یاران شجاعش از اهل شام هستند^۱.

جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السلام در حدیثی طولانی،

بعضی از علائم ظهور امام عصر علیه السلام و خروج سفیانی را نقل می کند تا

آنجا که می فرماید: خداوند اصحاب مهدی را که سیصد و سیزده نفر

مرد هستند برای آن حضرت جمع می‌نماید .

حاکم نیشابوری از محمد بن حنفیه روایت می‌کند که ما نزد علی علیه السلام بودیم که مردی از حضرت راجع به مهدی علیه السلام سؤال کرد. امیرالمؤمنین هفت مرتبه فرمود هیئات! آنگاه لب به سخن گشود و چنین فرمود: مهدی علیه السلام در آخر الزمان و در هنگامی که اگر کسی کلمه الله را بر زبان جاری کند کشته خواهد شد، خروج می‌کند، سپس خداوند گروهی را که در چابکی و شجاعت همچون ابرند گردش جمع می‌نماید. تعداد این افراد مطابق با تعداد افرادی است که با طالوت از نهر عبور کردند و حضرت مهدی با یاران خود چنین بیعت کند: دزدی نکنند، مرتکب زنا نشوند، کسی را به ناحق نکشند، هتک حرمت هیچ محترمی را انجام ندهند، به هیچ مسلمانی ناسزا نگویند، به منزل کسی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، چهار پایان لاغر و ضعیف را سوار نشوند، خود را با طلا زینت ندهند، لباس خزن پوشند، پارچه ابریشم برتن نکنند، نعلینهای صراره بر پا نکنند، از هیچ مسجدی خروج ننمایند، راهزنی ننمایند و راه را بر هیچ کس نبندند، به یتیمان ظلم نکنند، در راهها ایجاد ترس ننمایند، از خدعه و تیرنگ پرهیزند، مال یتیم را نخورند، مرتکب لواط نشوند، شراب نخورند، در امانت خیانت نکنند، به وعده خود وفا کنند، گندم و جو را احتکار نکنند، کسی را که به آنها پناهانده می‌شود نکشند، افراد شکست خورده را تعقیب نکنند، خونی را به ناحق نریزند، مجروح را نکشند، لباس خشن پوشند بالش زیر سر خود را از خاک قرار دهند، نان جو بخورند، به کم قانع و راضی باشند، در راه خدا آنطور که بایسته و

شایسته است جهاد کنند، مشک و بوی خوش ببینند، از نجاسات دوری کنند و الخ!

روایاتی که از حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است

۱ - صدرا الاثمه و اخطب الخطباء، خطیب خوارزم ابو المؤید موفق بن احمد مکی که از بزرگان علمای عامه است به سند خود از سلیمان راعی خادم رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که از آن حضرت شنیدم که فرمود: شبی مرا به آسمان بردند و حضرت جل جلاله به من فرمود: آمن الرسول بما انزل الیه من ربه
گفتم: و المؤمنون

فرمود: راست گفتی. ای محمد! چه کسی را در امت خود خلیفه گردانیدی؟

گفتم: بهترین ایشان را

فرمود: علی بن ابی طالب را؟

گفتم: بلی ای پروردگار من! فرمود: ای محمد! به سوی زمین نظر و توجه کردم و تو را اختیار نمودم و نامی از نامهای خویش را برایت برگزیدم، پس مرا در هیچ جا یاد نکنند مگر اینکه تو را با من یاد کنند. لذا من محمودم و تو محمد.

بعد از آن در نگاهی دیگر، علی علیه السلام را برگزیدم و برای او نیز نامی از نامهای خویش انتخاب کردم. پس من اعلایم و او علی، ای محمد! تو، علی، حسن، حسین و امامان از اولاد حسین را

از نور خود آفریدم و ولایت شما را بر تمامی اهل آسمانها و زمین عرضه کردم. پس هرکس ولایت شما را قبول کرد، نزد من از مؤمنان شد و هرکس انکار کرد، از کافران گردید.

ای محمد! اگر بنده‌ای از بندگان من، مرا آنطور بندگی کند تا رگهای گردنش مانند مشک پوسیده پاره پاره شود و بعد از آن به سوی من آید در حالی که منکر ولایت شماست، او را نیامرزم مگر آنکه به ولایت شما اقرار کند.

فرمود: ای محمد! می‌خواهی آنها را ببینی.

گفتم: بلی ای پروردگار.

فرمود: به جانب راست عرش نظر کن.

چون نظر کردم، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و مهدی «عج» را دیدم که در نوری مانند آب تنگ به نماز ایستاده بودند و مهدی در میان ایشان همچون ستاره‌ای درخشان بود.

حق تعالی فرمود: ای محمد! اینانند حجتهای من و این مهدی خونخواه عزت توست. به عزت و جلالم سوگند که مهدی حجّت واجبۀ دوستان من و انتقام گیرنده از دشمنان من است!

۲ - موفق بن احمد به سند خود از سعید بن بشیر و او از علی علیه السلام

روایت می‌کند که نبی مکرم اسلام فرمود: من پیش از شما بر حوض (کوثر) وارد می‌شوم و تو ای علی ساقی امت منی، حسن دورکننده

دشمنان من از حوض است، حسین امرکننده، علی بن حسین تقسیم کننده، محمد بن علی پراکنده کننده آن قسمتها، جعفر بن محمد راهنمای مردم به سوی بهشت و موسی بن جعفر شمارنده دوستان و از بین برنده منافقان است، علی بن موسی زینت کننده مؤمنان، محمد بن علی فرود آوردنده مؤمنان در منازل بهشتی آنان، علی بن محمد خطیب شیعیان در تزویج حورالعین به آنها، حسن بن علی چراغ اهل بهشت و مایه روشنایی آنان و مهدی علیه السلام شفیع ایشان در روز قیامت است. در وقتی که خدای تعالی اجازه شفاعت ندهد مگر برای کسی که بخواهد و راضی شود!

۳- ابراهیم بن محمد جوینی که از بزرگان علمای عامه است به سند خود از جابر بن عبدالله روایت می کند که پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس خروج مهدی ما را انکار کند، پس به آنچه که خداوند بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده کافر شده است. هرکس نزول عیسی از آسمان را منکر شود، پس به تحقیق به خدا کفر ورزیده است. هرکس خروج دجال را منکر شود، پس به تحقیق کفر ورزیده. و کسی که ایمان نداشته باشد که خیر و شر از جانب خداست پس به تحقیق کافر شده. جبرئیل مرا خیر داد به اینکه خدای عزوجل می فرماید:

من لم یؤمن بالقدر خیر و شر فلیتخذ ربا غیری!

۴- ابو الحسن محمد بن احمد بن شاذان فقیه از روایات عامه از امام

صادق علیه السلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

۱- فرائد المسلمین، ج ۲، ص ۲۲۱ نقل از مقتل خوارزمی.

۲- فرائد السعیدین فی فضل المرتضی و البتول و السبطین، ج ۲، ص ۲۲۴.

جبرئیل امین از سوی خدای سبحان مرا خبر داد که هرکس بپذیرد که غیر از من خدایی نیست، محمد بنده و رسول من، علی خلیفه من و ائمه از اولاد او حجت‌های من هستند؛ پس چنین کسی را با رحمت خویش وارد بهشت کنم با عفو خود از آتش جهنم نجاتش دهم، همجواریش با خود را بر او مباح گردانم، کرامت به او را بر خود واجب گردانم، نعمت را بر او تمام کنم و او را از بندگان خاص و خالص خود گردانم.

اگر مرا ندا کند لبیک گویم، اگر بخواند اجابت کنم، اگر درخواستی کند عطا نمایم، اگر از سؤال ساکت ماند ابتدا کنم، اگر بدی کند مهربانی کنم، اگر از من فرار نماید او را به سوی خود خوانم، اگر به سوی من بازگردد او را قبول کنم و اگر در رحمت مرا بکوبد بگشایم و اگر کسی به وحدانیت من گواهی دهد و به رسالت بنده من محمد گواهی ندهد، یا به آن گواهی داده و به خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام گواهی ندهد، یا به آن گواهی داده و به اینکه ائمه از اولاد او حجت‌های من هستند گواهی ندهد؛ پس به درستی که نعمت مرا انکار کرده، عظمت مرا حقیر شمرده و به آیات و کتب و فرستادگان من کافر شده است. پس چنین کسی اگر قصد من کند او را مانع شوم، اگر تقاضایی کند محروم گردانم، اگر ندا کند نشنوم، اگر دعا کند استجابت نگردانم، اگر به من امیدوار شود مأیوس گردانم و من بر بندگان خویش ستمگر نیستم. جابر بن عبد الله از جای برخاست و عرض کرد یا رسول الله! امامان از اولاد علی بن ابی طالب علیه السلام کیانند؟ فرمود: حسن و حسین که آقا و سرور جوانان اهل بهشتند، سید عابدان زمان علی بن

الحسین، باقر محمد بن علی و توای جابرا به خدمت او خواهی رسید و سلام مرا به او برسان، صادق جعفر بن محمد، کاظم موسی بن جعفر، رضا علی بن موسی، تقی محمد بن علی، نقی علی بن محمد، زکی حسن بن علی، بعد از آن فرزندش قائم به حق که مهدی امت من است. او زمین را از عدل و داد پر می کند زمانی که گیتی پر از ظلم و ستم شود.

ای جابر! اینانند خلفا، اوصیا، اولاد و عترت من. هرکس ایشان را اطاعت کند مرا اطاعت کرده و هرکس ایشان را معصیت کند معصیت مرا کرده و هرکس همه ایشان یا یکی از ایشان را انکار کند مرا انکار کرده است. خدای تعالی به واسطه ایشان آسمان را نگه داشته تا بر زمین نیفتد زمین را نگه داشته تا اهل خود را فرو نبرد!

۵ - ابراهیم بن محمد جوینی به سند خود از ابوسعید خدری روایت کرده است که نبی گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: بشارت می دهم شما را به مهدی که مبعوث می شود در امت من هنگامی که مردم مختلف و مضطرب و متزلزل اند. پس او جهان را از عدل و داد پر می کند چنانچه پیش از آن از ظلم و ستم پر شده بود. ساکنان زمین و آسمان از او راضی شوند و او اموال را به درستی بین مردم تقسیم می کند. مردم از حضرت پرسید قسمت صحیح اموال چگونه است؟ فرمود: قسمت بالسویه بین مردم!

۶ - جوینی به سند خود از عبدالله بن عباس روایت می کند که

۱ - ابوالحسن بن... شاذان از امام صادق.

۲ - فرائد السمعیین، ابراهیم بن محمد جوینی خراسانی، ج ۲، ص ۲۱۰ - ۲۱۱.

خاتم الانبیاء ﷺ فرمود: به تحقیق خلفا و اوصیای من و حجت‌های خدا بر خلق پس از من دوازده نفرند، اول ایشان برادر من و آخر ایشان فرزند من است.

پرسیدم برادر و فرزند تو کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب و مهدی که زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنانکه از جور و ستم پر شده باشد.

قسم به آنکه مرا به حق بشیر و نذیر مبعوث گردانید! اگر یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خداوند آنروز را چندان طولانی کند تا آنکه پسر مهدی خروج کند و روح الله عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و پشت سرش نمازگزارد. مهدی زمین را به نور پروردگار روشن گرداند و سلطنت او از مشرق تا مغرب گیتی را فراگیرد!

۷ - جوینی به سند خود از اصبع بن نباته از عبدالله بن عباس

روایت می‌کند از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمود: من و علی و حسن و حسین و نه نفر از اولاد حسین مطهریم و معصوم^۲.

مؤلف گوید: بانقل چنین روایاتی که در شیعه هم به صراحت آمده است، چگونه است که جوینی و دیگر علمای عامه از قول رسول اکرم پیروی نمی‌کنند؟ بدرستی که ان هذا هو الخسران المبین.

۸ - جوینی به سند خود از عبادة بن ربیع از ابن عباس روایت

می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمودند: من سید انبیایم و علی بن ابی طالب سید اوصیا و اوصیای پس از من دوازده نفرند؛ اول

۲ - همان کتاب، ص ۳۱۳.

۱ - فراند السمطین، ج ۲، ص ۳۱۲.

ایشان علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرشان مهدی علیه السلام است.^۱

۹ - جوینی به سند خود از سلیمان بن ابی حبیب از ابوامامه با هلی روایت می‌کند که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: بین شما و رومیان چهار جنگ و چهار صلح روی خواهد داد و چهارمی به دست مردی از آل هرقل (امپراتور روم) است که هفت سال سطلنت می‌کند؟ در این هنگام مستورد بن جیلان از طایفه عبدالقیس پرسید یا رسول الله! در آن زمان امام مردم چه کسی خواهد بود؟

فرمود: مهدی از اولاد من به سن مردی چهل ساله که چهره‌اش همچون ستاره‌ای درخشانده است. در گونه راستش خال سیاهی است و دو عبای قطوانی می‌پوشد. چون به او می‌نگری، گویی یکی از مردم بنی اسرائیل است. گنجها را بیرون آورده و سرزمینهای مشرکان را فتح می‌کند.^۲

مؤلف گوید عبای قطوانیه عبایی است سفید که ریشهای کوتاه دارد و قطوان محلی است در کوفه که عبا و کسا را به آن محل نسبت می‌دهند.

۱۰ - جوینی به سند خود از ابوسعید خدری روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در میان امت من، مهدی ایشان اگر عمرش (حکومتش) کوتاه باشد هفت سال و آلا هشت یانه سال مردم از نعمتش بهره‌مند خواهند شد. نعمتی که تا آن زمان نیکان و بدان هرگز مثل آن را ندیده باشند. آسمان پیوسته هنگام نیاز بر آنها ببارد و زمین

۱ - فراند السمطین، ج ۲، ص ۳۱۳.

۲ - همان، ص ۳۱۴.

برکات نباتات خود را نگاه ندارد و بیرون ریزد^۱

۱۱ - جوینی به سند خود از ابوسعید خدری روایت می‌کند که آخرین سفیر الهی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی در میان امت من قیام می‌کند و خداوند او را آشکارا برای مردم برمی‌انگیزاند. امت من در ایام او متنعم باشند، مواشی عیش کنند، زمین نباتات خود را بیرون اندازد و اموال به تساوی بین مردم تقسیم شود^۲.

۱۲ - جوینی به سند خود از عبدالله بن عمر بن خطاب روایت می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السلام خروج می‌کند در حالی که بر بالای سر او فرشته‌ای است و ندای کند این مهدی است، او را پیروی کنید^۳.

۱۳ - جوینی به سند دیگری از عبدالله بن عمر روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

يُخْرِجُ الْمَهْدِيَّ عَلِيَّ رَأْسَهُ مَلِكٌ يَنَادِي أُنْ هَذَا الْمَهْدِيُّ فَاتَّبِعُوهُ
خروج می‌کند مهدی در حالی که بر بالای سر او ملکی باشد که ندا کند این است مهدی، او را پیروی کنید^۴.

۱۴ - جوینی به اسناد خود از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أَنَا وَأَرْدَكُمْ عَلَى الْحَوْضِ وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ السَّاقِي وَالْحَسَنُ الذَّائِدُ
وَالْحُسَيْنُ الْأَمْرُ الْخ.

که ترجمه این حدیث در حدیث دوم از هیمن باب از طریق

۱ - فرآند السمطین، جلد ۲، ص ۳۱۵.

۲ - کتاب همان، ص ۳۱۶.

۳ - کتاب همان، ص ۳۱۶.

۴ - فرآند السمطین، جلد ۲، ص ۳۱۶.

موفق بن احمد گذشت!

۱۵ - جوینی همچنین به سند خود از ابوسعید خدری روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: پرمی شود زمین از ظلم و جور، سپس بیرون می آید مردی از عترت من که مالک زمین شود به مدّت هفت یا نه سال و زمین را پراز عدل و داد نماید.^۲

۱۶ - جوینی همچنین به سند خود از ابوسعید خدری نقل می کند که رسول اکرم ﷺ فرمود: قیامت قیام نکند تا آنکه مالک شود از اهلیت من مردی که گشاده پیشانی و کشیده بینی باشد. زمین را پراز عدل می کند همچنانکه قبل از آن پراز جور و ستم بوده است. مدّت سلطنت او هفت سال خواهد بود.^۳

۱۷ - جوینی به سند خود از حذیفه روایت کرده که رسول خدا ﷺ در خطبه ای برخی از حوادث آینده را بیان فرمود. از جمله این که اگر یک روز از عمر دنیا باقی بماند، خدای تعالی آن روز را چنان طولانی کند تا بر انگیزاند مردی از اولاد مرا که نامش نام من است.

سلیمان بر خاست و گفت:

یا رسول الله ﷺ! از کدام فرزند شما خواهد بود؟

فرمود: از این فرزند و دست مبارک را بر حسین علیه السلام گذاشت.^۴

۱۸ - جوینی به سند خود از عبدالله بن عمر نیز روایت کرده که

رسول اکرم ﷺ فرمود:

۲ - فراند السمطین، ج ۲، ص ۳۱۵.

۱ - فراند السمطین، ج ۲، ص ۳۲۱.

۴ - فراند السمطین، ج ۲، ص ۳۲۶.

۳ - به فراند رجوع شود احتمالاً ص ۳۱۴.

قیامت بر پا نشود تا وقتی که از اهل بیت من مردی بیاید که نامش مطابق نام من است.^۱

۱۹ - جوینی به سند خود از عبدالله بن عمر روایت کرده که رسول اکرم ﷺ فرمود: دنیا تمام نمی شود و منقضی نمی گردد تا اینکه مردی از اهل بیت من که همنام من است بر عرب حاکم و مالک شود.^۲

۲۰ - جوینی به سند خود از عبدالله بن مسعود نقل می کند که پیامبر گرامی ﷺ فرمود: دنیا منقضی و تمام نمی شود تا اینکه مردی از اهل بیت من که همنام من است، ولی امت من شود.^۳

۲۱ - جوینی از اعلام الوری طبرسی به سند خود از سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس روایت می کند که: روزی نزد هارون الرشید بودم که از مهدی و عدل و داد او یاد کرد و گفت: چنان می فهمم که شما گمان دارید من سخن از مهدی عباسی پدر خود می گویم. پدرم از پدرش از جدش از ابن عباس از عباس بن عبدالمطلب روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: ای عمو! دوازده خلیفه از اولاد من مالک می شوند و بعد از آن مسائل بزرگ، زیاد و شدیدی رخ می دهد تا اینکه مهدی از اولاد من که حق تعالی در یک شب امر او را اصلاح می فرماید، زمین را در حالی که پر از ظلم و ستم است، از عدل و داد پر خواهد کرد به آن حدی که خدا خواهد بعد از آن دجال خروج خواهد کرد.

۱- همان، ص ۳۲۷.

۲- همان، ص ۳۲۷.

۳- همان، ص ۳۲۷.

جوینی پس از ذکر حدیث گوید: طبرسی گفته است این بعضی از اخبار و روایات مخالفان بود در نص بر عدد ائمه اثنی عشر و هرگاه فرقه مخالفان این اخبار را نقل کنند چنان که شیعه امامیه نقل کرده‌اند و انکار مضمون خبر نمایند این اول دلیل است بر اینکه خدای تعالی ایشان را مسخر گردانیده است به روایت کردن این اخبار از برای اقامه حجّت و اعلاّی کلمه. و این نیست مگر مثل خارق عادت و بیرون از امور معتاد، واحدی بر آن قادر نیست مگر خدای تعالی. آنکه صعب را ذلیل می‌گرداند و قلب را بر می‌گرداند و مشکل را آسان می‌نماید و هو علی کل شیء قدیر!

۲۲- جوینی به سند خود از **ابوسعید خدری** از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: مهدی از ما اهل بیت مردی است درامت من کشیده بینی که پر می‌کند زمین را از عدل و داد، همچنان که قبل از آن از جور و ستم پر شده بود.^۱

۲۳- جوینی همچنین به سند خود از **ابوسعید خدری** روایت کرده که نبی مکرم صلی الله علیه و آله فرمود: **المهدی منا اجلی الجبین الانف**.^۲

۲۴- جوینی نیز به سند خود از **عبدالله بن عبد الرحمن بن عوف** روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر آینه خدای متعال برانگیزاند مردی از عترت مرا که بیخ دندانهای ثنایای او گشاده و موی جبین او کم است. پر می‌کند زمین را از عدل و مال در نزد او قدر و منزلتی ندارد و هر کس را به قدر احتیاج بدهد تا توانگر شود.^۳

۲- فرزند، ج ۲، ص ۳۱۴.

۱- فرزند السمطین، ج ۲، ص ۳۲۹.

۴- همان، ص ۳۳۱.

۳- همان.

- ۲۵ - جوینی به سند خود از محمد بن حنفیه از پدرش امام علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده که رسول گرامی اسلام فرمود:
- المهدی منا اهل البيت يصلحه الله في ليله.
- مهدی از ما اهل بیت است که خداوند امرش را در یک شب اصلاح فرماید!
- ۲۶ - جوینی به سند خود از ابوهریره روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:
- قیامت برپا نشود تا آنکه مردی از اهل بیت من حاکم شود، قسطنطنیه و جبل را فتح نماید و اگر یک روز از عمر دنیا باقی بماند، خداوند آن روز را آنقدر طولانی کند تا آن دو موضع را فتح نماید.^۱
- ۲۷ - این حدیث عیناً در حدیث شماره یک نقل شده و از تکرار آن خودداری می‌کنیم.
- ۲۸ - جوینی به سند خود از عبدالله حارث بن جزء زبیدی نقل می‌کند که پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله فرمود:
- مردمانی از مشرق زمین بر خیزند و مهدی را پیروی کنند، مطیع و منقاد او باشند و حکم او را گردن نهند.^۲
- ۲۹ - جوینی به سند خود از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی از اولاد من، نامش نام من و در خلق و خلق شبیه‌ترین مردم به من است. او را غیبتی است که در آن امتها گمراه شوند. او مانند شهاب ثاقب جهان را پر از عدل و داد

۱- همان، ص ۳۱۸.

۲- همان، ج ۲، ص ۳۲۹.

۳- همان، ص ۳۱۳.

می‌کند!

۳۰- جوینی به سند خود از امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی از اولاد من است، او را غیبتی و حیرتی است که امتها در آن غیبت گمراه و متحیر شوند. او ذخایر و موارث انبیاء را بیرون می‌آورد و آنچنان که زمین پر از ظلم است، گیتی را با عدل پر می‌کند! ۲

۳۱- جوینی به سند خود از حضرت علی علیه السلام روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین عبادات انتظار فرج است ۳.

۳۲- جوینی به سند خود از ابن عباس روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: علی بن ابی طالب امام امت من و وظیفه من بر آنهاست و از اولاد او قائم منتظر است که خداوند پس از آنکه زمین پر از ظلم و ستم شود به وسیله او آن را پر از عدل و داد خواهد کرد. قسم به آن کسی که مرا به حق بشیر و نذیر قرار داد، کسانی که بر اعتقاد به امامت او در زمان غیبت ثابت قدم باشند، از کبریت احمر عزیزترند.

جابر بن عبد الله برخاست و گفت: یا رسول الله! قائم اولاد تو را غیبتی خواهد بود؟ فرمود: قسم به پروردگارم که لیمحص الله الذین آمنوا و یمحق الکافرین هر آینه خدای تعالی در آن زمان مؤمنان را با امتحان الهی خالص گرداند و کافران را زایل فرماید. ای جابر! این امر از امور الهی و سری از اسرار خداوندی است و علت غیبت از بندگان

۲- کتاب همان، ص ۲۲۵.

۱- فراند السعطین، ج ۲، ص ۲۲۵.

۳- همان، ص ۲۲۵.

مخفی است. ای جابر! شک در امر خدا روا نیست^۱.

۳۳ - جوینی به سند خود از حسن بن خالد روایت می‌کند که علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: هرکس تقوا ندارد دین ندارد و آنکه تقیه نمی‌کند ایمان ندارد و گرامی‌ترین شما نزد خدا «تقای» شماست یعنی کسی که بیشتر از همه تقیه کند.

عرض کرد تا چه زمان باید تقیه کرد؟ فرمود: تا روز معلوم و آن، روز خروج قائم ماست. پس کسی که پیش از خروج قائم ما، تقیه را ترک کند، از مانیت است. عرض شد یا بن رسول الله! قائم شما کیست؟ فرمود: چهارمین از اولاد من، فرزند سیده کنیزان که خداوند به وسیله او زمین را از هر ستمی پاک گرداند و از هر پلیدی منزّه فرماید. او کسی است که مردم در غیبتش شک می‌کنند و او صاحب غیبت قبل از خروج است و چون خروج کند روی زمین را به نور خود روشن گرداند و عدل را در میان مردم برپا کرده و به احدی ظلم ننماید.

او کسی است که زمین برایش پیچیده شود و او را سایه نباشد. او کسی است که منادی از آسمان ندا کند به نحوی که زمینیان بشنوند و مردم را به سوی او فرا خواند و گوید: حجّت خدا در خانه خدا ظاهر شده، او را پیروی کنید که حق در پیروی او و با اوست که خدای تعالی می‌فرماید: ان نشانزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعین^۲.

۳۴ - دعبل خزاعی روایت می‌کند که قصیده خود را با این

۲ - فرزند، ج ۲، ص ۲۳۶ - ۲۳۷.

۱ - فرزند، جلد ۲، ص ۲۳۵ - ۲۳۶.

مطلع

مدارس آیات خلت من تلاوة و منزل وحی مقفر العرصات
در حضور امام هشتم علیه السلام خواندم و چون به این بیت رسیدم
که:

خروج امام لامحالة خارج يقول على اسم الله والبركات
يميز فينا كل حق و باطل ويجزي على النعماء والنقمات
ثامن الائمة به شدت گریست و آنگاه سر مبارک را بلند کرد و
فرمود:

ای خزاعی! روح القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری کرده
است. آیا می دانی که آن امام کیست و چه وقت قیام می کند.
گفتم: نه؛ ای مولای من. مگر آنکه شنیدیم که امامی از شما
خروج خواهد کرد و زمین را از فساد پاک و از عدل و داد پر می کند.
فرمود: ای دعبیل! امام پس از من، محمد پسر من، سپس پسرش
علی، بعد از علی پسرش حسن و بعد از حسن فرزندش حجت قائم
که چون غائب شود، انتظار او را کشند و چون ظاهر شود او را اطاعت
کنند.

اگر از دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خدای تعالی آن روز
را آنقدر طولانی کند تا قائم علیه السلام خروج کند و او پس از آنکه زمین پر از
ظلم می شود، آن را پر از عدل و داد می کند.

وقت ظهور او را نمی توان تعیین کرد چرا که پدرم از پدرش و او
از پدانش از علی علیه السلام روایت کرده است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله
پرسیدند: قائم از ذریه تو چه وقت ظهور می کند؟ فرمود: مثل او مثل

روز قیامت است که خداوند آن را تنها در وقت خود آشکار می‌سازد. شداید و سختیهای آن براهل زمین و آسمان زیاد است و او بی‌خبر و ناگهانی آشکار نخواهد شد.^۱

۳۵ - جوینی به اسناد خود از ابن عباس روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود: امتی که من در اوّل، عیسی بن مریم در وسط و مهدی علیّه در آخر آنها باشد هلاک نشود.^۲

۳۶ - جوینی به اسناد دیگر از ابن عباس روایت کرده است که رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: چگونه هلاک شود امتی که من در اوّل آنها، عیسی بن مریم در آخر آنها مهدی از اهل بیت من در وسط آنها باشد.^۳

۳۷ - ثعلبی به سند خود از انس بن مالک روایت می‌کند که محمّد مصطفی ﷺ فرمود: ما اولاد عبدالمطلب یعنی من، حمزه، جعفر، علی، حسن، حسین و مهدی سادات اهل بهشتیم.^۴

۳۸ - ثعلبی همچنین در تفسیر آیه اِنَّه ليعلم الساعه می‌گوید: مراد از آن عیسی بن مریم است و بعضی آنرا ابن عباس، ابو هریره، قتاده، مالک دینار و ضحاک خوانده‌اند. و انه للعلم للساعه یعنی اماره و علامت.

در حدیث آمده که عیسی بن مریم در حالی که دو جامه زعفرانی پوشیده و موی سرش را روغن زده است نزول می‌کند و با حربه‌ای که در دست دارد، دجال را می‌کشد. آنگاه به بیت المقدس

۱ - فراند، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲ - همان، ص ۲۲۹.

۳ - همان، ص ۲۲۹.

۴ - کشف و بیان در تفسیر قرآن، ثعلبی.

می آید در حالیکه مردم با امام عصر (عج) نماز جماعت می گزارند و او هم به شریعت اسلام به مهدی علیه السلام اقتدا کند.

سپس خوکهایی را که مسیحیان برای خوراک تهیه کرده اند بکشد، صلیب را بشکند، معبدها و کنیسه های مسیحیت را خراب کند و هرکس را که به او ایمان نیاورده باشد به قتل رساند. بعد از آن دجال را بکشد، اموال حضرت مهدی را جمع آوری نماید. اصحاب کهف به دنبال او روان شوند و آنها وزیر امام عصر و صاحب و نایب او باشند و او عدالت را در مشرق و مغرب گیتی می گسترد!

۳۹- ثعلبی همچنین در تفسیر آیه اذای القیه الی الکهف.

حدیث رفتن ایشان را به نزد اصحاب کهف، بیدار نمودن آنها، خوابیدن اصحاب کهف از آن زمان تا عصر قیام مهدی، رفتن امام نزد اصحاب کهف و سلام به آنها و جواب دادن آنها به سلام حضرت را نقل می کند.^۲

۴۰- بخاری به سند خود از نافع مولای ابوقتاده انصاری نقل می کند که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: چگونه خواهی بود، هنگامی که پسر مریم در میان شما نازل شود و امام شما از شما باشد.^۳

۴۱- حمیدی به سند خود از مسند ثوبان مولای رسول خدا صلی الله علیه و آله

همین حدیث را نقل می کند.^۴

۴۲- مسلم نیز به سند خود از ابوهریره نقل می کند که پیامبر

۱- همان.

۲- کشف و بیان در تفسیر قرآن، ثعلبی.

۳- جمع بین الصحاح، حمیدی.

۴- بخاری، جلد ۴، ص ۲۰۵.

اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چطور است حال شما وقتی که عیسی در میان شما فرود آمده و امام شما مهدی باشد! ۱

۴۳ - ترفندی از قتیبه، از حماد بن یحیی، از ثابت بنانی از انس نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بشارت باد شما را! که مثل امت من مثل باران است که مردم نمی‌دانند اول آن بهتر است یا آخر آن. و چگونه هلاک شود امتی که من در اول، مهدی در وسط و عیسی در آخر آنها باشد، لیکن در این میان مردمانی گمراه باشند که نه من از ایشانم و نه ایشان از من! ۲

۴۴ - ابی داود و ترمذی به سند خود از عبید الله بن مسعود روایت کرده‌اند که خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله فرمود: اگر تنها یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خداوند آنروز را چندان طولانی کند تا مردی از من و از اهل بیتم که نامش همنام من، نام پدرش همنام پدرم است مبعوث شده، والی یا مالک عرب گردد و پس از آنکه زمین پر از ظلم و ستم می‌شود آن را پر از عدل و داد نماید! ۳

۴۵ - در کتاب جمع بین صحاح الستة روایت بالا از علی رضی الله عنه و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است! ۴

۴۶ - ابی داود به اسناد خود از ام سلمه آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السلام از عترت من و اولاد فاطمه «س» است! ۵

۴۷ - در المنشور به اسناد خود از ابوسعید خدری روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی از من است و او گشاده پیشانی و

۱ - صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۶، ب ۷۱، ج ۲۴۵-۲۴۴.

۲ - سنن ترمذی، جلد ۵، ص ۱۵۲، ب ۶، ج ۲۸۶۹. ۳ - سنن ابی داود و ترمذی.

۴ - جمع بین صحاح الستة. ۵ - سنن ابی داود، جلد ۴، ص ۱۰۷، ج ۴۲۸۴.

کشیده بینی است. زمین را از عدل پر می‌کند همچنان که مملو از ظلم شده بود و مدت هفت سال بر زمین حاکم است.^۱

۴۸ - در صحاح به نقل از ام سلمه آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: در وقت مرگ خلیفه‌ای از خلفا اختلاف خواهد شد. سپس مردی از اهل مدینه به سوی مکه فرار می‌کند و گروهی از اهالی مکه او را با اکراه بیرون آورده و بین رکن و مقام با او بیعت کنند و او راضی به این امر نباشد.

آنگاه سپاهی از شام به جنگ او آید که این سپاه در «بیدا» که میان مکه و مدینه است زمین آنها را فرو برد و چون مردم این موضوع را مطلع شوند از سوی شام و عراق برای بیعت با او به سوی مکه آیند.

بعد از آن مردی از قریش و از قبیله کلبند دایمان خروج کند و مردی مدنی با سپاهی بر او غلبه می‌کند. نومیدی من برای کسی است که بر سر غنائم قبیله کلب حاضر نشود و غنائم را تقسیم کنند حال آنکه نسبت من با او یکی است. آن وقت اسلام به دست او قرار و آرام گیرد، مدت هفت سال سلطنت نماید و بعد وفات کند و مسلمانان بر او نماز گزارند.^۲

۴۹ - ابو داود به سند خود از هلال بن عمرو از علی رضی الله عنه نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: مردی به نام حارث از ماوراءالنهر بیرون می‌آید که در مقدمه لشکرش مردی به نام منصور برای آل محمد رضی الله عنهم تمکین می‌کند همچنانکه قریش رسول الله را اطاعت

۲ - جمع بین صحاح سته.

۱ - الدر المنثور، ج ۶ ص ۵۷.

می کردند. بر هر مؤمنی لازم است او را یاری کند یا دعوتش را اجابت نماید!

۵۰ - در جمع صحاح سته از صحیح نسائی از انس بن مالک

روایت می کند که رسول اکرم ﷺ فرمود: هلاک نشود امتی که من در اوّل، مهدی در وسط و عیسی در آخر آنها باشد.^۲

۵۱ - ابن قتیبه دینوری به سند خود از یحیی و عروه بن رویم نقل

می کند که رسول مکرم ﷺ فرمود: نیکان امت من در اوّل و آخر امتند و ما بین آنها گمراه پیدا شود که من از آنها و آنها از من نیستند.

آنگاه پیامبر به ذکر آخرالزمان پرداخته و فرمود: امت من در

آخرالزمان که به دین حق تمسک می جویند مانند کسی است که آتش را در کف خویش گرفته و نگهداشته است. شهید در آن روز چونان شهید جنگ بدر است.

از آن حضرت درباره غریب سؤال شد فرمود: کسی است که در

آن زمان سنت مرا که از بین رفته است زنده می کند. سپس فرمود:

پیامبری بعد از من، کتابی بعد از قرآن و امتی بعد از امت من نیست

حلال چیزی است که خداوند آن را به زبان من حلال فرمود و حرام

نیز چنین است.^۳

۵۲ - حسین بن مسعود فرا به سند خود از ابو سعید خدری

روایت کرده است که رسول گرامی ﷺ فرمود: مهدی از اهل بیت

گشاده پیشانی و کشیده بینی است. زمین را پس از آنکه پیر از ظلم

۲ - جمع صحاح سته، نقل از صحیح نسائی.

۱ - ابو داود، ج ۴، ص ۱۰۸، ح ۴۲۹۰.

۳ - غریب الحدیث، ابن قتیبه دینوری، جزء اول.

است مملو از عدل و داد می‌کند و هفت سال بر جهان سلطنت می‌کند!

۵۳- حسین بن مسعود فرا همچنین به اسناد خود از ابوسعید

خدری روایت می‌کند که خاتم الانبیاء ﷺ فرمود: مردم آن زمان نزد مهدی می‌آیند و می‌گویند به ما مال عطا کن و حضرت آنقدر به آنها عطا می‌کند که مستغنی می‌شوند.^۱

۵۴- قرأ همچنین به اسناد خود از ابوسعید خدری روایت کرده

که پیامبر در مورد بلایی که در آخر الزمان بر مسلمانان وارد می‌شود سخن رانده و فرمود: هیچ پناهی برای پناهندگان از این بلا باقی نمی‌ماند تا اینکه خداوند مردی از خاندان مرا برانگیزد که زمین را پر از عدل و داد کند بعد از آنکه آن پراز ظلم و جور بود.

اهل زمین و آسمان از او راضی باشند و آسمان قطره‌ای از باران خود را نگه نداشته و پیوسته برایشان می‌بارد، تمام نباتات روی زمین سبز و خرم شوند تا حدی که مردم گویند ای کاش مردگان مازنده شده و این نعمت الهی را می‌دیدند. وی هفت یا نه سال سلطنت خواهد کرد.^۲

۵۵- قرأ به اسناد خود از عبد الله بن مسعود روایت کرده که

پیامبر عظیم الشان ﷺ فرمود: دنیا تمام نمی‌شود تا اینکه مردی از اهل بیت من که نامش نام من، نام پدرش نام پدرم است خروج می‌کند و جهان را پس از آنکه ظلم و ستم آنرا فرا گرفته پراز عدل و داد

۱- مصابیح السنة، حین بن مسعود بن محمد الفراء البغوی، ج ۳، ص ۴۹۲، ح ۴۲۱۲.

۲- مصابیح السنة، البغوی، ج ۲، ص ۴۸۹، ح ۴۲۰۲.

می‌کند.^۱

۵۶- ابو محمد قرا به سند خود از ام سلمه همسر گرامی پیامبر اکرم نقل می‌کند که از حضرت شنیدم که فرمود: مهدی از عترت من و از اولاد فاطمه است.^۲

۵۷- ابو محمد از ابن مردویه دیلمی به سند خود از ابن عباس و او از خاتم النبیین روایت می‌کند که: مهدی طاووس اهل بهشت است.^۳

۵۸- ابو شافعی به سند خود از حذیفه بن یمان نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی از اولاد من است. چهره‌اش همچون ماه درخشنده، رنگش عربی و جسمش بنی اسرائیلی است. زمین را از عدالت پر می‌کند همچنانکه پیش از آن ظلم بوده. اهل آسمان و زمین و حتی پرندگان در آسمان به خلافت او راضی اند و مدت بیست سال حضرت سلطنت می‌کند.^۴

۵۹- احمد بن حنبل به سندش از امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت می‌کند که: مهدی علیه السلام از اهل بیت من است که خدای تعالی امر او را در یک شب اصلاح می‌کند.^۵

۶۰- ابن اثیر همچنین از ام سلمه و او از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: مهدی از اولاد فاطمه است.^۶

۶۱- ابو نعیم احمد بن عبد الله حافظ اصفهانی از ابن جیش از ابن عباس روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دنیا تمام نمی‌شود تا اینکه مردی از اهل بیت من که نام او، نام من است بر جهان حاکم

۱- همان.

۲- مصابیح السنة، بغوی، ج ۳، ص ۴۹۲، ب ۳، ج ۴۲۱۱.

۳- الفردوس، ج ۴، ص ۲۲۲، ج ۶۶۶۸.

۴- البیان شافعی، ص ۵۱۳، ب ۱۷ نقل از ابو نعیم

۵- مسند احمد، ج ۱، ص ۸۴.

۶- جامع الاصول، ج ۱۱، ص ۴۹، ب ۱، ج ۷۸۱۲.

شود!

۶۲- ابو نعیم از محمد حنفیه و او هم از پدرش علی علیه السلام روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی از ما اهل بیت است که خدای تعالی امر او را در یک شب یا دو روز اصلاح می فرماید.^۱

۶۳- ابو نعیم به سند خود از معاویه بن سعد جوفی از جابر و او هم از امام باقر علیه السلام روایت می کند که رسول اکرم فرمود: خدای تعالی رعبی در دل های مردم از یاوران قائم می اندازد و چون مهدی علیه السلام ظهور کند، مردی از یاورانش از شیر ژیان قویدل تراست.^۲

۶۴- ابن ماجه به سند خود از انس بن مالک روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ما اولاد عبدالمطلب سادات اهل بهشتیم سپس فرمود: اول آنان منم بعد علی ابن ابیطالب، حمزه، جعفر، حسن، حسین و مهدی آخر زمان علیه السلام.^۳

۶۵- ابو نعیم به سند خود از ابو هریره روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حال شما چگونه خواهد بود وقتی که عیسی بن مریم در میان شما فرود آید و امام شما از شما باشد.^۴

۶۶- ابو نعیم می گوید: جابر گفته است که از رسول اکرم شنیدم که فرمود: پس از من خلفا می آیند و پس از خلفا، امرا و پادشاهان و بعد از آنها جباران سپس مردی از اهل بیت من خروج کرده و زمین را

۱- حلیة الاولیاء، ابو نعیم حافظ اصنفهانی، جزء ۲، نقل از معجم طبرانی، ص ۲۴۵.

۲- حلیة الاولیاء، ابو نعیم، ج ۳، ص ۱۷۷. ۳- همان، جزء ۲.

۴- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ب ۲۴، ج ۴۰۸۷.

۵- حلیة الاولیاء، کتاب فردوسی شیرویه باب کاف، جزء ۲، ص ۲۴۲، چاپ دارالکتاب العربی، چاپ اول.

پراز عدل و داد می کند^۱.

۶۷ - احمد بن حنبل به سندش از ابوسعید خدری روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: امت من در زمان او (مهدی) از نعمتها بهره مند می شوند به طوری که خوبان آنها مثل آن را ندیده اند. آسمان باران خود را پیایی بر آنها ببارد و زمین نباتات خود را نگه ندارد و بیرون ریزد. اموال در آن زمان قدر و قیمتی ندارد و اگر کسی نزد حضرت آمده و چیزی طلب کند، آنقدر به او عطا کند که توان حمل آن را نداشته باشد^۲.

۶۸ - ابن اثیر به سندش از ابوهریره روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: در آخر زمان خلیفه ای خروج خواهد کرد که مال بی شمار به مردم عطا می کند^۳.

۶۹ - شافعی از عبدالله بن عمر روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی علیه السلام خروج می کند در حالی که فرشته ای بر بالای سر او ندا می کند، این مهدی است، او را پیروی و اطاعت کنید^۴.

۷۰ - ابو نعیم همچنین از ابوهریره روایت کرده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: قیامت بر پا نشود تا آنکه مردی از اهل بیت من که قسطنطنیه و جبل را فتح نماید، مالک جهان شود و اگر از عمر دنیا یک روز باقی نباشد، خدای تعالی آن روز را آنقدر طولانی کند تا آن فتح واقع شود^۵.

۷۱ - سمعانی به سند خود از ابوهارون عبدی از ابوسعید خدری

۱ - حلیة الاولیاء، نقل از همان، جزء ۲ باب ۵۸.

۲ - مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۲۱-۲۲.

۳ - البیان، ص ۵۱۲، باب ۱۶.

۴ - جامع الاصول، ج ۱۱، ص ۸۴، ح ۷۸۹۱.

۵ - البیان، ص ۵۱۲، باب ۱۶، جزء ۲، باب ۷۱.

روایت کرده که فاطمه زهرا «س» به هنگام بیماری رسول اکرم بر بالین پدر آمد و چون ضعف پیامبر را دید گریه کرد و اشکش جاری شد پیامبر ﷺ فرمود: فاطمه جان چرا گریه می کنی. عرض کرد می ترسم بعد از تو امت ما را خوار و ذلیل نماید.

فرمود: مگر نمی دانی که خدای تعالی به زمین نظر کرد و پدرت را برگزید، بعد از من شوهرت را برگزید و به من وحی فرمود که تو را به عقد او در آورم و من تو را با او تزویج کردم. حلمش از همه مسلمانان بیشتر و عملش از همه آنها بالاتر و اسلامش از همه قوی تر است.
من تو را به عقد او در نیاورم بلکه خداوند تو را به او تزویج فرمود. آنگاه فاطمه خندان و خوشحال شد. سپس رسول گرامی فرمود:

ای فاطمه! خدای تعالی به ما هفت افتخار عطا فرمود که به احدی نداده است و آنها عبارتند از: پیامبر امت بهترین و سرور پیامبران و آن پدر توست، وصی من بهترین اوصیا و او شوهر توست، شهید ما بهترین شهدا و او عموی پدرت حمزه است، آنکه خداوند دو بال به او مرحمت فرماید تا در بهشت به هر جا پرواز کند، از ما ست و او جعفر برادر شوهر توست، دو سبط امت هم از ماست که آنها حسن و حسین فرزندان تو هستند و مهدی این امت هم که از ماست.

ابو هارون عبدی گوید: وهب بن منیه را در ایام حج ملاقات کردم و این حدیث را برایش نقل کردم. وهب گفت: ای ابو هارون! چون قوم موسی گمراه شده و گوساله پرستیدند و این کار بر موسی گران آمد،

عرض کرد: خداوند! چگونه پس از دوری از قوم آنها کافر شدند.
خداوند فرمود: ای موسی! امت هر یک از پیامبران قبل از تو، از راه
مخالفت با پیامبر خود گمراه شده و راه باطل برگزیدند و امت پیامبران
بعد از تو نیز گمراه می شوند.

موسی پرسید: بارالها! آیا امت محمد ﷺ نیز با آنهمه فضل و
نیکی که به ایشان عطا کرده‌ای که به احدی عطا نکرده‌ای و در تورات
نیز خبر داده‌ای، گمراه خواهند شد؟

وحی شد که ای موسی! امت محمد ﷺ بعد از او دچار فتنه
عظیمی شوند تا جایی بعضی از بعض دیگر بیزاری جویند و سرانجام
آنچه را که پیامبرشان امر کرده منکر شوند. آنگاه خدای تعالی
امرایشان را به وسیله مردی از ذریه احمد ﷺ اصلاح خواهد فرمود.
موسی عرض کرد: خداوند! آن مرد را از ذریه من قرار بده خداوند
فرمود: آن مرد از ذریه احمد و عترت او خواهد بود. موسی سه بار این
سؤال را تکرار کرد و همچنین جواب را شنید خدای تعالی فرمود: در
کتاب سابق خود نوشته‌ام که او از ذریه احمد و عترت اوست. امور
مردم را به واسطه او اصلاح کنم و آن مرد مهدی است.^۱

۷۲ - الدانی به سند خود از ابوسعید خدری روایت کرده که
رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی از امت من است که اگر مدت سلطنت
او کوتاه باشد هفت سال و گرنه هشت یا نه سال است. مردم در زمان
او از نعمتهایی بهره‌مند و توانگر خواهند شد که هرگز ندیده باشند.
آسمان پیوسته بر آنها ببارد و زمین برکات خود را از آنان دریغ

نمی دارد!

۷۳ - همچنین در کتاب فوق از ابوسعید خدری روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: زمین از ستم پر می شود، سپس مردی از عترت من قیام کرده و آنرا پر از عدل و داد می کند. مدت سلطنتش هفت یا نه سال خواهد بود.^۲

۷۴ - در کتاب فوق نیز از ابوسعید خدری آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: دنیا به پایان نرسد تا اینکه مردی از خاندان من مالک زمین شود و گیتی را آنگونه که پر از ظلم و ستم بوده، از عدل و داد پر کند، مدت سلطنت او هفت سال می باشد.^۳

۷۵ - ابوالفرج اصفهانی نقل می کند که پیامبر ﷺ به حضرت زهرا (علیها السلام) فرمود: مهدی از اولاد توست.^۴

۷۶ - همچنین در کتاب بالا آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: مهدی از اولاد حسین است.^۵

۷۷ - علی بن بلال از پدرش نقل می کند که در حال احتضار پیامبر ﷺ به حضور حضرت رسیدم در حالی که فاطمه (علیها السلام) بر بالین پدر نشسته و اشک می ریخت. آن حضرت روی به جانب فاطمه (علیها السلام) کرده و فرمود: ای حبیبه دل من! چرا گریه می کنی؟ گفت: می ترسم پس از مرگ تو ما را خوار نمایند.

فرمود: فاطمه! ناراحت نباش، پدر تو سید انبیاء، شوهرت سید

۱ - اربعین حدیثی چند حافظ ابو نعیم احمد بن عبد الله...؟ الدانی، ص ۹۴.

۲ - همان.

۳ - همان.

۴ - مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، جلد ۱، ص ۹۷.

۵ - همان.

۷۹ - شافعی به اسناد خود از عبدالله بن عمر روایت کرده که حضرت رسول ﷺ فرمود: مهدی ما از روستایی خروج کند که آن را «کرعه» گویند.^۱

۸۰ - در کتاب اربعین از حدیثی روایت شده است که رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی از اولاد من و چهره‌اش مانند ستاره درخشانده است.^۲

۸۱ - در اربعین به اسناد آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی مردی است از اولاد من، رنگ او عربی، جسمش اسرائیلی و در صورت یا گونه راستش خالی است مانند ستاره درخشان زمین را پر از عدل و داد گرداند چنانچه قبل از آن پر از ظلم جور بوده است و اهل زمین و آسمان و مرغان هوایی به خلافتش خرسند باشند.^۳

۸۲ - ابی داود به سند خود از ابوسعید خدری روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود مهدی ماگشاده پیشانی و کشیده بینی می‌باشد.^۴

۸۳ - ابن حماد به سند خود از ابوسعید روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود: مهدی مردی از اهل بیت من کشیده بینی است. زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنانچه قبل از آن از ظلم و ستم پر بود.^۵

۸۴ - شافعی به سند خود از ابوامامه باهلی روایت می‌کند که

۱- بیان شافعی، ص ۵۱۰-۵۱۱، باب ۱۴، نقل از مناقب مهدی، ابونعیم.

۲- میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۴۹، نقل از ابونعیم.

۳- عرف السیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۶۶ و مانند این در ابونعیم آمده است.

۴- سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۸۵. ۵- الفتن، ابن حماد، ص ۱۰۰.

حضرت ختمی مرتبت علیه السلام فرمود: میان شما و رومیان چهار مصالحه می شود که آخرین آن در دست مردی از اهل هرقل است که مدت هفت سال سلطنت می کند.

مستورد بن غیلان عرض کرد: یا رسول الله! در آن ایام امام مسلمین کیست فرمود: مهدی از اولاد من در حدّ مردی چهل ساله که چهره اش مانند ستاره درخشان و در گونه اش خالی سیاه است و دو عبای ضخیم برتن دارد. چون او را بینی، گویی از مردان بنی اسرائیل است گنجهای زمین را بیرون آورده و سرزمینهای مشرکان را فتح نماید.

۸۵ - شافعی از عبدالرحمن بن عوف نقل می کند رسول الله صلی الله علیه و آله

فرمود: هر آینه خدای تعالی برانگیزاند از عترت من، مردی را که بیخ دندانهای او گشاده و موی پیشانی اش اندک است. زمین را پر از عدالت نماید و آنگونه به مردم مال عطا کند که توانگر شوند!

۸۶ - اربعین ابو امامه روایت می کند که پیامبر خطبه ای

خواند که در آن از فتنه دجال سخن راند و فرمود: در آن وقت مدینه از پلیدی پاک گردد مانند کوره از جرم آهن و در آن روز منادی ندا دهد که امروز روز خلاصی از ظلم است.

ام شریک برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! عرب در آن کجایند.

فرمود: عرب در آن روز اندک اند و بیشتر آنها در بیت المقدس هستند و امام آنها مردی صالح به نام مهدی است.

۸۷ - شافعی از ابوسعید خدری روایت می‌کند که حضرت محمد ﷺ فرمود: مهدی در میان امت من خروج می‌کند و خداوند او را آشکارا برای مردم بر می‌انگیزاند. امت من در آن زمان متنعم شده و زمین گنجها و نباتات خود را آشکار می‌کند!

۸۸ - شافعی از عبدالله بن عمر نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: مهدی خروج کند در حالی که ابری بر بالای سر اوست و منادی ندا دهد که این مهدی خلیفه خداست، او را پیروی کنید!.

۸۹ - اربعین از ابوسعید روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمود: بشارت دهم شما را به مهدی که در میان امت من مبعوث می‌شود در زمانی که میان آنها اختلاف باشد. زمین را پر از عدالت نماید چنانکه قبل از آن پر از ظلم بوده است. ساکنان زمین و اهل آسمان به امامت او خوشنود باشند و او اموال را در بین مردم به تساوی تقسیم نماید!.

۹۰ - اربعین از حدیثی روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: قیامت برپا نشود تا اینکه مردی از اهل بیت من که همنام من است مالک زمین شود. زمین را از عدل پر کند چنانکه قبل از آن از ظلم پر بوده است!.

۹۱ - اربعین از حدیثی روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود: اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خدای تعالی در آن روز مردی را که نامش نام من، خلق او خلق من و کنیه‌اش کنیه من است، بر

۲ - البیان، ص ۵۱۱، باب ۱۵.

۱ - البیان شافعی، ص ۵۱۹، ب ۲۳.

۴ - اربعین.

۲ - اربعین نقل از مسند احمد، ص ۲۸.

می انگیزاند!

۹۲ - اربعین از عبدالله بن عمر روایت کرده که خاتم الانبیاء ﷺ فرمود: دنیا تمام نشود تا اینکه خدای تعالی مردی را از اهل بیت من که همنام من است برانگیزاند و او زمین را همانگونه که پراز ظلم بوده، با عدالت پر کند.^۲

۹۳ - اربعین از ابوسعید خدری آورده که رسول اکرم ﷺ فرمود: زمانی که زمین از ظلم و ستیز پر شود، مردی از اهلبیت من خروج می کند و عدالت را برقرار می کند.^۳

۹۴ - اربعین از زرارة بن عبدالله نقل می کند که رسول گرامی فرمود: از اهل بیت من کسی که همنام من و خلق او خلق من است، خروج می کند و زمین را پراز عدل و داد می کند.^۴

۹۵ - اربعین از ابوسعید خدری روایت کرده که فرمود: در آخر الزمان فتنه ها ظاهر می شود تا اینکه مردی که او را مهدی گویند مبعوث می شود و بخششهای او بر مردم گوارا خواهد بود.^۵

۹۶ - اربعین به استناد خود از ابوسعید خدری روایت می کند که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: مردی از اهلبیت من خروج می کند که به سنت من عمل نموده، برکت از آسمان برای او نازل شود، زمین برکات خود را از برای او بیرون اندازد. زمین را پراز عدل و داد کند همانطور که قبل از آن پراز ظلم بود. حکومت او بر این امت هفت سال است و در بیت المقدس فرود آید.^۶

۲ - اربعین .

۴ - اربعین .

۶ - اربعین .

۱ - اربعین .

۳ - اربعین .

۵ - اربعین .

۹۷ - ابن حماد از ثوبان روایت می‌کند که پیامبر فرمود: هرگاه سپاهی مجهز به علما را دیدید که از جانب خراسان می‌آید، به سوی آن بشتابید حتی اگر با دست و پا بر روی برف باشد. چرا که مهدی خلیفه خدا در میان آن پرچمها و علمهاست!

۹۸ - ابن ابی شیبه به سندش از علقمه عبدالله بن مسعود روایت کرده که روزی با گروهی از جوانان بنی هاشم خدمت رسول اکرم ﷺ رسیدیم که دیدگان پیامبر پس از مشاهده جوانان بنی هاشم گریان شده و رنگ مبارکش تغییر کرد. عرض کردند: یا رسول الله! این چه حالتی است که در شما می‌بینم که ما آنرا مکروه دانسته و از مشاهده آن ناراحت می‌شویم؟

فرمود: ما اهل بیتی هستیم که خدای تعالی آخرت را بر دنیا بر ایمان اختیار نمود بزودی پس از من اهل بیتم مبتلا شوند و ایشان را از وطن آواره کنند تا اینکه جماعتی از جانب مشرق با علمهای سیاه آمده و مطالبه حق کنند و حق ایشان پس از جنگ و پیروزی آنها حاصل می‌شود. سپس مردی از اهل بیت من حاضر می‌شود و آنها این خلافت را با احترام تمام به او می‌دهند. پس او زمین را از عدالت پر می‌کند چنانکه قبل از آن گیتی را ظلم فرا گرفته بود. هرکس آن زمان را درک کند باید به سوی آنها بشتابد، هر چند با راه رفتن با پا و دست بر روی برفها باشد.^۲

۹۹ - اربعین از حدیثه بن یمان روایت کرده که از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمود: وای بر این امت از پادشاهان ظالم و جابری که

۲- ابن ابی شیبه، ج ۱۵، ص ۲۲۵، ح ۱۹۵۷۲.

۱- ابن حماد، ص ۸۴.

ایشان را می‌کشند و پیروان آنها را می‌ترسانند، از اینرو مؤمنانی که تقیه می‌کنند در ظاهر دوست آنان و در باطن دشمن آنها هستند. چون خداوند وعده فرموده که اسلام را دوباره عزیز سازد، تمامی ظالمان را هلاک کند و کارامت را پیش از فساد اصلاح فرماید. ای حذیفه! اگر تنها یک روز از دنیا باقی مانده باشد، خداوند آنچنان آن روز را طولانی گرداند تا مردی از اهل بیت من حاکم شود، جنگها بدست او خاتمه یابد و اسلام را عزیز و آشکار کند و در وعده الهی خلافی نیست!

۱۰۰ - عقد الدرر به سند خود از رسول اکرم ﷺ روایت می‌کند که فرمود: امت من در زمان مهدی متنعم می‌شوند به طوری که هرگز اینگونه متنعم نشده باشند. پیوسته باران در زمان نیاز بر آنها ببارد و زمین با بیرون ریختن نباتات خود چیزی را از آنها دریغ ندارد.^۲

۱۰۱ - اربعین به سند خود از انس بن مالک روایت کرده که پیامبر فرمود: ما اولاد عبد المطلب سادات اهل بهشتیم. من و برادرم علی و عمویم حمزه و جعفر، حسن، حسین و مهدی.^۳

۱۰۲ - ابن حبان به سند خود از ابوهریره روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: اگر از عمر دنیا تنها یک شب باقی مانده باشد، خدای تعالی مردی از اهل بیت مرا در آن شب پادشاه گرداند.^۴

۱۰۳ - اربعین به سند خود از ثوبان روایت می‌کند که خاتم الانبیاء ﷺ فرمود: در آخر الزمان فتنه‌ها بر پا شود تا آنکه سه نفر از

۱ - اربعین - ۲ - عقد الدرر، ص ۱۴۴ - ۱۴۵، ب ۷.

۳ - تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۴۲۴، ح ۵۰۵۰ از ابو نعیم. ۴ - ابن حبان، ج ۷، ص ۵۷۶، ح ۵۹۲۲.

فرزندان یک خلیفه بر سر خلافت کشته شوند. سپس سپاهی با پرچمهای سیاه پدیدار شود که با دشمنان آنگونه می‌جنگند که تا کنون هیچ قوم نجنگیده باشد. در این موقع مهدی خلیفه خدا ظاهر شود و چون خروج او را شنیدید به سویش بشتابید و با او بیعت کنید که مهدی خلیفه خداست!

۱۰۴ - اربعین به سندش از ثوبان روایت می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: صاحبان پرچمهای سیاه از جانب شرق پیدا شوند. باید بشتابید و از ایشان پیروی کنید گرچه به راه رفتن با زانو بر روی برف باشد.^۲

۱۰۵ - شافعی به سند خود از امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت می‌کند که: از پیامبر ﷺ پرسیدیم که آیا مهدی از آل محمد است یا از غیر ما؟ فرمود: از ما خواهد بود. همانگونه که خداوند دین خود را به وسیله ما فتح کرد، به وسیله او ختم می‌کند. و مردم را از فتنه‌ها نجات می‌دهد چنانچه آنها را به وسیله ما از شرک نجات فرمود و دلها را به هم مهربان و آنها را با یکدیگر برادر دینی کرد.^۳

۱۰۶ - اربعین به سند خود از عبدالله بن مسعود آورده که از حضرت رسول ﷺ شنیدم که فرمود: اگر از دنیا بجز یک شب باقی نماند، خداوند آن شب را طولانی کند تا از اهل بیت من فردی که همنام من است مالک جهان شود. در زمین عدالت را بگستراند چنانچه قبل از آن ظلم سراسر جهان را پر کرده بود. بیت المال را به تساوی تقسیم

۲- همان.

۱- ابن حبان، ج ۷، ص ۵۷۶، ح ۵۹۲۲.

۳- البیان شافعی، ص ۵۰۶، ب ۱۱.

کند و خدای جهان دلهای مردم را غنی سازد. هفت یانه سال سلطنت نماید و هیچ خیری در لذت زندگی دنیا پس از مهدی نخواهد بود!

۱۰۷ - ابن ماجه به سند خود از ابوهریره و او هم از پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند که: قیامت برپا نشود تا اینکه مردی از اهل بیت من که فاتح قسطنطنیه و جبل خواهد بود مالک جهان شود و اگر از دنیا یک روز باقی مانده باشد خداوند آنقدر آنروز را طولانی کند تا آن فتح واقع شود.^۱

۱۰۸ - شافعی از قیس بن جابر روایت می کند که پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بعد از من خلفا، امراء و پادشاهان ستمگر خواهند آمد. سپس مردی از اهل بیت من خروج می کند که عدالت گستر جهان خواهد بود چنانچه قبل از او جهان پر از ظلم باشد.^۲

۱۰۹ - ابو نعیم به سند خود از ابوسعید خدری روایت می کند که

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از ماست آن کسی که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می گزارد.^۳

۱۱۰ - شافعی به سند خود از حذیفه روایت کرده که پیامبر

فرمود: عیسی بن مریم نازل می شود آنگاه امیر شما مهدی به او گوید که بیا و بر ما نماز بخوان اما عیسی می گوید: شما از سوی خداوند بر این مردم امام شده اید.^۴

۱۱۱ - ابن مغازلی به اسنادش از عبدالله بن عباس روایت می کند

۱ - البیان شافعی، ص ۵۰۶، ب ۱۱.

۲ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸-۹۲۹، ب ۱۱، ح ۲۷۷۹.

۳ - بیان شافعی، ص ۵۱۸، ب ۲۱، نقل از ابو نعیم.

۴ - عقد الدرر، ص ۲۵، ب ۱، نقل از مناقب المهدی، ابو نعیم.

۵ - بیان الشافی، ص ۴۹۷، ب ۷، نقل از مناقب المهدی، ابو نعیم.

که پیامبر فرمود: امتی که من در اوّل آن، مهدی در وسط و عیسی در آخر آنها باشد، هلاک نشود!

۱۱۲ - ابن خشاب به سند خود از قاسم بن عدی روایت کرده که پیامبر فرمود: کنیه خلف صالح ابو القاسم است و او همانم من می باشد.^۲

۱۱۳ - ابن خشاب به سند خود از امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود: خلف صالح از اولاد حسن بن علی عسکری بوده و او مهدی این امت است.^۳

۱۱۴ - ابن خشاب از طاهر بن هارون بن موسی علوی و او از جعفر بن محمد صادق علیه السلام روایت می کند که: خلف صالح از اولاد من و او مهدی است، نام او محمد، کنیه اش ابو القاسم و مادرش صیقل (در روایتی دیگر نرجس یا سوسن).

در آخر الزمان خروج می کند در حالی که بالای سرش ابری سایه افکنده و هر جا رود آن ابر با او گردش می کند و منادی با زبان فصیح از آسمان ندا می کند که این مهدی آخر الزمان است.^۴

۱۱۵ - ابو عبد الله محمد بن یوسف بن محمد گنجی شافعی مؤلف کتاب (کفایة الطالب و کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان) در مورد تألیفش می گوید:

۱ - مناقب ابن المغازلی، ص ۳۹۵، ح ۴۴۸.

۲ - موالید الانمه و وفیاتهم.

۵ - موالید.

۴ - موالید، ص ۲۰۱.

۲ - البیان، ص ۴۸۱، باب اوّل.

من این کتاب را از اخبار علمای عامه جمع کردم و برای آنکه استدلال قوی داشته باشد از آوردن اخبار علمای شیعه در آن پرهیز کردم. وی در باب اول این کتاب که دربارهٔ خروج حضرت مهدی علیه السلام است از زر بن حبیش از عبد الله روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دنیا تمام نشود تا اینکه از اهل بیت من مردی که همنام من است بر عرب مالک شود در سنن ابی داود نیز این روایت آمده است.^۱

۱۱۶ - گنجی شافعی از علی علیه السلام روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله

فرمود:

اگر یک روز بیشتر از عمر دنیا باقی نمانده باشد، خدای جهان مردی از اهلبیت مرا بر انگیزاند که عدالت گسترگیتی شود چنانچه قبل از او جهان یکسره ظلم بوده. در سنن ابی داود هم این حدیث نقل شده است.^۲

۱۱۷ - گنجی شافعی همچنین می‌گوید: حافظ بن ابراهیم محمد

اطهری صرغی دمشقی و حافظ بن محمد عبد الواحد مقدسی در جامع جبل قاسون از حافظ ابو الحسن محمد بن ابراهیم ابن عاثم ابری این حدیث را در کتاب مناقب شافعی نقل کرده و گفته است که این جمله که «پیامبر فرمود اسم او اسم من اسم پدر مهدی اسم پدر من است» اضافی است و ترمذی این حدیث را در جامع خود آورده و بخش آخر ذکر شده را نیاورده است. او در میان بیشتر حافظان حدیث و راویان مورد اعتماد اخبار، جملهٔ آخر را ذکر نکرده است و گفته که این جمله یعنی نام پدر او نام پدر من است، زائد است.^۳

۳ - همان.

۲ - البیان، شافعی، ص ۴۸۲، باب اول.

مؤلف گوید: ابن طقطقی می نویسد: این جمله که «نام پدر او نام پدر من است» به تحریک عبد الله محض به حدیث پیامبر افزوده شد تا احادیث مربوط به مهدی با پسرش محمد تطبیق شود و دعوی مهدویت او در نظر مقبول گردد.

ابن طقطقی نیز اضافه می کند که امام صادق علیه السلام به عبد الله محض فرمود: پسر من محمد در این کار موفق نخواهد گشت و منصور عباسی با شایعه خواست تا دیگری را بجای مهدی موعود معرفی کند و از این راه بر مسلمانان حکومت نماید!

۱۱۸ - گنجی به سند خود از سعید بن مسیب و او از ام سلمه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که پیامبر فرمود: مهدی از عترت من و اولاد فاطمه است.^۱

ابو داود در سنن همین حدیث را نقل کرده است.

۱۱۹ - ابن ماجه به اسناد خود از سعید بن مسیب نقل می کند که ما در خدمت ام سلمه بودیم که از مهدی سخن به میان آمد. ام سلمه گفت از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: مهدی حق است و از اولاد فاطمه می باشد.^۲

۱۲۰ - گنجی به سند خود از انس بن مالک روایت می کند که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که: ما اولاد عبد المطلب سادات اهل بهشتیم. من، علی، حمزه، حسن، حسین و مهدی.^۳

۱ - تاریخ فخری، ابن طقطقی، ص ۱۴۷ - ۱۴۸.

۲ - البیان، گنجی شافعی، ص ۴۸۶، ب ۲.

۳ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ب ۳۴، ح ۴۰۸۶.

۴ - البیان، ص ۴۸۸، باب ۳.

۴ - البیان، شافعی، ص ۴۸۷، باب ۲.

این حدیث را ماجه در صحیح خود نقل کرده است .

۱۲۱ - گنجی به سند خود از علی علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی از ما اهل بیت است که خدای تعالی امر او را در یک شب اصلاح می فرماید!

۱۲۲ - گنجی از ثوبان روایت می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سه فرزند خلافت بر سر خلافت کشته شوند و خلافت بر آنها نرسد. آنگاه علمهای سیاه از سوی مشرق هویدا شود و ادعای حق کنند ولی حق آنها را ندهد و جنگ بین آنها آغاز می شود و سرانجام صاحبان پرچمهای سیاه فاتح شوند. در آن موقع مهدی ظهور کند و با او بیعت کنند. به سوی آنها بروید حتی اگر با دست و پا روی برفها باشد که مهدی خلیفه خداست^۲.

۱۲۳ - گنجی از عبدالله بن حارث بن جزء زبیدی روایت کرده که رسول گرامی فرمود: قومی از شرق بیرون آیند و سلطنت را برای مهدی علیه السلام مهیا می کند، این حدیث صحیح و نیکوست^۳ و در سنن ابن ماجه هم آمده است .

۱۲۴ - ابن اعثم کوفی از علی علیه السلام نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خدای تعالی در طالقان گنجهایی دارد که از طلا و نقره نیستند بلکه مردانی معروف و خدا شناس هستند و یاوران مهدی در آخر الزمان می باشند^۴.

۱۲۵ - ترمزی به سند خود از ابوسعید خدری روایت کرده که ما

۲- البیان، شافعی، ص ۴۸۷، باب ۲.

۲- بیان، شافعی، ص ۴۹۰، ب ۵.

۳- فتوح، ابن اعثم کوفی.

چون از بدعت در دین پس از محمد ﷺ بیم داشتیم. لذا از پیامبر در این باره سؤال کردیم فرمود: در امت من مهدی خواهد بود که خروج خواهد کرد و پنج یا هفت و یا نه سال پادشاهی خواهد کرد مردم نزد او آمده و عطا خواهند و او آنقدر به آنها مال عطا کند که توان حمل آنها را نداشته باشند.^۱

۱۲۶ - ابن ماجه از ابو سعید خدری روایت کرده که پیامبر ﷺ

فرمود: در امت من مهدی باشد که گرچه سلطنت او کوتاه باشد یعنی ۷ یا ۹ سال، ولی مردم در زمان او به نعمتی می‌رسند که هرگز مثل آن را ندیده باشند. در آن روز زمین برکات خود را برای آنها ظاهر سازد، ثروت مردم زیاد شود و به مهدی گویند عطاکن و او هم عطا فرماید.^۲

۱۲۷ - ابن اثیر و احمد بن حنبل از ام سلمه همسر پیامبر ﷺ

روایت می‌کنند که پیامبر ﷺ فرمود: پس از فوت خلیفه‌ای از خلفا در میان امت اختلاف پیدا شود. سپس مردی از اهل مدینه به سوی مکه فرار می‌کند و مکیان بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند. گروهی برای جنگ با او مهیا شده و سپاهی به سوی مکه گسیل می‌دارند اما خداوند ملکی را می‌فرستد و آنها را در بین راه به امر الهی در زمین فرو می‌برد. چون مردم این منظره را مشاهده می‌کنند، بزرگان شام و عراق برای بیعت با او راهی مکه می‌شوند.

در این موقع مردی از قریش که مادرش از بنی کلب است خروج می‌کند و خدای تعالی لشکری برای آنها می‌فرستد و برایشان پیروز می‌شوند و خلافت و امامت بر او تمام گردد، به سنت من عمل

۱- سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۶، ب ۵۳، ح ۲۲۳۲. ۲- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶-۱۳۶۷، ح ۴۰۸۳.

کند، اسلام را قرار و آرامش دهد و پس از هفت سال سلطنت وفات نموده و مسلمانان بر او نماز گزارند !

این حدیث صحیح است و ترمذی، ابی داود ابی ماجه آن را نقل کرده‌اند .

۱۲۸ - مسلم از ابوهریره روایت می‌کند که رسول اکرم ﷺ

فرمود: در چه حالی خواهید بود وقتی که عیسی بن مریم در میان شما فرود آید، حال آنکه امام شما از شماست ^۲.

مسلم گوید: این روایت حسن و صحیح است و بر صحت آن اتفاق نظر است و از جمله راویان مهم محمد بن شهاب زهری است که نجاری و مسلم در صحیح خود نقل کرده‌اند .

۱۲۹ - مسلم از جابر بن عبدالله روایت می‌کند که پیامبر

اکرم ﷺ فرمود: طایفه‌ای از امت من پیوسته بر سر حق جنگ کنند و تا روز قیامت پیروز می‌شوند .

آنگاه عیسی بن مریم نازل می‌شود. امیر آنها به عیسی می‌گویند برایمان نماز بخوان. عیسی پاسخ می‌دهد که بعضی از شما امیر این امت است و این امارت از سوی خداوند به او واگذار شده است ^۳.

۱۳۰ - ابن ماجه قزوینی در روایتی طولانی راجع به نزول

حضرت مسیح از ام شریک دختر... عسکری آورده است که از پیامبر اکرم ﷺ سؤال شد: یا رسول الله! در روز نزول عیسی بن مریم اعراب در کجایند؟ فرمود: در بیت المقدس و امام ایشان برای اقامه

۱ - جامع الاصول، ابن اثیر، ص ۳۱۰، مستند احمد حنبل.

۲ - صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۶، ب ۷۱، ح ۲۴۵-۲۴۴.

۳ - صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۹۳ یا ج ۱، ص ۱۳۶.

نماز صبح آماده است که عیسی فرود می آید امام آنها می گوید عیسی بیا مقدم شو و بر ما نماز بگذار. عیسی گوید: ای مهدی! پیش بایست و نماز گذار زیرا این امارتی الهی است که به تو واگذار شده. آنگاه عیسی علیه السلام نماز را به مهدی علیه السلام اقتدا می کند.^۱

۱۳۱ - در المنثور از ابوسعید خدری روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

فرمود:

مهدی از امت من، گشاده پیشانی و کشیده بینی است. عدالت را در زمین می گستراند و مدت پادشاهی او هفت سال است.^۲ این ماجه گوید: ابی داود در صحیح خود این روایت را نقل کرده. طبرانی و ابن شیرویه دیلمی هم در کتاب «فردوس الاخبار» از ابن عباس روایت کرده اند که پیامبر فرمود: مهدی طاووس اهل بهشت است.^۳

۱۳۲ - ابن مردویه از حذیفه و او هم از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت

می کند که:

چهره مهدی همچون ماه درخشنده، رنگش عربی و جسم او اسرائیلی است. زمین را پر از عدل و داد می کند و اهل آسمان و زمین و مرغان هوایی از خلافتش راضی باشند. وحدت پادشاهی او بیست سال است.^۴

۱۳۳ - ابن ماجه از ابوهارون عبیدی نقل می کند که نزد ابوسعید

رفتم و از او درباره حضورش در جنگ بدر و آنچه پیامبر در حق علی

۱ - سنن ابن ماجه با حدیث ۱۴۰ آدرس مشترک دارد.

۲ - الدر المنثور، ج ۶، ص ۵۷.

۳ - الفردوس، ج ۴، ص ۲۲۲، ح ۶۶۶۸.

۴ - الفردوس، ج ۴، ص ۲۲۱، ح ۶۶۶۷.

فرموده جویا شدم .

گفت: رسول گرامی بیمار بود که دخترش فاطمه به عیادت آمد و من در جانب راست آن حضرت نشسته بودم. چون فاطمه حال پدر را دید بغض گریه در گلویش پیچید و حضرت دست بر شانه حسین بن علی گذاشت و فرمود: مهدی این امت از اولاد این حسین خواهد بود. دار قطنی این روایت را در کتاب خود نقل کرده است!

۱۳۴ - احمد ابن حنبل از ابو نصر روایت کرده که ما در نزد جابر بودیم که گفت: دور نیست که یک دنیا از بیت المال نصیب عراقیان نشود. علت را پرسیدم گفت: عجمها مانع این کار شوند. سپس اضافه کرد که رسول اکرم ﷺ فرمود: در آخر الزمان خلیفه من فرود می آید که مالها را بی شمارش به مردم می بخشد گفتم: شاید عمر بن عبد العزیز باشد گفت: غیر از اوست!

در صحیح مسلم هم این حدیث آمده است.

۱۳۵ - احمد بن حنبل به اسناد خود از ابونضره و ابوسعید روایت می کند که پیامبر رحمت ﷺ فرمود: از جمله خلفای این امت، خلیفه ای است که اموال را بدون شمارش به مردم می دهد.^۲ این حدیث در صحیح مسلم نیز آمده است.

۱۳۶ - احمد بن حنبل از ابوسعید و جابر بن عبدالله روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود: در آخر الزمان خلیفه ای است که اموال را تقسیم می کند ولی شمارش نمی کند.^۴

۲ - مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۱۷.

۱ - الفردوس، ج ۴، ص ۲۲۱، ج ۶۶۶۷.

۴ - همان، ص ۲۸.

۳ - مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۶۰.

۱۳۷ - احمد حنبل و ابن ماجه از ابو سعید خدری روایت می‌کند که خاتم الانبیاء ﷺ فرمود: بشارت می‌دهم شما را به مهدی علیه السلام که در امت من برانگیخته می‌شود و در زمانی که مردم مضطرب و در اختلافند عدالت را در زمین گسترش می‌دهد آنچنانکه پیش از او ظلم سراسر گیتی را گرفته بود. اهل زمین و آسمان از او خوشنودند و او اموال را به تساوی بین مردم تقسیم می‌کند خدای تعالی دل‌های امت محمد ﷺ غنی کند و عدالتش ایشان را فراگیرد و متادی ندا کند که هر کس به مال احتیاج دارد اظهار کند. اگر محتاجی به حضورش رسد، ایشان وی را به خزانه دار معرفی می‌کند و خزانه دار به او گوید آنچه را که نیاز داری بدون شمارش بردار و او پس گرفتن نیاز خود پشیمان شده و به خود می‌گوید: من در عزت نفس شجاعت‌ترین امت محمد ﷺ بودم، چرا اینگونه اظهار فقر کردم؟

لذا پول گرفته شده را به مهدی علیه السلام بر می‌گرداند ولی امام از قبول آن خود داری کرده و می‌فرماید: ما آل محمد آنچه را به کسی دهیم از او نمی‌گیریم. مدت سلطنت مهدی هفت، هشت و یا نه سال است و زندگی پس از ایشان هیچ ارزشی ندارد!

ابن ماجه این حدیث را حسن و ثابت دانسته و راویان حدیث او را در مسند نقل کرده‌اند.

۱۳۸ - ابن ماجه از ابو سعید خدری نقل می‌کند که حضرت خیر المرسلین ﷺ فرمود: در آخر الزمان مردی ظهور یابد که او را مهدی گویند عطا‌های او گوارا باشد. ابن ماجه این حدیث را حسن دانسته و

ابو نعیم حافظ نیز آنرا ذکر کرده است.

۱۳۹ - ابن حماد به سند خود از امام المتقین علی علیه السلام روایت کرده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردم که آیا مهدی علیه السلام از ما آل محمد صلی الله علیه و آله است یا از غیر ماست؟ آن حضرت فرمود: حتماً از ماست. خدای تعالی بوسیله ما دین اسلام را ختم می‌کند چنانکه بوسیله ما اسلام را از فتنه‌ها و شرک نجات داد و خواهد داد و مسلمانان را پس از دشمنی مشرکان با هم مهربان ساخت!

ابن ماجه این حدیث را صحیح خوانده زیرا طبرانی در معجم اوسط، ابو نعیم در حلیة الاولیاء و عبد الرحمن حماد در عوالی آن را ذکر کرده‌اند.

۱۴۰ - ابن ماجه از جابر روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عیسی بن مریم فرود می‌آید و امیر مسلمانان که مهدی باشد به آن حضرت گوید بیا و بر ما نماز گزار. عیسی می‌گوید: بعضی از شما بر مسلمانان امیر است و این امارت از سوی خدای تعالی بر امت محمد صلی الله علیه و آله است. ابن ماجه این حدیث را حسن خوانده چون حارث بن ابی اسامه در مسند خود، حافظ ابو نعیم در حلیة الاولیاء و عبد الرحمن حماد در عوالی آورده است و گوید: اخبار در خصوص مهدی به حدّ تواتر و استفاضه است که آن حضرت هفت سال سلطنت می‌کند، زمین را پر از عدل و داد می‌نماید، عیسی بن مریم در کشتن دجال او را یاری می‌دهد، مهدی امام این امت خواهد بود و عیسی بن مریم پشت سر او نماز گزارد. شافعی این حدیث را با

سندی مفصل بیان کرده است!

۱۴۱ - ابن ماجه از ابن عباس روایت کرده که محمد مصطفی ﷺ فرمود: هرگز قومی که من در اوّل عیسی در آخر و مهدی در وسط آنها باشد، هلاک نخواهد شد.^۲

ابن ماجه این حدیث را نیز حسن خوانده و حافظ ابو نعیم در حلیة الاولیاء و احمد حنبل در مسند آن را بیان کرده‌اند.

۱۴۲ - ابن ماجه از حذیفه روایت کرده که نبی گرامی ﷺ فرمود:

اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نمانده باشد، به تحقیق خداوند مردی را که همنام من بوده و خلق او خلق من و کنیه‌اش ابو عبد الله باشد، برانگیزد.

ابن ماجه می‌گوید: این حدیث حسن است که خدای تعالی ما را روزی کرد.^۳

۱۴۳ - ابن ماجه به سند خود از عبدالله بن عمر روایت کرده که نبی مکرم اسلام فرمود: مهدی از قریه‌ای که «کرء» نام دارد خروج می‌کند.

ابن ماجه اضافه می‌کند که این حدیث حسن خدادادی است چرا که ابو شیخ اصفهانی در عوالی خود آن را بیان کرده است.^۴

۱۴۴ - جوینی به سند خود از عبدالله روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود: مهدی خروج می‌کند و بر بالای سرش ابری است

۱ - سنن ابن ماجه، با آدرس حدیث ۱۳۰ یکی است. ۲ - سنن ابن ماجه، مراجعه به ابن ماجه شود.

۳ - سنن ابن ماجه

۴ - سنن ابن ماجه.

و در آن ابر منادی ندا می‌کند: این مهدی خلیفه خداست^۱.
این حدیث حسن است و ارباب حدیث آن را نقل کرده‌اند و
مجمعات روایات دیگر را بیان می‌کند.

۱۴۵ - شافعی به اسناد خود از عبدالله بن عمر روایت می‌کند که
رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی خروج می‌کند و بالای سر او ملکی ندا
می‌کند: این مهدی موعود است، او را پیروی کنید. این خبر حسن
است و ابو نعیم و طبرانی و دیگران آن را نقل کرده‌اند^۲.

۱۴۶ - میزان الاعتدال به سند خود از ابو حذیفه روایت می‌کند
که رسول اکرم ﷺ فرمود: مهدی از اولاد من زنگش عربی، جسمش
اسرائیلی و در گونه راستش خالی است که همچون ستاره
می‌درخشد. زمین را پراز عدل و داد کند آنگونه که قبل از آن پراز ظلم
و جور بوده است. و اهل زمین و آسمان و مرغان هوایی به خلافتش
راضی هستند. ابن ماجه گوید این خبر حسن است و جمع زیادی از
اصحاب ثقه آن را روایت کرده‌اند و سندش نزد ما معروف است^۳.

۱۴۷ - طبرانی به اسناد خود از ابوامامه باهلی روایت کرده که
رسول الله ﷺ فرمود: در گونه راست مهدی از اولاد من، خالی
است که همچون ستاره می‌درخشد. ابن ماجه این حدیث را معتبر
دانسته چون طبرانی در معجم اکبر خود آن را آورده است^۴.

۱۴۸ - ابن اثیر از ابوامامه باهلی روایت کرده که رسول خدا ﷺ

فرمود:

۱- فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۶، باب ۶۱ ح ۵۶۶-۵۶۹.

۲- البيان، ص ۵۱۲، باب ۱۶. ۳- میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۴۹.

۴- معجم الكبير، طبرانی، ج ۸، ص ۱۲۰، ح ۷۴۹۵.

مهدی گشاده دندان و گشاده پیشانی است^۱ و می گوید ابو نعیم در عوالی این حدیث را نقل کرده است.

۱۴۹ - شافعی به اسناد خود از ابوهریره و او از رسول اکرم ﷺ روایت می کند که: خدای تعالی قسطنطنیه را به دست مهدی فتح نماید.

ابو نعیم این روایت را در فرائد السمطين و طبرانی در معجم کبیر نقل نموده اند^۲.

۱۵۰ - ابن اثیر به سند خود از قیس بن جابر نقل می کند که پیامبر ﷺ فرمود: بعد از پادشاهان ستمگر، مهدی صاحب الزمان خروج می نماید^۳.

حافظ ابو نعیم در فوائد و طبرانی در معجم اکبر این حدیث را نقل کرده اند.

۱۵۱ - عقد الدرر از حدیث روایت می کند که رسول اکرم ﷺ در خطبه ای که از آینده خبر می داد فرمود: اگر از دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را طولانی کند تا مردی از اولاد من که همنام من است را برانگیزد^۴.

این حدیث را ابو نعیم و طبرانی در اوسط نیز نقل کرده اند.

۱۵۲ - ابن جوزی به سندش از عبدالله بن عباس روایت می کند که رسول گرامی فرمود: چهار نفر پادشاه روی زمین بودند: دو مؤمن یعنی ذو القرنین و سلیمان، و دو کافر یعنی بخت النصر و نمرود. پس

۱ - جامع الاصول، ج ۵، ص ۳۱۲.

۲ - بیان الشافعی، ص ۵۱۶، ج ۲۰.

۳ - اسد الغابه، ج ۱، ص ۲۵۹ - ۲۶۰.

۴ - عقد الدرر، ص ۲۴، باب اول.

بزودی مردی از اهلبیت من حکومت روی زمین را مالک شود و زمین را پر از عدل و داد کند چنانچه قبل از آن پر از ظلم و جور بوده است.^۱
۱۵۳ - عقد الدرر به سندش از رسول گرامی روایت کرده که:

امت من در زمان مهدی آنگونه متنعم خواهند شد که هرگز مثل آن را ندیده باشد.^۲ این خبر را حافظ ابو نعیم و طبرانی هم آورده‌اند.
۱۵۴ - ابن جوزی از ثوبان روایت یاد شده در مورد اینکه سه نفر بر سر خلافت کشته می‌شوند را به سند دیگری از طریق راوی این حدیث آورده است.^۳

۱۵۵ - شعبی که از جمله منصرفان و معرضان نسبت به علی علیه السلام و از علمای عامه است گوید: روایت ما و اکثر اهل اسلام این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خروج مهدی حتمی است و ناگزیر باید خروج کند. او از اولاد فاطمه دختر پیامبر است و پس از ظهور، دنیا را پر از عدالت می‌کند همانگونه که قبل از او پر از ظلم بوده است. سید بن طاووس گوید این روایت را گروهی از رجال چهارمذهب عامه در کتابهای خود نقل کرده‌اند و اهل قبله بر صحت آن اجماع نموده‌اند.^۴

۱۵۶ - عقد درر به سند عامه از امام حسن علیه السلام روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چون مهدی علیه السلام قیام کند بعضی از مردم او را انکار کنند زیرا او به شکل مرد جوانی خواهد بود حال آنکه مردم خیال می‌کنند که او پیر مردی است.^۵

۱۵۷ - حاکم نیشابور به اسناد خود از ابوسعید خدری روایت

۲ - عقد الدرر، ص ۱۴۴ - ۱۴۵، ب ۷.

۴ - همان.

۱ - عقد الدرر، نقل از تاریخ ابن جوزی.

۳ - تاریخ ابن جوزی.

۵ - عقد درر.

کرده که رسول اکرم ﷺ فرمود: در آخر الزمان بر امت من بلائی شدیدى از سوى پادشاه آنها وارد مى شود که تا آن زمان چنین بلايى را ندیده باشند. شدت این بلا تا حدى است که جهان پهناور بر ایشان تنگ و ملال آور خواهد شد و زمین پر از ظلم و جور مى شود و هیچ مؤمنى از ظلم ظالم در امان نمى ماند و پناهگاهی نمى یابد.

در این حال خداوند مردى از عترت مرا بر انگیزاند و او عدالت را در جهان بگستراند آنچنان که قبل از آن ستم گیتی را پر کرده بود، اهل زمین از خلافتش خوشنود باشند، زمین برکاتش را بر مردم ارزانی دارد و آسمان نزولات خود را دریغ نکرده و پیوسته باران مى بارد و مردم تا هفت یا نه سال در لذت بسر مى برند و آرزو مى کنند تا مردگان خود را زنده یابند تا آنها هم ببینند که پروردگار به برکت امام عصر چه نعمتهایی به آنها ارزانی داشته است!

۱۵۸ - طبرانی و ابو نعیم در کتب خود از جابر بن عبدالله انصاری

آورده اند که رسول اکرم ﷺ فرمود: هنگامى که عیسی نزول مى کند مهدى به او نظر مى کند آنگاه عیسی تأمل مى کند تا حضرت در محل بیعت قرارگیرد و سپس با مهدى بیعت مى کند.^۱

۱۵۹ - شافعى به سند خود از ابوسعید خدرى روایت مى کند که

رسول اکرم ﷺ فرمود: آن کسى که عیسی بن مریم در آخر الزمان در نماز به او اقتدا مى کند، از ما اهل بیت است.^۲

۱۶۰ - ابن حماد به سندش از هشام آورده است که پیامبر

۱- مستدرک، حاکم نیشابورى مراجعه شود، یا الفتن ابن حماد، ص ۹۹.

۲- عقد الدرر، ص ۲۴۰، ب ۱۱، نقل از مناقب المهدى ابو نعیم و معجم الکبیر طبرانى.

۳- بیان الشافعى، ص ۵۰۰، ب ۷، نقل از مناقب المهدى، ابو نعیم.

فرمود: مهدی این امت آن کسی است که در نماز بر عیسی بن مریم امامت می‌کند.^۱

۱۶۱ - ابو نعیم در حدیثی طولانی می‌گوید: در آن روز که مسلمانان گروه گروه به سوی بیت المقدس حرکت می‌کنند، امام و رهبرشان مهدی است او مردی صالح است که به هنگام اقامه نماز صبح، عیسی بن مریم نازل شود و مهدی او را به امامت جماعت فرا خواند ولی عیسی گوید: این امر از سوی خداوند برای تو مقرر شده. آنگاه مهدی تکبیر گوید: و عیسی به حضرت اقتدانماید.^۲

۱۶۲ - ابو اسحاق ثعلبی به سند خود از تمیم دارمی نقل می‌کند که به رسول خدا عرض کردم که من به شهری وارد شدم که بر ساحل دریا دارای چنین صفاتی بود فرمود: آن شهر انطاکیه است و آن غاری است از غارهای دنیا که «رضاض» از لوح‌های موسی در آن باشد. هیچ ابری بر آن شهر نگذرد مگر آنکه روز و شب دنیا تمام نشود و مردی از اهل بیت من مالک زمین شده و جهان را پر از عدل و داد کند آن چنان که قبل از آن پر از ظلم و ستم بود.^۳

۱۶۳ - ابو عبدالله محمد بن علی علوی به سند خود از ابوسعید خدری روایت کرده که رسول اکرم فرمود: مهدی عجله الله تعالی فرجه نه یاده سال سلطنت می‌کند و سعادت‌مندترین مردم در آن زمان اهل کوفه باشند.^۴

۱۶۴ - شیخ عبدالله جعفر بن محمد بن احمد درستی از طریق علمای عامه به سند خود از سلیمان بن اسحق بن عبد الله بن عباس

۱ - کتاب الفتن، ابن حماد، ص ۱۰۳.

۲ - حلیة الاولیاء، ابن حماد، یا مناقب المهدی.

۳ - العرائس، ثعلبی، ص ۱۱۸.

۴ - فضل الکوفه، محمد بن علی العلوی، ص ۲۵-۲۶، ج ۳.

روایت می‌کند: پدرم گفت که در نزد هارون عباسی بودم که از مهدی یاد کرد و از عدل و داد او زیاد سخن راند. بعد از آن گفت: شما چنان می‌پندارید که من مهدی پدرم را می‌گویم، مراد من او نیست بلکه پدرم از پدرانش از جدش ابن عباس بن عبدالمطلب روایت کرده که: رسول اکرم ﷺ فرمود: ای عموا از اولاد من دوازده خلیفه سلطنت می‌کنند، و بعد از آن کارهای شدید و کریه روی منی دهد، آنگاه مهدی از اولاد من خروج می‌کند و خدای تعالی امر او را در یک شب اصلاح فرماید. عدالت را در جهان گسترش می‌دهد آنچنان که قبل از ظلم تمام گیتی را فرا گرفته بود. به امر الهی در روی زمین درنگ می‌نماید تا آنکه دجال خروج می‌کند!

۱۶۵ - خوارزمی که از بزرگان علمای عامه است، به سند خود از سلیم بن قیس هلالی از سلمان محمدی روایت کرده که روزی به حضور پیامبر رسیدم در حالی که حسین علیه السلام بر روی ران آن حضرت نشسته بود و آن حضرت میان دو چشمش را بوسه می‌داد و دهان مبارک بر دهانش می‌نهاد و می‌فرمود:

تو سید، پسر سید و پدر سید؛ تو امام، پسر امام، برادر امام و پدر امامانی؛ تو حجّت، پسر حجّت، برادر حجّت و پدر نه حجّتی که از صلب تو اند. نهم ایشان قائم آنها ست و روایت در این مورد زیاد است.

۱۶۶ - ابن مغازلی به سند خود از سلیمان بن اعمش و او از منصور دوانقی تا سند خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که

فرمود: جبرئیل امین به من خبر داد که انگشتر عقیق در دست کنید که آن اول سنگی است که به وحدانیت خداوند، نبوت محمد ﷺ، وصایت علی بن ابیطالب ﷺ و اولاد او و دخول شیعیان علی ﷺ به بهشت شهادت داد.

۱۶۷ - موفق بن احمد مکی به اسناد خود از سلمان فارسی نقل می کند که خاتم الانبیاء فرمود: ای علی! انگشتر عقیق در دست کن که از مقربین درگاه الهی خواهی شد. عرض کرد: یا رسول الله! مقربین کیانند؟ فرمود: جبرئیل و میکائیل. آنگاه فرمود: ای علی! کوه عقیق به وحدانیت خدا، نبوت محمد ﷺ، وصایت علی ﷺ بعد از پیامبر و داخل شدن اولاد و شیعیان علی ﷺ به بهشت اقرار کرده است.

۱۶۸ - ابراهیم بن محمد جوینی به اسناد خود از امام موسی ﷺ از پیامبر ﷺ روایت می کند که فرمود: هر کس که می خواهد به دین من چنگ زند و به کشتی نجات در آید و از طوفان گمراهی خود بپرهاند، باید بعد از من به علی ﷺ اقتدا کرده، دشمن او را دشمن دوستش را دوست بدارد. زیرا که علی ﷺ وصی من و خلیفه من بر امت در زمان حیات و مرگ من است. او امام هر مسلمان و امیر مؤمنان است. بعد از من سخن او سخن من، امر او امر من، نهی او نهی من، تابع او تابع من، یاورش یاور من و خوار کننده اش خوار کننده من است.

هر کس از علی دوری گزیند، در روز قیامت مرا نبیند و من نیز او را نبینم و کسی که با علی مخالفت ورزد، خدای تعالی بهشت را بر او حرام گرداند و پایان کارش را آتش جهنم قرار دهد.

کسی که علی را خوار کند، خداوند او را در قیامت ذلیل گرداند. آنکه علی را یاری دهد، خداوند در قیامت یارش فرماید و به او حجّتی راتلقین کند تا در هنگام سؤال از اعمالش، با آن حجّت جوابگو باشد.

حسن و حسین امامان امت من و سیادات جوانان اهل بهشتند، مادرشان سیده زنان عالمیان پدرشان سید اوصیاست و نه نفر از اولاد حسین، امام هستند و نهم ایشان قائم آنهاست. او از اولاد من است، اطاعت او اطاعت من و معصیت او معصیت من است. به خدا شکایت می‌کنم از دست کسانی که فضیلت اولاد مرا انکار کنند و پس از من حرمت ایشان را نگه ندارند و خدای تعالی برای عترت من کافی است.

۱۶۹ - جوینی به اسناد خود از سلیم بن قیس هلالی روایت کرده که از پیامبر اکرم حدیثی طولانی (حدود ۸۴ سطر) است که تنها به دو فقره آن اشاره می‌کنیم:

اول: چون آیه «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت» نازل شد ام سلمه می‌گوید: در این موقع پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین را گرد آورد و فرمود: خدایا اینها اهل بیت من هستند خدایا از ایشان پلیدی را دور گردان و ایشان را پاک گردان.

و چون ام سلمه از حضرت خواست تا او را هم مانند آنان دعا فرماید فرمود عاقبت امر تو به خیر خواهد بود. آنگاه افزود که این آیه فقط در حق من، برادرم علی علیه السلام، دخترم فاطمه علیها السلام، دو فرزندم حسن و حسین علیهم السلام و نه فرزند از اولاد فرزندم حسین (که مراد از نهم مهدی

است) نازل شده است.

دوم: خطبه حضرت رسول ﷺ که فرمود: **اَيُّهَا النَّاسُ اِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابِ اللَّهِ وَ عِزَّتِي اَهْلُ بَيْتِي فَتَمَسَّكُوا بِهَا لَنْ تَضَلُّوا فَاِنَّ اللطيفَ اخبرني وَ عهد الى انهما لَنْ يفترقا حتى يردا على الحوض.**

ای گروه مردم، بدرستی که من ترک می‌کنم شما را و می‌گذارم در بین شما دو چیز سنگین را و آن کتاب خدا و عترت من است. پس به این دو چنگ زنید تا هرگز در گمراهی نیفتید. خداوند جهان که دانا و بینا به مصالح بندگان خود است، مرا خبر داده و با من عهد کرده که این دو از هم جدا نشوند تا آنکه در روز قیامت بر حوض کوثر بر من وارد شوند.

عمر بن خطاب برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! همه اهل بیت شما چنین مقامی دارند فرمود: خیر بلکه عترت من که اوصیاء هستند. اول آنها برادر، وزیر، وارث و خلیفه من در امت و آقای هر مرد و زن مؤمنی است و او اولین وصی من خواهد بود.

بعد از او فرزندان حسن و حسین و بعد از ایشان نه نفر از اولاد حسین که هر یک پس از دیگری می‌آید. در روایات قبل رسول خدا ﷺ نهمین اولاد امام حسین را مهدی صاحب زمان معرفی فرمود و در مقرة دوم روایت فرمود: ایشان گواهان خدا در روی زمین حجت‌های خدا بر خلق هستند. هر که ایشان را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و هر کس معصیت آنها را کند، خدا را معصیت کرده است.

۱۷۰ - جوینی به اسناد خود از اصبع بن نباته از ابن عباس روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: من، علی، حسن، حسین و نه نفر از اولاد حسین مطهر و معصومیم.

۱۷۱ - جوینی به اسناد خود از ابن عباس روایت کرده که یهودی نعل خدمت رسول خدا ﷺ آمد و گفت: ای محمد! می خواهم از مسائلی که در سینه ام حبس شده و فکر مرا ناراحت دارد سؤال کنم. اگر جواب آنها را بفرمائی مسلمان می شوم. حضرت فرمود: ای عماره! سؤال کن.

اول: خدای را برای من توصیف کن.

رسول اکرم به زبان وحی پروردگار را وصف نمود.

دوم: وصی و جانشین شما کیست؟ زیرا هیچ پیامبری نیامده که جانشین خود را مشخص نکرده باشد. چنانکه پیامبر مایهودیان (موسی) حضرت یوشع بن نون را وصی خود قرار داد. رسول خدا ﷺ فرمود: وصی و خلیفه پس از من، علی بن ابی طالب است و بعد از علی دو فرزندش حسن و حسین و بعد از آنها نه نفر از اولاد حسین که همان امامان نیکوکارند. نعل گفت: اسامی بقیه اوصیاء را برایم بیان فرما.

فرمود: چون حسین از دنیا رود، فرزندش علی بن حسین امام است و چون او از دنیا رود فرزندش محمد بن علی، و پس از او فرزندش جعفر بن محمد، آنگاه فرزندش موسی بن جعفر، سپس فرزندش علی بن موسی، بعد از آن فرزندش محمد بن علی، سپس فرزندش علی بن محمد، پس از او فرزندش حسن بن علی و سرانجام

مهدی بن عسکری امام عصر خواهد بود و این دوازده امام به عدد نقیبان بنی اسرائیل خواهند بود.

نعثل پرسید: جای آنها در بهشت کجا خواهد بود؟

فرمود: با من در بهشت و در رتبه و منزلت من خواهند بود.

نعثل گفت: اشهد ان لا اله الا الله و انک رسول الله و اشهد ان

الاولیاء بعدک و بدین طریق وحدانیت خدا و رسالت رسول اکرم و امامت علی علیه السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله شهادت داد.

وی افزود: آنچه را که به من خبر دادی، همه را در کتب پیامبران

گذشته و اوصیا دیده‌ام و در وصایای موسی بن عمران خواندم که چون آخر الزمان شود پیامبری از جانب خدا تعالی مبعوث شود که نامش احمد است و او خاتم پیامبران خواهد بود. بعد از او پیامبری نخواهد آمد و از صلب او امامانی نیکوکار و به عدد اسباط به وجود می‌آید.

پیامبر فرمود: ای ابی عماره! آیا اسباط را می‌شناسی؟

گفت: بلی. ایشان دوازده نفر بودند. اول آنها «لاوی پسر برخیا»

بود و او مدّتی در بین مردم بنی اسرائیل غایب شد، سپس ظهور کرد تا حق تعالی دین خود را به دست او آشکار گردانید و پادشاه بنی اسرائیل به نام قرسیطاء به دست او کشته شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آنچه در بین بنی اسرائیل واقع شده

در بین امت من نیز واقع خواهد شد. دوازدهمین وصی من در میان امت غائب می‌شود و او فرزند من است. زمانی بیاید که در میان امت فقط اسمی از اسلام می‌ماند و از احکام قرآن هم رسمی. در آن زمان

حق تعالی به وصی دوازدهم اجازه ظهور دهد و اسلام را آشکار کند و آنچه که مردم فراموش کرده‌اند به آنها نشان داده شود. خوشا به حال کسی که او را دوست دارد وای به حال کسی که با او دشمنی کند و خوشا به حال آن کسی که به دامان اوصیاء چنگ زند و تمسک جوید.

۱۷۲ - جوینی به اسناد خود از عبدالرحمن بن سالم از ابوبصیر از

امام صادق علیه السلام که فرمود: پدرم از جابر بن عبد الله انصاری سؤال کرد که مرا خبر ده از لوحی که در دست شماست که از مادرم فاطمه زهرا علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله مشاهده کردی و در آن نوشته شده است.

جابر گفت: خدا را گواه می‌گیرم که روزی در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله به منزل علی علیه السلام رفتم تا تولد فرزندش حسین را تبریک بگویم. لوحی را در منزل حضرت زهرا علیها السلام دیدم به رنگ سبز که خیال کردم از زمرد است و در آن خط سفیدی نوشته شده بود مانند نور آفتاب. به مادرت فاطمه علیها السلام گفتم: این چه لوحی است؟ فرمود: این لوحی است که حق سبحانه و تعالی برای پدرم فرستاده و پدرم او را به من هدیه داد.

در این لوح نام پدر و نام شوهرم و نام فرزندانم و نام اوصیاء پدرم همگی در آن نوشته شده و مادرت فاطمه علیها السلام آن را به من مرحمت فرمود تا بخوانم و مقداری از صورت آن را برداشته‌ام.

پدرم به جابر فرمود: آن را به من نشان دهید. جابر صحیفه را آورد. پدرم فرمود: ای جابر در نسخه خود نگاه کن تا من هم لوح خود را بخوانم. جابر در نسخه خود نگاه می‌کرد و پدرم می‌خواند و به

اندازه یک حرف در دو نسخه اختلاف نبود.
 جابر گفت: خدا را گواه می‌گیرم که در این لوح همان بود که در
 لوح خود خواندی و صورت لوح چنین بود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این کتابی است از جانب خدای عزیز حکیم به سوی محمد بن
 عبد الله ﷺ که نور خدا و فرستاده خداست و پیامبر بشارت دهند و
 ترساننده و بیدار کننده اوست. و حجاب خدا و دلیل اوست و
 روح الامین از سوی رب العالمین بر او فرود آید به اینکه: ای محمد!
 تعظیم کن نامهای مرا و شکر کن نعمتهای مرا و بخشش و عطاهای مرا
 کفران مکن.

معبودی غیر از من نیست هلاک کننده جبارانم و ذلیل کننده
 ظالمان و حاکم روز قیامت. نیست خدایی غیر از من هر کس امیدوار
 باشد به احدی غیر از من یا بترسد از احدی غیر از من، او را عذابی
 خواهم کرد که تا کنون احدی را آنچنان عذاب نکرده باشم. پس ای
 محمد! مرا بندگی کن و بر من توکل نما. هیچ پیامبری را نفرستادم مگر
 آنکه برای او وصی قرار دادم و من تو را بر همه انبیاء خود فضل و
 برتری دادم و تو را بر همه اوصیاء برتری دادم و تو را به دو پسر بعد
 از تو اکرام کردم و ایشان را بعد از رحلت پدرشان معدن علم خود قرار
 دادم.

حسین را خزانة دار علم و وصی خود قرار داده و او را به
 شهادت گرامی داشتم و پایان کارش را به سعادت و افضل شهادت

و رتبه و منزلت او از همه بالاتر است و به اوست کلمه تامه من و نزد اوست حجّت بالغه من. به دوستی عترت او مردم را ثواب دهم و به دشمنی ایشان عقاب کنم.

اول ایشان سید عابدان و زینت گذشتگان اولیای من است. بعد از او پسرش شبیه جدش پیامبر محمد ﷺ که باقر علم من و معدن حکمت من است.

بعد از او جعفر است که هر کس در امامت او شک کند هلاک شود. ردّ او ردّ من است. جعفر و شیعیان و انصار و دوستان او را گرمی و خشنود خواهم گرداند.

بعد از جعفر، موسی را برگزینم بعد از فتنه‌ای که خلاصی از آن دشوار باشد و همه در آن فتنه گرو نابینا باشند زیرا که ریسمان تکلیف و حکم بریده نشود و حجّت بر مردم مخفی نماند و دوستان من شقی نگردند.

کسی که انکار کند یکی از آنها را نعمت مرا انکار کرده است. آنکس که آیه‌ای از کتاب مرا تغییر دهد، به من افترا بسته است.

در آن زمان که عمر بنده برگزیده من و موسی بن جعفر بسر آید، وای بر حال کسی که به من افترا بزند و امام را انکار کند. هر کس تکذیب کند هشتمین امام مرا، تکذیب کننده همه اولیای من است.

و علی بن موسی علیه السلام ولی و ناصر دین من است و او بارهای گران دین بر دوش گیرد و قوه کشیدن آن را به او عطا کنم و او را عفریت متکبری می‌کشد و او را دفن کنند در کنار بدترین مخلوق من در شهری که بنده صالح من آن را ساخته است.

سپس چشم علی را به فرزندش محمد روشن گردانم که خلیفه بعد از او، وارث علم و معدن حکمت و موضع سرّ من است. او حجّت من بر بندگان است و بهشت را برای او جایگاه گردانم و شفاعت او را درباره هفتاد هزار نفر از اهل بیتش قبول کنم و یا هفتاد نفر.

و کار فرزندش علی را که ولی و ناصر دین من است به سعادت ختم کنم. او گواه بر خلق و امین بر وحی من است و از او بیرون آورم مردی را که مردم را به سوی من دعوت کند که خازن علم من و نامش حسن است.

پس کامل گردانم او را به پسرش مهدی علیه السلام که رحمت خدا بر اهل عالم است کمال موسی، بهای عیسی و صبر ایوب در صفات اوست. در زمان او دوستان من دلیل خواهند و سرهای ایشان را مانند سرهای ترک و دیلم به هدیه فرستند. ایشان را می‌کشند و می‌سوزانند، پیوسته مضطرب و پریشان حال هستند و زمین را از خون ایشان رنگین کنند و از زنان نوحه و فریاد بلند شود.

آنها اولیاء من هستند و من بوسیله آنها هر فتنه‌ای را بر طرف کنم و حوادث و بلاهای روزگار را با آنها دفع کنم، بارهای گران مردم را با آنها بردارم، درود و رحمت خدا بر آنان که هدایت شدگانند.

عبد الرحمن بن سالم گوید: ابو بصیر گفت: اگر در تمام عمر به غیر از این حدیث حدیثی در این خصوص به تو گوشزد نمی‌شد، تو را کفایت می‌کرد!

۱۷۳ - جوینی به سند خود از جابر بن عبدالله انصاری روایت می‌کند که به خدمت حضرت زهرا (س) رسیدم، دیدم لوحی چشم‌را خیره می‌کند که در منزل علی بن ابی طالب بود. در آن لوح دوازده نام دیدم، سه نام در پشت آن، سه نام در روی آن و سه اسم در پهلوئی آن و سه اسم در آخر آن.

به فاطمه «س» عرض کردم این اسم چه کسانی است.
فرمود: اسم اوصیاء پدرم که اول ایشان علی بن ابیطالب علیه السلام و آخرشان قائم علیه السلام است. جابر گوید: در آن لوح دیدم محمد و محمد و محمد و علی و علی و علی و علی!

۱۷۴ - جوینی به سند خود از جابر بن عبدالله انصاری این روایت را مانند روایت قبل نقل کرده است.^۲

۱۷۵ - جوینی به سند خود از ابو نصره آورده است که چون رحلت امام باقر علیه السلام نزدیک شد، پسرش امام صادق علیه السلام را طلبید تا به او وصیت فرماید و عهد امانت امامت را بدو سپرد. در آن حال برادرش زید بن علی بن حسین که حاضر عرض کرد: اگر امامت را به من می‌داد مانند برادری حسن و حسین امیدوار بودم که خلافتی مرتکب نمی‌شد.

امام باقر علیه السلام به او فرمود:

امانت الهی به مثال نیست. وعده‌های خدایی مانند خرید و فروش نیست بلکه امانات الهی اموری هستند که سابقاً در عالم ازلی گذشته‌اند که حجت‌های خدا چه کسانی هستند. پس آن حضرت جابر

۱- جوینی، احتمالاً از منابع یافرائد.

۲- جوینی.

را طلبید و برای آنکه به برادرش بفهماند که امامت و خلافت منصب الهی است و به او فرمود:

ای جابر! صورت لوح فاطمة زهرا علیها السلام را که نوشته‌اید بخوانید. جابر هم چنین خواند.

بسم الله الرحمن الرحيم

- ۱- ابوالقاسم محمد بن عبدالله المصطفی و مادرش آمنه.
- ۲- ابوالحسن علی بن ابی طالب المرتضی، مادرش فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف.
- ۳- ابو محمد حسن بن علی علیه السلام.
- ۴- ابو عبدالله حسین بن علی علیه السلام، مادرش فاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله.
- ۵- ابو محمد علی بن حسین العدل، مادرش شهربانو دختر یزدجرد پسر شاهنشاه ایران.
- ۶- ابو جعفر محمد بن علی الباقر، مادرش ام عبدالله دختر محمد بن حسن بن علی بن ابی طالب.
- ۷- ابو عبد الله جعفر بن محمد الصادق، مادرش ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر.
- ۸- ابو ابراهیم موسی بن جعفر الکاظم، مادرش ام حبیبه.
- ۹- ابو الحسن علی بن موسی الرضا، مادرش نجمه.
- ۱۰- ابو جعفر محمد بن علی ذکی، مادرش خیزران.
- ۱۱- ابوالحسن علی بن محمد امین، مادرش سوسن.

۱۲ - ابو محمد حسن بن علی رفیق مادرش سخّانه .
 ۱۳ - ابو القاسم محمد بن حسن هو الحجّة القائم، مادرش
 جس صلوات الله عليهم اجمعين !

۱۷۵ - جوینی به سند خود از ابن عباس روایت کرده که از
 رسول خدا ﷺ شنیدم:

حق تعالی فرشته‌ای به نام «دردائیل» آفرید که از حیث مقام با
 عظمت بود. روزی نزد خود گفت: آیا هیچ چیز هست که نزد خدا از
 من برتر و بالاتر باشد. خداوند قدرت و عظمت او را گرفت و از صف
 ملائکه بیرون آمد و در یکی از جزائر چندین هزار سال ماند تا زمانی
 که حسین بن علی علیه السلام تولد یافت و آن شب جمعه بود حق تعالی به
 جبرئیل امین وحی فرستاد که با هزار ملک و با گروهی از ملائک که در
 دستشان حرب‌هایی از نور بود، به سوی زمین فرود آیند و به رسول
 اکرم صلی الله علیه و آله بخاطر مولودش حسین علیه السلام تبریک گویند و به آن حضرت
 عرض کنید:

پروردگار، این مولود فرخنده را حسین نام نهاد. اوّل او را تهنیت
 و سپس تسلیت گویند. ای محمّد! همین مولود تو به دست بدترین
 امت تو شهید خواهد شد و من از قاتلان حسین بیزارم .

جبرئیل گذرش به دردائیل افتاد دردائیل گفت: ای جبرئیل!
 امشب در آسمان چه غوغا برپا شده جبرئیل گفت: از برای
 محمّد صلی الله علیه و آله مولودی به دنیا آمده و خداوند مرا به تهنیت او فرستاده.
 دردائیل گفت: قسم می‌دهم ترا به خدایی که من و شما را آفریده،

چون به محمد ﷺ رسیدی، سلام مرا به او برسان و عرض کن بحق این مولود از خداوند مسئلت کن که مرا به مقام اولی برساند.
جبرئیل قضیه دردائیل را به عرض رسول خدا ﷺ رساند و پیامبر برای او خدا را به حق حسین ﷺ قسم داد که از تفصیر دردائیل بگذرد.

خداوند دعای پیامبر ﷺ را اجابت فرمود و «دردائیل» آزاد شده حسین شد.

جبرئیل در آسمانها تهنیت و سپس تسلیت را به رسول گرامی عرض کرد و خبر از شهادت امام حسین ﷺ در روز عاشورا داد. رسول خدا ﷺ نزد فاطمه زهرا (س) آمد و قضیه شهادت امام حسین را گفت: فاطمه (س) گریست و پیامبر فرمود: گریه نکن! فرزند تو شهید نشود تا آنکه فرزندی از او بوجود آید که امام بعد از او باشد و امامان - دین و هادیان راه یقین جملگی از نسل او بوجود آید. بعد از من هادی و مهدی و منجز و عد باشد. اول آنها علی است و حسن و حسین و علی بن حسین و صفا و نفسا محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی کسی که عیسی پشت سرش نماز بخواند و او پسر حسن بن علی است که لقب قائم دارد!

۱۷۷ - جوینی به سند خود از حضرت امام حسین ﷺ روایت

کرده که روزی بر جدم رسول خدا ﷺ وارد شدم که ابی بن کعب در خدمت آن حضرت بود. پیامبر ﷺ فرمود: مرحبا بر تو ای ابوعبدالله!

ای زینت آسمان و زمین، کعب پرسید: چگونه زینت آسمان در زمین است. حضرت فرمود: قسم به خدایی که مرا به رسالت فرستاد، قدر و منزلت حسین علیه السلام در آسمان بیش از زمین است و در سمت راست عرش خدا نوشته «حسین مصباح الهدی و سفینة النجاة» و او امام و پیشوای مردم است و خداوند در صلب او نطفه مبارکه طیبه قرار داده است.

و نور او پیش از آنکه آب در صلب‌های جاری گردد و پیش از آنکه شب و روز به وجود آید، آفرید شده است!

ابی بن کعب پرسید: نام او چیست؟ حضرت فرمود: نام او علی بن الحسین است سؤال کرد: آیا از برای او فرزندی هست که وصی او شود؟

حضرت اسامی امامان بعد از امام حسین علیه السلام را بر شمرد تا به امام حسن عسکری رسید و فرمود: خدای تعالی در صلب او نطفه مبارکه پاکیزه و طاهر و مطهر قرار داده است. خداوند مثنای ولایت او را از هر مؤمنی گرفته و او راضی است و هر کس منکر او شود کافر گردد.

و امامت تقی و نقی مرضی هادی و عدل حکم کند و مردم را به آن امر کند. خداوند را تصدیق کند و خدا نیز وی را در آنچه گوید تصدیق فرماید.

او از تهامه مکه معظمه یا از حوالی مکه خروج کند و امامت و علامت ولایت را ظاهر سازد او در طالقان گنج‌هایی دارد که نه از طلا و نه از نقره است بلکه آنها مردان مشهوری هستند که از شهرهای دور

جمع می‌شوند و به تعداد سپاه بدر یعنی سیصد و سیزده نفر می‌باشند.

صحیفه مهر شده‌ای که نام، نسب، تعداد، مکان، شغل، لقب و کنیه آنها به طور مجزا در آن نوشته شده، همراه اوست و اینان در راه دین رنجها را تحمل نموده‌اند و در بندگی خداوند سختیها کشیده‌اند. ابی بن کعب عرض کرد: علامت خروج او چیست؟ فرمود: علم پیچیده‌ای دارد که به هنگام نزدیکی قیامت، آن علم خود به خود باز شود و خدا او را به سخن آورد و به آن حضرت ندا کند: اخرج یا ولی الله و اقتل اعداء الله و او شمشیری در غلاف دارد که چون خروج وی نزدیک شود، حق تعالی آن شمشیر را گویا کند و از غلاف بیرون آید و گوید: خروج کن ای ولی خدا دیگر جایز نیست تا در پرده بمانی و از دشمنان خدا مخفی شوی. پس خروج کن و دشمنان خدا را بکش و حدود الهی را جاری کن.

به هنگام خروجش، جبرئیل در جانب راست، میکائیل در سمت چپ و شعیب و صالح در مقدمه لشکر او باشند و یاد آور آنچه را من به شما می‌گویم.

ای ابی بن کعب، خوشایه حال کسی که محضر او را درک کند و او را دوست بدارد. خوشایه حال کسی که گوید خداوند به سبب او مردم را از هلاکت نجات دهد و اقرار به خدا و رسول و همه امامان داشته باشد. درهای بهشت به روی چنین کسی باز است. مثل ایشان در روی زمین مثل مشک است که پیوسته از بوی او به مشام مردم می‌رسد و مثل ماه تابان است که نور او هرگز بر طرف نگردد.

ابی بن کعب پرسید: حال امامان چگونه به شما رسید؟
فرمود: حق تعالی دوازده خاتم و دوازده کتاب به سوی من
فرستاد که نام هر امامی در خاتم او نقش بود و صفت هر امامی در
صحیفه او نوشته شده بود.^۱

۱۷۸ - جوینی از ابن عباس روایت می‌کند که حضرت
رسول ﷺ فرمود: خلفا و اوصیا و حجت‌های خدا بر خلق پس از من،
دوازده نفرند که اول آنها برادر من و آخر آنها فرزند من است. ابن
عباس عرض کرد: برادر و فرزند تو کیست؟

فرمود: برادرم علی بن ابی طالب و فرزندم مهدی علیه السلام است که
زمین را از عدالت پر سازد چنانچه قبل از آن پراز ظلم و ستم بود.
قسم به آن خدایی که مرابه حق بشارت دهند به سوی خلق
فرستاد، اگر از روزگار به جز یکروز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز
را طولانی کند تا آنکه فرزندم مهدی خروج کند و عیسی روح الله از
آسمان نازل شده و با او نماز خواند. زمین رابه نور خدای روشن کند و
پادشاهی او شرق و غرب را در برگیرد.^۲

۱۷۹ - جوینی از ابن عباس آورده است که رسول اکرم ﷺ
فرمود: من سید انبیاء هستم و علی بن ابی طالب علیه السلام سید اوصیاء.
اوصیای بعد از من دوازده نفرند که اول آنها علی و آخر آنها مهدی علیه السلام
است.^۳

۱- جوینی.

۲- جوینی.

۲- جوینی.

۲- جوینی.

۲- جوینی.

۱۸۰ - جوینی از ابی طفیل روایت کرده که ابی بکر از دنیا رفت و مردم بر جنازه اش نماز خواندند و علی علیه السلام در گوشه ای نشسته بود که ناگاه پسری یهودی از اولاد هارون برادر موسی بن عمران که لباسهای فاخر برتن داشت، بالای سر عمر ایستاد و گفت: یا امیر المؤمنین! تو اعلم امتی به کتاب خدا و سنت رسول الله .
عمر سرش را پایین انداخت و آن گفت: ای عمر با شما سخن می گویم .

جواب داد که چه می گویی؟ جوان گفت: نزد تو آمده ام تا مسائل مشکلی را سؤال کنم زیرا در دین خود، مرا شکی عارض شده است .

عمر گفت: به نزد آن جوان که در آن گوشه نشسته برو. جوان گفت: او کیست که مرا به او حواله می دهی .

عمر گفت: او علی بن ابی طالب پسر عموی رسول خدا و پدر حسن و حسین دو پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و شوهر فاطمه زهرا «س» دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله است .

جوان یهودی نزد علی علیه السلام آمد و گفت: آیا تو چنین هستی که عمر درباره شما می گوید؟

فرمود: بلی چنین است. گفت: ای علی! از تو سؤال می کنم، سه مسأله و سه مسأله و یک مسأله. علی علیه السلام فرمود: ای یهودی! چرا نگفتی هفت مسأله. گفت: سه مسأله سؤال می کنم که اگر جواب دادید از بقیه مسائل سؤال می کنم و اگر جواب ندادید می دانم که علم رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد تو نیست .

حضرت فرمود: قسم به آن خدایی که او را پرستش می کنی، اگر جواب مسائل شما را درست گفتم مسلمان می شوی؟ یهودی گفت: من برای همین موضوع آمده ام، اگر جواب دادید مسلمان می شوم. آنگاه سه مسأله اول را حضرت جواب داد.

سپس یهودی پرسید: مرا خبر ده از جانشینان محمد که امامان عادل باشند چند نفرند و جایگاه محمد در کدام بهشت است و هم نشینان او کیانند؟ حضرت فرمود:

ای هارونی! خلفای محمد دوازده امام عادلند و اینان در راه دین خدا از کوههای بلند و سخت محکمترند. جای محمد هم در بهشت عدن با این دوازده امام عادل است یهودی گفت: راست گفتی، قسم به آن خدایی که جز او خدایی نیست، آنچه گفتی در کتب پدرم هارون دیدم که موسی به او گفته و او هم با دست خودش نوشته بود. یهودی سؤال دوم خود را اینگونه طرح کرد که وصی اول پیامبر ﷺ بعد از رحلت او چند سال زندگی می کند و آیا او می میرد یا به شهادت می رسد؟ علی علیه السلام فرمود:

وصی اول پیغمبر ﷺ بعد از او سی سال زندگی می کند بدون کم و زیاد و ضربتی به فرق او می زنند که ریش او از خون سرش رنگین شود.

هارونی چون جواب این مسأله را از امام شنید فریاد کرد و تسبیح خود را برید و گفت: اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمد عبده و رسوله و انک وصیه و گفت: تو را برتری بر همه سزاوار است و شایسته نیست که احدی بر تو فزونی خواهد و

قدر تو را بزرگ ندانند!

۱۸۱ - ابن شاذان از طریق بزرگان اهل سنت به اسناد خود از ابن عباس روایت کرده که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: ای گروه مردم! بدانید که خدا را دری است که هر کس از آن داخل شود، از آتش جهنم و هراس محشر در امان باشد.

ابو سعید خدری برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! ما را به آن در راهنمایی کن تا آنرا بشناسیم.

فرمود: آن در علی بن ابی طالب سید اوصیا و امیر مؤمنان است. او برادر من و خلیفه خدا بر تمام مردم است. هان ای گروه مردم! هر که می خواهد به حلقه محکمی چنگ زند که هرگز بریده نشود، باید به ولایت علی بن ابی طالب چنگ زند که ولایت او ولایت من و اطاعت او اطاعت من است.

ای گروه مردم! کسی که خداوند او را به پیروی از من خشنود گردانیده، بر او واجب است که علی علیه السلام و امامان از اولاد مرا دوست دارد زیرا آنها خزانه علم منند.

جابر بن عبد الله برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! ائمه بعد از شما چند نفرند؟ فرمود: خدا ترا رحمت کند که از تمام اسلام سؤال کردی. عدد ایشان عدد ماههاست و ماهها در نزد خدا دوازده است «ان عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهراً» و عدد ایشان عدد چشمه هایی است که برای موسی بن عمران جاری شده و آن دوازده چشمه بود و عدد ایشان به تعداد نقبای بنی اسرائیل است «لقد اخذنا

میثاق بنی اسرائیل و بعثنا منهم اثنی عشر نقیباً. ای جابر ائمه دین دوازده نفرند، اول ایشان علی بن ابیطالب و آخرشان قائم عجله ۱.

۱۸۲ - ابن شاذان از طریق علمای عامه به اسناد خود از سلمان فارسی روایت کرده که خدمت رسول اکرم ﷺ رفتم در حالی که حسین عجله بر زانوی حضرت نشسته بود و چشمان او را بوسه می داد و می فرمود: تو سید و پسر سید و پدر ساداتی؛ تویی امام و پسر امام و پدر امامان؛ تویی حجت و پسر حجت و پدر نه حجتی و نهمین ایشان قائم است ۲.

۱۸۳ - ابوالحسن بن شاذان از طریق علمای عامه از حضرت صادق عجله روایت کرده که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: خداوند به من خبر داد که هیچ معبودی غیر از من نیست، محمد بنده و رسول من، علی بن ابی طالب خلیفه من و ائمه از اولاد علی حجت‌های من هستند.

هر کس بر این اعتقاد باشد، او را داخل بهشت کنم و از آتش جهنم او را آزاد سازم. رحمت خود را بر او ارزانی دارم و نعمت را بر او تمام کنم. او بنده خاص و خالص من است و اگر مرا ندا کند، لبیک گویم؛ اگر مرا بخواند، جواب گویم؛ اگر از من تقاضایی کندا و راعطا کنم؛ و اگر ساکت شود، من ابتدا مرحمت کنم.

کسی که به وحدانیت من شهادت دهد ولی به رسالت محمد ﷺ گواهی ندهد یا به خلافت علی بن ابی طالب عجله و ائمه از اولاد او شهادت ندهد، نعمت مرا نکار کرده، عظمت مرا کوچک شمرده و به آیات و کتب و رسولان من کافر شده است.

جابر عرض کرد: یا رسول الله! ائمه اولاد علی را به ما معرفی کن.

فرمود: اینها حسن و حسین سادات اهل بهشت، بعد از آنها سید عابدان علی بن الحسین، بعد از او باقر بن علی و توای جابرا! او را خواهی دید و سلام مرا به او برسان، بعد از ایشان صادق جعفر بن محمد، سپس کاظم موسی بن جعفر، بعد از او رضا علی بن موسی، بعد از آن تقی محمد بن علی، آنگاه علی بن محمد، بعد از آن زکی حسن بن علی و بعد از آن فرزندان حسن قائم به حق مهدی امت که در زمین عدالت را می گستراند، آنگونه که قبل از آن پر از ظلم بود. ای جابرا! اینها خلفا و اوصیا، اولاد عترت من هستند. هرکس که ایشان را طاعت کند مرا طاعت کرده و هرکس معصیت آنها را کند، مرا معصیت نموده و هرکس یکی از آنها را انکار کند، مرا انکار کرده است!

۱۸۴ - ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بخاری به اسناد خود از

جابر بن سمره نقل می کند که پیامبر فرمود: پس از من دوازده نفر امیر خواهند بود و کلمه دیگری فرمود که من نشنیدم، اما وقتی از پدرم پرسیدم گفت فرمود که همه آنها از قریشند!

۱۸۵ - بخاری به سند خود از ابن نمینه آورده که رسول

گرامی ﷺ فرمود:

امور مردم می گذرد مادامی که ولی و صاحب اختیار آنها دوازده نفر است که جملگی از قریشند!

۱ - ابن شاذان از امام صادق.

۲ - صحیح بخاری، جلد ۹، ص ۱۰۱.

۳ - صحیح بخاری.

۱۸۶ - همچنین بخاری به سند خود از عبدالله بن عمر روایت کرده که رسول اکرم ﷺ فرمود: امر خلافت پیوسته در قریش است حتی اگر دو نفر از مردم باقی بماند. این حدیث را مسلم نیشابوری در صحیح خود نقل کرده است.^۱

۱۸۷ - مسلم در صحیح خود از حصین و او از جابر بن سهره آورده است که با پدرم خدمت رسول خدا ﷺ رفتیم و از آن حضرت شنیدم که فرمود:

این امر منقضی نشود تا زمانی که دوازده خلیفه بگذرد. سپس سخنی فرمود: که من نشنیدم ولی چون از پدرم سؤال کردم گفت فرمود که همه آنها از قریشند.^۲

۱۸۸ - همچنین مسلم در صحیح خود از عبدالملک بن عمر و او از جابر بن سمره، همین حدیث را شبیه فوق نقل کرده است.^۳

۱۸۹ - همچنین مسلم در صحیح خود از ابو عوانه و او هم از سماک و از جابر بن سمره همین حدیث را نقل کرده ولی جمله «امر منقضی نشود را ذکر نکرده است.^۴

۱۹۰ - مسلم در صحیح نیز از حماد بن سلمه و او هم از سماک ابن حرب، از جابر بن سمره نقل می‌کند که رسول الله ﷺ فرمود: این دین به خلافت دوازده نفر که همه از قریش هستند عزیز است.^۵

۱۹۱ - مسلم در صحیح از داود از شعبی از جابر بن سمره نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: این دین به خلافت دوازده نفر که

۱ - صحیح بخاری، ج ۹، ص ۷۸ - صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۴۵۲، ب ۲۳، ج ۱۸۲۰.

۲ - صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۴۵۲، ج ۱۸۲۱.

۳ - صحیح مسلم.

۴ - صحیح مسلم، ج ۱۲، ص ۲۰۲.

۵ - صحیح مسلم، ج ۱۲، ص ۲۰۲.

همه از قریش هستند، عزیز است!.

۱۹۲ - مسلم در صحیح از عامد بن سعد بن ابی وقاص آورده است که توسط غلام خود نامه‌ای به ابن سمره نوشتم تا درباره حدیثی از رسول خدا ﷺ به من خبر دهد و او پاسخ داد که: از رسول اکرم ﷺ شنیدم که در روز جمعه اسلمی را سنگسار کرد و فرمود: اسلام پیوسته تا روز قیامت برپاست و دوازده نفر بر مردم خلافت می‌کنند که همه آنها از قریشند. گروهی از مسلمانان کاخ سفید کسری را فتح می‌کنند و من اولین کسی هستم که بر حوض کوثر وارد می‌شوم!.

۱۹۳ - مسلم در صحیح خود از عامر بن سعد آورده است که نزد ابن سمره عدوی فرستادم تا آنچه را که از رسول گرامی ﷺ شنیده است به من خبر دهد. چنین جواب داد: همیشه اسلام عزیز است در روز قیامت و دوازده نفر بر امت خلافت می‌کنند!.

۱۹۴ - احمد حنبل از جابر بن سمره نقل می‌کند که از رسول گرامی ﷺ شنیدم که می‌فرمود: طایفه‌ای از مسلمین کاخ سفید کسری را فتح می‌کنند. پیش از قیام قیامت، دروغگویان خروج می‌کنند، از آنان دوری کنید و فریب سخنان آنها را نخورید!.

۱۹۵ - ابوالحسن زرین بن معاویه بن عمار عبیدی در باب آیه ان اکرمکم عند الله اتقیکم از سنن ابوداود در مدح قریش نقل می‌کند که جابر بن سمره می‌گوید با پدرم خدمت رسول گرامی ﷺ رسیدیم و ایشان فرمود: اسلام تمام نمی‌شود و همیشه باقی است،

۱ - صحیح مسلم، ج ۱۲، ص ۲۰۲.

۲ - صحیح مسلم، ج ۱۲، ص ۲۰۲.

۳ - صحیح مسلم، ج ۱۲، ص ۲۰۳.

۴ - مسند احمد، ج ۵، ص ۸۶ - ۸۷ - ۸۸.

مادامی که دوازده نفر خلافت کنند و همه آنها از قریش باشند.^۱

۱۹۶ - ابو الحسن عبدی همچنین از صحیح ابو داود سجستانی از عامر بن سعد بن ابی وقاص آورده است که: به جابر بن سمره نوشتم که مرا خبرده از چیزی که از پیامبر اکرم ﷺ شنیده‌اید و او هم نوشت: آن حضرت می فرمود که دین تا صبح قیامت پیوسته آشکار است. دوازده نفر بر امت خلافت کنند جملگی از قریش باشند، مسلمانان کاخ سفید کسری را فتح کند و قبل از قیامت دروغگویانی به نام خلیفه من خروج کنند حال آنکه دلیلی بر امامت و خلافت ندارند، از آنها دوری کنید.^۲

۱۹۷ - ابو نعیم اصفهانی به سند خود از شعبی و او هم از جابر بن سمره روایت می کند که پیامبر ﷺ فرمود: بعد از من دوازده نفر خلافت کنند (یا خلیفه من هستند) و همه آنها از قریش اند.^۳

۱۹۸ - ابو نعیم همچنین از عمر بن عبدالله زرین، از صفیان و او هم از شعبی روایت می کند که خاتم الانبیاء ﷺ فرمود بعد از من دوازده نفر خلافت می کنند که جملگی از قریش هستند.^۴

۱۹۹ - ابن مردویه به سند خود از جابر بن سمره از رسول گرامی ﷺ نقل می کند که: این امر منقضی نمی شود تا آنکه پس از من دوازده نفر خلافت کنند که همه از قریش اند.^۵

۲۰۰ - سمرقندی ابو محمد حسن بن احمد محدث به سند خود از عامر بن سعد روایت می کند که نزد سمره فرستادم تا ما را از

۲ - مجمع بین صحاح السنه، عبدی.

۱ - سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۶.

۴ - حلیة الاولیاء، ابو نعیم اصفهانی.

۳ - حلیة الاولیاء، ابو نعیم اصفهانی.

۵ - فردوس، ج ۵، ص ۲۲۹، حدیث ۷۷۰۵.

چیزی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیده خبر دهد. او هم چنین نوشت پیوسته دین باقی است تا وقتی که دوازده نفر بعد از من خلیفه شوند که همه از قریش باشند، و گروهی دروغگو قبل از قیامت خروج کنند که نباید فریب آنها را بخورید! این قتیبه نیز این حدیث را نقل کرده است.

- ۲۰۱ - همچنین سمرقندی از سماک از جابر بن سمره از ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله روایت می کند: که بعد از من دوازده نفر خلافت کنند.^۱
- ۲۰۲ - مسلم از قتیبه نیز این حدیث را نقل کرده است.^۲
- ۲۰۳ - سمرقندی از حصین، از جابر بن سمره نقل می کند که سرور کائنات محمد مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: دین از بین نمی رود تا زمانی که دوزاده خلیفه از قریش حکومت کنند.^۳
- ۲۰۴ - سمرقندی از ابو خالد و ابی از جابر بن سمره نقل می کند که پیامبر رحمت فرمود: تا زمانی که دوازده نفر از قریش پس از من بر امت خلافت می کند، هیچ کس نمی تواند به این دین زیانی برساند.^۴
- ۲۰۵ - سمرقندی از عون بن ابی حنیفه از پدرش از نبی مکرم اسلام حدیث می کند که: تا زمانی که پس از من دوازده نفر از قریش خلافت کنند پیوسته امر من به صلاح است.^۵
- مؤلف را نظر به آن است که حدیث نقل شد بطور اجمال بود روایات بعدی مبین و تفصیل این حدیث شریف خواهد بود.
- ۲۰۶ - شیخ ابو عبد الله محمد بن نعمان از محمد عثمان

۱ - تفسیر عیاشی، سمرقندی.
 ۲ - ینابیع، ص ۱۷۶.
 ۳ - احتمالاً از ینابیع.
 ۴ - تفسیر عیاشی، سمرقندی.
 ۵ - تفسیر عیاشی، سمرقندی.
 ۶ - تفسیر عیاشی، سمرقندی.

ذهبی به سند خود از شعبی و او هم از مسروق آورده است که: نزد عبد الله بن مسعود رفتیم و از او سؤال کردم که آیا تا کنون شنیده‌ای که پیامبر فرموده باشد که خلفای پس از من چند نفرند؟

گفت: بلی شنیدم که فرمود: خلفای بعد از من به عدد نقبای بنی اسرائیل باشند، آنها از بنی اسرائیل و اینها از قریش اند.^۱

۲۰۷- عثمان بن ابی شیبہ، ابو سعید اشبح، ابو کریب، محمود بن غیلان، علی بن محمد و ابراهیم بن سعید جملگی از ابو اسامه از مجالد از شعبی از مسروق روایت کرده‌اند که نبی مکرم ﷺ فرمود: خلفای پس از من به عدد نقبای بنی اسرائیل اند و آنها دوازده نفر بودند.^۲

۲۰۸- ابو اسامه از اشعث از عامر شعبی از قیس بن عبد الله بن مشعود، حدیث نقبا را نیز نقل کرده است.^۳

۲۰۹- در مسند احمد بن حنبل از حماد بن زید از مجالد از شعبی از مسروق نقل می‌کند که ما نزد عبد الله بن مسعود به قرائت قرآن مشغول بودیم که شخصی پرسید: ای عبد الرحمان! آیا از پیامبر سؤال کرده‌ای که بعد از او چند نفر صاحب امر امت می‌شوند؟

گفت: از روزی که از عراق آمده‌ام، هیچ کس از من چنین سؤالی نکرده بود. ولی ما از رسول خدا ﷺ این را پرسیدیم و حضرت در حالی که جماعتی در نزدش بودند فرمود: بعد از من دوازده نفر به عدد نقبای بنی اسرائیل خلافت می‌کنند که همه از قریش باشند.^۴

۲۱۰- عبد الله بن ابی امیه مولای مجامع از یزید رقاشی از

۱- منابع، ص ۱۷۷.

۲- مسند احمد، ج ۱، ص ۳۹۸.

۳- همان.

۴- مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۹۰.

انس بن مالک روایت کرده که نبی گرامی ﷺ فرمود: این دین همیشه باقی می ماند تا زمانی که دوازده نفر از قریش پس از من خلیفه شوند و چون آخرین آنها از دنیا برود، زمین با اهلش هلاک می شوند.

۲۱۱- ابو بکر بن ابوخیشمه از اسود بن سعید همدانی از جابر بن سمره نقل می کند که پیامبر آمی فرمود: بعد از من دوازده نفر خلیفه شوند که همه از قریش اند. سؤال شد بعد از آن چه خواهد شد؟ فرمود: هرج و مرج خواهد شد.

۲۱۲- سلمان بن احمر از جابر بن سمره روایت کرده که رسول اکرم ﷺ فرمود: پیوسته اهل دین اسلام بر دشمنان غالب شوند تا زمانی که دوازده نفر از قریش پس از من خلیفه باشند.

۲۱۳- قطر بن خلیفه به سند خود از جابر بن سمره از رسول گرامی نیز این حدیث را نقل کرده است.

۲۱۴- سهل بن حماد از یونس بن ابی یعقوب از عوان بن ابی حجیفه از پدرش نقل می کند که نزد رسول گرامی ﷺ بودیم که حضرت فرمود: امر امت من به صلاح است تا زمانی که دوازده نفر از قریش در بین ایشان خلافت کند.

۲۱۵- لیث بن سعد از خالد بن زید از سعد بن ابی هلال از ربیع بن سیف نقل می کند که: ما در نزد شفیق اصبحی بودیم و او از عبدالله بن عمر نقل می کرد که پیامبر فرمود: بعد از من دوازده نفر خلیفه خواهند شد.

۲۱۶- از حماد بن ثعلب از ابو طفیل آورده اند که عبدالله بن عمر گفت: یا ابی طفیل دوازده نفر بعد از پیامبر خدا ﷺ خلافت

کنند و سپس زمان کنیه و نفاق است.

۲۱۷ - شیخ ابو عبدالله بن جعفر بن محمد بن احمد درستی در کتابش از ابن عباس روایت کرده که در حین رحلت پیامبر اکرم ﷺ از آن حضرت سؤال کردم که بعد از شما به چه کسی رجوع کنیم؟ فرمود: به علی بن ابی طالب آئه مع الحق و الحق معه؛ این علی پیوسته باحق است و حق با علی است و بعد از علی، یازده نفر از فرزندان او که هر یک پس از دیگری خلیفه من هستند و اطاعت از آنها بر شما واجب است!

۲۱۸ - همچنین درستی به سند خود از ابی مثنی از پدرش از عایشه همسر پیامبر نقل می‌کند که از حضرت پرسیدم خلفای پس از شما چند نفرند؟ فرمود: عدد خلفای من دوازده نفر است. از عایشه پرسیدم این دوازده نفر کیانند؟ گفت: رسول اکرم اسامی آنها را به من گفت و من نوشتم. گفتم: ای عایشه آن اسامی را به من نشان بده گفت: نمی‌دهم!

۲۱۹ - جوینی در فرائد السمطين از ابن عباس از رسول اکرم روایت کرده که فرمود: خلفا و اوصیای پس از من دوازده نفرند. اول ایشان برادر من و آخر آنها فرزند من است. عرض کردند: برادر و فرزند تو کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب برادر من است و مهدی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند فرزند من است.

قسم به خدایی که مرا به حق فرستاده، اگر باقی نماند روزگار

مگر یک روز، خداوند آنرا طولانی کند تا فرزندم مهدی خروج نماید و عیسی بن مریم از آسمان نزول کند و پشت سر او نماز بخواند و زمین را به نور پروردگار خویش روشن سازد و سلطنت او مغرب تا مشرق عالم را فراگیرد!

۲۲۰ - جوینی به سند خود از عبدالسلام بن صالح هروی نقل می‌کند که از دعبل خزاعی شنیدم که گفت قصیده خود را با این مطلع مدارس الآیات خلت من تلاوت در حضور ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه السلام خواندم تا به این دو بیت رسیدم:

خروج الامام لا محاله خارج يقوم على الاسم الله و البركات
يميز فيها بين الحق و الباطل و يجزي على النعماء و البركات

یعنی امید ظهور امامی دارم که هیچ شکی در او نیست. به قدرت نام خداوند و برکات او قیام کند. مشخص کند حق و باطل را و نیکان را جزائی نیک و بدان را مکافات نماید.

حضرت رضا علیه السلام با شنیدن این دو بیت بسیار گریست و سر به آسمان بلند کرد و فرمود: ای خزاعی! روح القدس به زبان تو سخن گفته است آیا می‌دانی این امام کیست و چه موقع خروج می‌کند؟
گفتم: شنیده‌ام امامی از شما خروج می‌کند و روی زمین را از فتنه و فساد پاک و آن را پراز عدل و داد فرماید.

فرمود: ای دعبل! پس از من محمد فرزندم امام است، پس از او علی، بعد از علی فرزندش حسن و بعد از حسن فرزندش حجت قائم علیه السلام که در ایام غیبت منتظر و بعد از ظهور مطاع است. اگر تنها یک روز از

عمر دنیا باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی فرماید تا او ظهور کند و پدرم از پدرانش از علی علیه السلام نقل فرمود که: مثل مهدی مثل قیامت است که ناگهانی ظهور می کند.^۱

۲۲۱ - علی بن احمد مالکی از اعیان علمای عامه است در

کتابش از زراره روایت کرده که از ابو جعفر شنیدم که فرمود: امامان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله دوازده نفرند، اول آنها علی بن ابی طالب و یازده نفر از اولاد او.^۲

۲۲۲ - حافظ بن عقده به سند خود از ابن ابی اوفی روایت کرده

که پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله فرمود: چون حق تعالی برای ابراهیم خلیل الرحمان چشمش را کشف نموده و او نظر به عرش الهی نمود، انوار خمسه ای (نورهای پنجگانه) را دید و از پروردگارش درباره آنها سؤال کرد خدای تعالی فرمود: آن نور صفی من محمد صلی الله علیه و آله و ناظر دین من علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام است.

عرض کرد: الهی! نه نفر را می بینم که آن انوار را احاطه کرده اند. وحی شد: اینها ائمه و اولاد آن انوار هستند. اول ایشان علی بن حسین علیهم السلام و محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و محمد فرزند حسن که مهدی قائم علیه السلام است.^۳

۲۲۳ - محمد بن عبد الله بن ابراهیم شافعی به سند خود از

جابر بن عبدالله روایت کرده که چند بن جناده از معارف اهل کتاب

۱- فرزند، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲ - فصوص المصنوعه، ابن صباغ مالکی

۳ - بیابیع، ص ۱۷۴.

خدمت رسول گرامی ﷺ رسید و مسائلی از توحید سؤال نمود و سپس اسلام آورد. آنگاه عرض کرد یا رسول الله! اوصیای شما کیانند که با آنها متوسل شوم آنگونه که موسی بن عمران به ما امر نموده است. حضرت فرمود: بعد از من سید اوصیاء و وارث انبیا علی بن ابی طالب، بعد فرزندش حسن و بعد فرزند دیگرش حسین و تو زمان این سه نفر را درک می کنی و آخرین توشه تو در دنیا یک شربتی از شیر خواهد بود.

بعد از فرزندش علی ملقب به زین العابدین، سپس فرزندش محمد بن علی، آنگاه فرزندش جعفر بن محمد ملقب به صادق، بعد از گذشت زمان او فرزندش موسی بن جعفر، و بعد از وی علی بن موسی ملقب به رضا، بعد فرزندش محمد و سپس فرزند او علی ملقب به نقی، سپس فرزندش حسن بن علی و بعد از او غائب خواهد شد. عرض کرد: آن امام غائب حسن خواهد بود.

فرمود: خیر بلکه فرض او حجت است.

۲۲۴ - سمعانی در فضائل الصحابه حافظ ابو نعیم در اربعین،

شافعی در البیان، و دارقطنی در جرح و تعدیل از ابو سعید خدری و علی بن هلال روایت می کنند که چون بیماری رسول خدا ﷺ شدت یافت و صدای گریه و زاری زهرای مرضیه «س» که بر بالین پدر نشسته بود زیاد شد. پیامبر رو به جانب دخترش فاطمه کرد و فرمود: ای حبیبه من! چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: ای پدر! می ترسم امت تو قدر ما را ضایع کنند فرمود: ای فاطمه! مگر نمی دانی که حق تعالی به زمین نظر کرد و مرا اختیار فرمود و به رسالت برگزید. بار دیگر نظر کرد

و شوهرت را انتخاب کرد و به من وحی فرمود تا تو را به او تزویج کنم.
ای فاطمه! خداوند هفت خصلت به ما مرحمت فرموده که به
 احدی پس از ما عطا نکرده و نخواهد کرد. منم سید انبیاء و
 گرامی ترین آنها نزد خداوند، وصی من بهترین اوصیاء و محبوبترین
 ایشان و او شوهر تو علی بن ابی طالب است، شهید ما بهترین
 شهیدان حمزه عموی پدرت و عم شوهرت می باشد، آن کسی که
 خداوند دو بال به او عنایت کرده و با آن در بهشت با ملائکه پرواز
 می کند، از ماست و او پسر عموی پدر تو و برادر تو و برادر شوهر
 توست. و از ماست دو سبط این امت حسن و حسین که فرزندان
 تواند.

ای فاطمه! به حق آن خدایی که مرا به حق به رسالت برگزید،
 مهدی این امت از حسین خواهد بود. ظهور می کند زمانی که دنیا پر از
 هرج و مرج باشد، فتنه ها ظاهر و راهها بسته باشد نه پیری بر کودکی
 رحم کند و نه کودکی از پیری اطاعت کند.

در آن موقع خداوند بر انگیزاند از فرزندان من کسی را که فتح
 کند قلعه های ضلالت و دلهای غافل را. به دین خدا در آخر الزمان قیام
 کند، آنگونه که من در اول زمان قیام نمودم. گیتی را عدل گستر باشد
 آنچنانکه قبل از آن ظلم و ستم زمین را فرا گرفته بود!

۲۲۵ - ثعلبی از کتاب عمر بن ابرهیم بن عوث روایت کرده که

پیامبر ﷺ فرمود: عیسی بن مریم هنگام طلوع صبح با حربه ای نازل
 شود و صلیبها را شکسته و خوکها را بکشد. اموال قائم را ضبط کند و

او وزیر و امین غائب (مهدی) است!

۲۲۶ - ثعلبی در تفسیر آیه «اذا وى الفتیه الی الکهف» حدیث

بساط را نقل کرده که: پیامبر اکرم ﷺ دستور داد تا افرادی که مایل بودند خلیفه آن حضرت شوند با علی علیه السلام به سوی غار کهف بروند و فرمود: فرد فرد از شما بر اصحاب کهف سلام کنند و آنها جواب هر کدام از شما را دادند او وصی من است.

همه آنها سلام کردند و جوابی داده نشد ولی چون علی علیه السلام سلام کرد، جواب حضرت داده شد. آنگاه امام از اصحاب کهف پرسید چرا جواب سلام این گروه را ندادید؟

آنها گفتند: ما تنها جواب سلام پیامبر یا وصی پیامبر را می دهیم و غیر از آنها به احدی پاسخ سلام نمی دهیم تا آخر الزمان که وقت خروج مهدی است. گفته است که مهدی بر آنها سلام کند و جواب سلام او را بدهند.^۲

۲۲۷ - ینابیع الموده به سند خود از امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت

کرده که: موقعی که هدایت را تابع هوی و هوس کنند، مهدی هوی و هوس را تابع هدایت نماید. زمانی که قرآن را تابع هوای نفس کنند، مهدی نفس را تابع قرآن نماید و به مردم نشان دهد که عدالت چگونه است. مهدی احکام قرآن و سنت پیامبر را که در بین مردم مرده است دوباره احیا خواهد کرد.^۳

۲۲۸ - ینابیع الموده به سند خود از جوینی از ابن عباس از رسول

۲ - تفسیر ثعلبی.

۱ - ثعلبی.

۳ - ینابیع، ص ۴۲۷.

اکرم ﷺ روایت می کند که: خداوند این دین را به دست علی عجله افتتاح کرد و زمانی که علی عجله کشته شود، احکام دین فاسد شود و کسی بجز مهدی عجله آن را اصلاح نخواهد کرد!

۲۲۹ - عقد الدرر از حرث بن مغیره بن نفری روایت کرده که به

امام حسین عجله عرض کردم چگونه مهدی موعود را بشناسیم؟ فرمود: به وقار عرض کردم: چگونه وقاری؟ فرمود: به اینکه آن حضرت حلال و حرام را می شناسد و مردم به او احتیاج دارند بدون آنکه وی به مردم نیازی داشته باشد.^۱

۲۳۰ - ینابیع الموده از کتاب درة المعارف روایت کرده که

مهدی عجله کتابهایی را که از غاری در شهر انطاکیه است خارج می کند و رموز را آنچه آل موسی و هارون نهاده اند و ملائکه آن را حمل و نقل می کردند و نیز لوحهای موسی و عصایش را که در آن است از بحیره طبریه خارج خواهد کرد و علم مهدی از همه بیشتر است.^۲

۲۳۱ - ینابیع الموده از مناقب خوارزمی درباره داستان حضرت

مهدی از امام باقر عجله روایت کرده که فرمود: مهدی عجله شبیه رسول اکرم ﷺ و ذخیره انبیاء خواهد بود.^۳

۲۳۲ - عقد الدرر از عبدالله بن عطار روایت کرده که خدمت امام

باقر عجله عرض کردم مرا از قائم عجله خبر ده. فرمود: من نیستم و آن کسی هم که شما گردنهای خود را به جانب او دراز می کنید نیست. گفتم: روش مهدی عجله چگونه است؟ فرمود: روش او، روش رسول

۱ - ینابیع، ص ۲۴۵.

۲ - عقد الدرر، باب سوم.

۳ - ینابیع، ص ۴۹۲، ب ۹۴.

۴ - ینابیع الموده نقل از مناقب خوارزمی.

اکرم علیه السلام است.^۱

۲۳۳ - عقد الدرر از کتب الاخبار روایت می‌کند که گفت: من نام مهدی را زمانی که یهودی بودم در کتب انبیاء گذشته دیده‌ام که نوشته بود: حکومت مهدی ظالمانه نخواهد بود.^۲

این حدیث را امام ابو عمرو مقرئ در کتاب سنن و حافظ ابو عبدالله نعیم بن حماد نقل کرده‌اند.

۲۳۴ - در اسعاف الراغبین از فتوحات مکیه نقل شده که مهدی آنگونه حکم می‌کند که ملک شریعت را به آن حضرت الهام می‌کند، آن ملک طبق شریعت محمدی الهام می‌کند و مهدی هم طبق آن الهام احکام خدا را به مردم اجرا می‌کند.^۳

۲۳۵ - عقد الدرر از امام ابوالحسن محمد بن جعفر مناوی و از نعیم بن حماد از قتاده روایت کرده که من به سعید بن مسیب گفتم مهدی از چه طائفه‌ای می‌باشد؟ گفت از قریش.

گفتم از کدام قریش؟ گفت از بنی هاشم. گفتم از فرزند کی؟ گفت: عبدالمطلب. گفتم از کدام فرزندان عبدالمطلب؟ گفت: از فرزندان فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله.^۴

یازده حدیث در فضیلت علی علیه السلام و محبانش

۱ - خوارزمی در مناقب به سندش روایت کرده که رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود خداوند برای برادرم علی (کرم الله وجهه)

۲ - عقد الدرر، باب سوم.

۱ - عقد الدرر، فصل ۳، باب ۹.

۴ - عقد الدرر، باب اول، ص ۲۳.

۳ - اسعاف الراغبین نقل از فتوحات مکیه.

فضایلی قرار داده که قابل شمارش نیست. پس کسی که یک فضیلت از فضائل برادر علی علیه السلام را ذکر کند و به آن اقرار نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده او را ببخشد.

و کسی که فضائلی از علی علیه السلام را به رشته تحریر در آورد، ملائکه پیوسته برایش استغفار کنند تا زمانی که در آن کتاب اثری باقی باشد. کسی که فضیلتی از این فضائل را یاد دهد، حق تعالی گناهانی را که با شنیدن از او سرزده است ببخشد و کسی که نظر کند به کتابی که فضائل علی علیه السلام در آن است، خداوند گناهان او را بیامرزد.

نظر کردن به علی علیه السلام و ذکر او عبادت است، خداوند ایمان هیچ بنده‌ای را قبول نمی‌کند مگر به ولایت علی علیه السلام و بیزاری جستن از دشمنانش.

در مسند احمد بن حنبل به سندی از ابوسفیره از علی علیه السلام و روایت شده که روزی پیامبر با پای مبارک مرا از خواب بیدار کرد و فرمود: بر خیز! به خدا سوگند که ای علی تو را خوشنود گرداندم. ای علی! تو برادر و پدر اولاد منی، بر سنت من جنگ می‌کنی هر کس بمیرد بر عهد من در کنز خداست و هر کس بر عهد تو بمیرد ایمانش کامل است و هر کس با محبت تو از دنیا رود، خداوند کار او را پس از مرگ به ایمنی و سلامت ختم فرماید!

۲- احمد بن حنبل به سند خود از امام صادق علیه السلام و ایشان از پدر و جد بزرگوارش امام زین العابدین علیه السلام و آن حضرت نیز از حضرت فاطمه صغری، از امام حسین علیه السلام و ایشان از صدیقه

طاهره علیها السلام روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله در شب عرفه بر ما وارد شد و فرمود: خدای تعالی به شما مباحات کرد و شما را بطور عموم و علی علیه السلام را به خصوص آمرزید. و به سوی جمع شما فرستاده شدم تا بگویم که از مباحات به اقربای خویش دریغ ندارم. اینک خبر می‌دهد مرا نیک بختی که کمال نیک بختی و حقیقت نیک بختی داشته باشد!

۳ - عبد الله بن احمد بن حنبل به سند خود از سدید از ابوصالح روایت کرده است که چون رحلت عبد الله بن عباس نزدیک شد گفت: خدایا من به ولایت علی بن ابی طالب از تو مدد می‌جویم!

۴ - عبد الله بن احمد بن حنبل به سند خود از زید بن ارقم روایت کرده که رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس می‌خواهد به قضیت احمری که خداوند در بهشت عدن به ید قدرت خویش آفریده تمسک جوید، باید به دوستی با علی علیه السلام توسل جوید!

۵ - عبد الله بن احمد بن حنبل به سند خود از علی بن جعفر بن محمد بن علی بن ابیطالب روایت کرده که پدرم از جدش نقل فرمود که رسول مکرم صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین علیهما السلام را گرفته و فرمودند: هر کس من و این دو فرزندم و پدر ایشان را دوست بدارد، در روز قیامت و در بهشت در درجه من و با من خواهد بود!

۶ - عبد الله بن احمد بن حنبل از پدرش و به سند خود از ابن بریده و او هم از پدرش نقل می‌کند که پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله فرمود: خدای تعالی چهار نفر از اصحاب مرا دوست دارد و به من

۱ - مسند احمد بن حنبل.

۲ - مسند احمد بن حنبل.

۳ - مسند احمد بن حنبل.

۴ - مسند احمد بن حنبل.

خبر داد که ایشان را دوست دارد و مرا به دوستی آنها امر کرد. از پیامبر ﷺ پرسیدند که آنها کیستند؟ فرمود: علی علیه السلام از آنهاست.^۱

۷- عبد الله بن احمد بن حنبل به سند خود از شریک از رسول گرامی ﷺ روایت می کند که خدای تعالی مرا به محبت چهار نفر از اصحاب خود امر کرده و خود به من خبر داد که آنها را دوست بدارد.^۲

۸- عبد الله بن احمد بن حنبل از پدرش از اسود بن عامر از شریک نقل می کند که خاتم الانبیاء ﷺ فرمود:

خدای تعالی مرا به محبت چهار نفر از اصحابم امر فرمود و خدای تعالی فرمود که من که خدای آنها هستم، نیز آنها را دوست دارم. علی علیه السلام، ابوذر، سلمان و مقداد آن چهار نفرند.^۳

۹- بخاری در صحیح، همین حدیث را با همین سند آورده است.^۴

۱۰- بخاری در صحیح به سند خود از ابووائل از عبدالله بن عباس روایت می کند که سید الانبیاء ﷺ فرمود: در روز قیامت هر کسی با دوست خود محشور می شود و دوستان علی علیه السلام با علی علیه السلام در آن روز در بهشت اند.^۵

۱۱- بخاری به سند خود از عبد الله بن مسعود روایت کرده که مردی به پیامبر ﷺ عرض کرد چه می فرمائید در حق مردی که قومی را دوست دارد ولی به ایشان ملحق نشود. پیامبر ﷺ فرمود: مرد با دوست خود محشور می شود.^۶

۱- مسند احمد بن حنبل.

۲- مسند احمد بن حنبل.

۳- صحیح بخاری، جزء هفتم.

۴- صحیح بخاری، باب علامت حب.

۵- صحیح بخاری.

۶- صحیح بخاری.

علائم ظهور حضرت قائم «عج»

ابن صباغ مالکی در کتاب معروفش به نام «فصوص المهمه» با عنایت به روایات علائمی را قبل از خروج حضرت مهدی علیه السلام بیان کرده که عبارتند از:

- ۱ - خروج سفیانی .
- ۲ - قتل حسنی .
- ۳ - اختلاف بین بنی عباس در سلطنت .
- ۴ - گرفتن آفتاب در نیمه شعبان .
- ۵ - گرفتن ماه در آخر شعبان .
- ۶ - طلوع آفتاب از مغرب .
- ۷ - کشته شدن هفتاد مرد صالح .
- ۸ - کشته شدن مرد هاشمی بین رکن و مقام .
- ۹ - خراب شدن دیوار مسجد کوفه .
- ۱۰ - آمدن پرچمهای سیاه از جانب خراسان .
- ۱۱ - خروج یمانی .
- ۱۲ - ظهور مغربی در مصر و حاکم شام شدن او .
- ۱۳ - مالک شام شدن ترک در جزیره .
- ۱۴ - پیاده شدن روم در رمله .
- ۱۵ - طلوع ستاره‌ای در شرق که چون ماه می‌درخشد .
- ۱۶ - خم شدن آن ستاره به نحوی که دو سر آن بهم نزدیک شده و به هم می‌رسد .
- ۱۷ - ظاهر شدن قرمزی در آسمان و پوشاندن اطراف آن

ستاره.

- ۱۸ - ظهور آتشی در جانب شرق آسمان که تا سه یا هفت روز بین زمین و آسمان باقی خواهد ماند.
- ۱۹ - رها شدن عنان اعراب به دست خودشان.
- ۲۰ - مالک شدن اعراب بر شهرها.
- ۲۱ - بیرون رفتن از اعراب از زیر حکومت عجم.
- ۲۲ - کشته شدن امیر مصر توسط اهالی آنجا.
- ۲۳ - خراب شدن شام و به حرکت در آمدن سه پرچم در آنجا.
- ۲۴ - آمدن پرچمهای قیس و عرب به سوی مصر.
- ۲۵ - رفتن پرچمهای کنده به جانب خراسان.
- ۲۶ - ورود گروهی از اعراب در اطراف حیره.
- ۲۷ - آمدن علمهای سپاه از طرف شرق.
- ۲۸ - ایجاد شکاف در آب فرات به نحوی که آن به کوچه‌های کوفه می‌رسد.
- ۲۹ - خروج شصت نفر دروغگو که هر یک مدعی پیامبری هستند.
- ۳۰ - خروج دوازده نفر از آل ابوطالب که هر یک ادعای امامت می‌کنند.
- ۳۱ - غرق شدن مرد بلند مرتبه‌ای از تابعین بنی عباس در جنب پل کرخ بغداد.
- ۳۲ - وزیدن بادی سیاه در اوّل روز در شهر بغداد.
- ۳۳ - وقوع زلزله شدیدی در بغداد که بیشتر شهر فرو می‌رود.

- ۳۴ - ترس و وحشت اهالی عراق را فرامی گیرد .
 ۳۵ - مرگ و میرزبادی در بین اهالی عراق روی می دهد .
 ۳۶ - در افراد، اموال و میوه جات عراق نقصان پدید می آید .
 ۳۷ - هجوم ملخهایی در فصل خود و در غیر فصل به زراعت و فلاحت .

- ۳۸ - خوب نشدن زراعت مردم .
 ۳۹ - اختلاف بین عرب و عجم و خونریزی بین آنها .
 ۴۰ - سرپیچی بردگان زر خرید از فرمان اربابشان و کشتن اربابان توسط آنها .

- ۴۱ - نزول پی در پی باران از آسمان و زنده شدن زمین پس از مرگ آن، ظاهر شدن برکات زمین و دور شدن تمامی آفتها از معتقدان مهدی .
 ۴۲ - توجه مردم به اینکه مهدی عج در مکه ظهور کرده و رفتن مردم برای نصرت و یاری حضرت به مکه .

- ۴۳ - سفیانی لشکری به تعداد ۷۰ هزار نفر به سوی کوفه گسیل می کند و آنها اهل کوفه را غارت می کنند. در آن موقع پرجمهای سیاهی از سوی خراسان با سرعت ظاهر خواهد شد و آنان یاوران مهدی عج هستند .

علائم ظهور از نظر شیعه

- ۱ - شیخ صدوق به سند خود از حضرت علی بن حسین عج روایت کرده که آن حضرت فرمود: چون قائم ما قیام کند، خدای تعالی از شیعیان ما تمامی آفات و عیوب را زائل فرماید. توان و قدرت

هر فرد را به اندازه توان چهل نفر گرداند و آنان را مردان دلیر، شجاع، قوی دل همچون آهن فرماید!

و از کرامات و غرایب نشانه‌های آن حضرت آن است که باطن افراد مانند ظاهرشان مصفا شود. عیوب نفسانی مانند کبر، نفاق، حسد و بدطینتی از آنها دور شود و مردم برای اطاعت و بندگی خداوند آماده شوند و تا آنزمان در هیچ عصری و هیچ مکانی مردم اینگونه بر این صفات و حالات نبوده‌اند و اتفاق جمع قلیلی بر این صفات و حالات در اغلب اوقات نادر است.

و این امر اختصاص به زمان ظهور آن نور الهی است که به وجود مقدس آن حضرت، جنود جهل و ظلمت از باطن مردم مرتفع و زایل می‌شود و به نور اوست که قلوب مرده اهل عالم منور می‌شود و دل‌های مردم از شرک و نفاق کبر و حسد و کینه و عداوت تصفیه می‌گردد.

تمام زمین پر از قسط و عدل می‌شود و تمامی مردم بر حسب ظاهر و باطن بر صراط مستقیم الهی رفتار خواهند نمود.

۲- از جمله نشانه‌ها و کرامات آن حضرت آن است که ایشان با کثرت عمر و طول زندگی در دنیا، از ابتدای تولد تا زمان غیبت و ظهور، سالها و زمانها در او تصرفی نخواهد نمود و وهن و سستی و ضعف در مزاج و اعضاء و جوارح او راه نیافته و در هنگام ظهور به سن جوانی چهل ساله که در نهایت قوت و کمال ظاهری و باطنی است، ظهور می‌فرماید به صورت هیأت رسول اکرم ﷺ که زره آن

حضرت به قامت امام عصر هم اندازه است.

شیخ صدوق به اسناد خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده که زره رسول اکرم بر قامت حضرت قائم علیه السلام چنان است که بر قامت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است و صاحب این امر در صورت و هیأتی از مرد چهل ساله نمی گذرد یعنی همیشه به صورت مردی چهل ساله است که طول زمان در وجود مبارکش اثر نمی نماید!

۳ - شیخ صدوق همچنین از امام رضا علیه السلام روایت می کند که فرمود: قائم کسی است که در زمان خروجش با آن طول زمان به صورت جوانی ظاهر می شود و بدنش به قدری پر قوت است که اگر بر درخت بزرگی دست دراز کند از بیخ بر کند و اگر در کوهها نعره کشد، سنگها سخت از هیبت صورت او از هم پوشیده شود و عصای موسی و خاتم سلیمان در نزد او خواهد بود.^۲

بر اساس روایات دیگر از جمله امتحانات بزرگ مردم آن است که صاحب ایشان خروج و ظهور می کند در حالی که جوان است و حال آنکه ایشان او را مسن می دانند.

۴ - از دیگر نشانه ها آنکه مواردی جمیع انبیاء و اولیاء و اصفیاء در نزد آن حضرت خواهد بود از جمله پیراهن ابراهیم، عصای موسی، انگشتر سلیمان، زره رسول خدا صلی الله علیه و آله و عمامه و نعلین و سایر لباسهای آن حضرت و ذوالفقار حید کرار.

چنانکه در اخبار سابق اشاره شد که سید حسنی مواردی انبیاء

۱- اکمال الدین، شیخ صدوق.

۲- همان، ج ۲، ص ۴۸، کتابفروشی اسلامیة، ترجمه کمره ای.

و آنچه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را که نزد امام می باشد، از آن حضرت مطالبه می کند و مهدی علیه السلام امر می فرماید که همه آنها را حاضر نمایند.

۵ - مجلسی به اسناد خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: عصای موسی در ابتدای امر نزد حضرت آدم علیه السلام بود و بعد از آن به شعیب رسید و از او به موسی بن عمران . اکنون نیز آن عصا نزد ماست و هر وقت بخواهی با او سخن گویی سخن می گوید. و آن برای قائم نگه داشته شده است و آن حضرت هر آینه با آن عصا کارهایی می کند چنانکه موسی با آن کارها می نمود و هر چیزی را که سحر و دروغ ساخته اند، همه آنها را می بلعد و برای آن عصا دو لب گشوده می شود که ما بین آن دو لب چهل ذراع خواهد بود!

۶ - در بعضی اخبار آمده است که آن حضرت مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان آفتاب راه می رود در حالی که سایه ای ندارد، زیرا که نور آن نور الهی غالب بر همه انوار است و سایه نداشتن آن حضرت با استفاده از بسیاری از اخبار منقول از عامه و خاصه است که به حدّ استفاضه است و محتاج به ذکر آن نیست .

از جمله آنکه زمین به نور جمال آن الهی روشن و متلالی خواهد بود و مردم محتاج به نور خورشید و ماه نیستند و اگر شمس و قمر طلوع نکند، روشنایی جمال آن حضرت برای خلق کافی است و برخی آیه شریفه «و اشرق الارض بنور ربها» را بر این وجه حمل کرده اند.

شیخ صدوق هم روایت می کند که حضرت رضا علیه السلام فرمود:

وقتی که قائم ما خروج می کند، زمین به نور پروردگار روشن می شود و بندگان خدا از روشنایی آفتاب مستغنی می شوند. تمامی دنیا نزد آن حضرت مانند کف دست اوست که پستی و بلندی و دریا و جزایر و همه چیز برای ایشان پست و صاف می شود تا به هرچه بخواهد بدون هیچ سترو حجابی نظر فرماید.

۷ - علامه مجلسی از شیخ صدوق روایت کرده که حضرت باقر علیه السلام فرمود: که چون کارها به دست صاحب این امر برسند، حق تعالی جاهای پست زمین را مرتفع و بلندیها را پست فرماید تا جهان در نزد آن حضرت به منزله کف دستش هموار و مسطح شود!

۸ - از جمله نشانه های آن حضرت آن است که مؤمنان در آن عصر برای فهم دانش مستعد شده و در کمال عقل و دانایی و معرفت خواهند بود و از آن منبع فیوضات ربانی تمامی اقسام علوم ظاهری و باطنی را اقتباس می نمایند و همه علوم انبیاء سلف برای خواص شیعیان و پرهیزکاران آنها، به برکت آن وجود مبارک کشف و علنی خواهد شد و حصول این علامات برای این گروه، از یمن دست مبارک آن حضرت است که از روی رأفت و مهربانی بر سر دوستان خویش می کشد.

علامه مجلسی به نقل از اکمال الدین شیخ صدوق روایت کرده که حضرت امام محمد تقی علیه السلام فرمود که چون قائم ما قیام نماید، دست مبارک خود را بر سر بندگان خدا می کشد و از یمن دست مبارک آن بزرگوار، عقلهای ایشان جمع می شود و به روایت دیگری از کلینی

آمده که آن حضرت دست مبارکش را بر سر ایشان می‌کشد و با آن دست کشیدن عقلهای ایشان را جمع و اخلاق ایشان را کامل می‌گرداند و به روایت دیگری از حضرت صادق (ع) که ؛ علم بیست و هفت حرف را بیرون می‌آورد و در میان خلق منتشر می‌سازد و مناره‌ها و قصرها را که در مساجد ساخته شده همه را خراب کند .
 راوی می‌گوید که در دلم خطور کرد که به چه سبب آنها را خراب خواهد کرد پس آن حضرت به جانب من ملتفت شد و فرمود: خراب کردن آنها بدین علت است که احداث آنها بدعت است زیرا نه پیامبر و نه امام آن را ساخته است .

و به روایتی دیگر هر مسجدی که در سر راههاست بر هم زند و راهها را آنچنان وسیع فرماید که عرض آن به شصت ذراع برسد !
 ۹ - از جمله نشانه‌ها آنکه حضرت حجّت بنای کعبه و بنیان آن را تغییر دهد و آن را به نحوی که حضرت ابراهیم و اسماعیل بنا نهاده بودند، بنا خواهد نمود و امر می‌فرماید که دستهای بنی شیبه را که کلید داران کعبه‌اند قطع نمایند و آنها را در کوچه‌ها بگردانند و ندا کنند که ایشان دزدان کعبه هستند .

شیخ مفید به استناد خود از امام صادق (ع) روایت می‌کند که چون قائم قیام نماید، مسجد الحرام را تا بنیان آن خراب می‌کند و مقام ابرهیم را در مکان اصلی خود قرار می‌دهد و دستهای طایفه بنی شیبه را قطع کرده و بر در کعبه می‌آویزد و بر دیوار کعبه می‌نویسد که این طایفه از دزدان کعبه‌اند .^۲

۱- بحار، مجلسی .

۲- ارشاد، شیخ مفید، ص ۲۶۴، مکتبه بصیرتی قم .

و روایت دیگری آمده که آنها با صدای بلند می‌گویند که ما دزدان کعبه بودیم!

و در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که چون قائم قیام کند، بیت الله را به مکان اصلی خود برگردانده و آن را در محل بنای اصلی ایجاد می‌کند. دستهای بنی شیبه را گرفته و آنها را می‌برد و در کوچه‌ها می‌گرداند.

۱۰ - جمعی از مشایخ حدیث مانند صدوق و نعمانی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که: چون قائم آل محمد (عج) ظاهر شود، گویا می‌بینم که آن حضرت در نجف اشرف زره رسول الله صلی الله علیه و آله را پوشیده و بر اسب سیاه پیشانی سفید سوار است و به نقل از روایت دیگری دارد که حضرت شمشیر خود را بر دست گرفته و اسب خود را بحرکت در می‌آورد به نحوی که به اعجاز آن حضرت مردم تمام شهرها، روستاها، دریاها، صحراها، بلندیها، پستیها و بادیه نشینها آن حضرت را ببینند و چنین پندارند که آن حضرت در میان آنها و در شهر و مکان آنهاست و مانند خورشید و ماه که به وسط آسمان می‌رسد، با نور خود جمیع عالم را منور خواهد فرمود و این معجزه‌ای از معجزات آن حجّت منتظر است.

۱۱ - از جمله علامات آن حضرت علّم نصرته است. چون آن علّم رسول الله است که به سوی هر طایفه‌ای فرستاده شود، آنها شکست خواهند خورد و قلوب لشکریان آن حضرت مانند پاره آهنین خواهد بود و هر مؤمنی در شجاعت و دلیری قوت چهل نفر را

دارا می باشد.

شیخ صدوق به اسناد خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده که: گویا قائم را می بینم که در پشت شهر نجف اشرف و نزدیک کوفه ظهور می کند. پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله را می گشاید و آن پرچمی است که از عرش الهی آمده و چون برای نصرت الهی آن پرچم را بردارند و به سوی دشمن روند، دشمنان را هلاک خواهند نمود. و دل لشکریان آن حضرت از آتش سخت تر است که اگر به کوههای آهن گذر کنند، آن کوهها را قطع نمایند. اینان دست از شمشیر زدن بر نمی دارند تا آنکه خدا از آنها راضی شود.

۱۲ - از علامات دیگر آنکه چون حضرات ولی عصر (عج) ظهور کنند، خداوند سرور و فرحی در قبور مؤمنان داخل می فرماید که همه ایشان مسرور خواهند شد و قبورشان نورانی گردد. اهل قبور آنگاه به زیارت یکدیگر رفته و همدیگر را به فرج حضرت حجّت علیه السلام مژده می دهند و جمعی از آنها به دنیا رجوع می کنند و طبق برخی ادعیه و اخبار، بسیاری از مؤمنان در ایام دولت آن حضرت با شمشیر برهنه از قبور بیرون آمده و در رکاب آن حضرت جهاد می کنند.

۱۳ - از نشانه های حضرت آنکه قروض شیعیان خود (از زنده و مرده) را ادا فرماید و ذمه آنها را از حق الناس بری می نماید.

ظاهراً این مرحمت در حق کسانی انجام می شود که قرض آنها از جهت تنگی معیشت، یا دادن خیرات و مبرات بوده باشد که بعدها به واسطه آفتی از آفات دنیا اموال آنها از بین رفته باشد و نتوانند دین خود را ادا نمایند. و گرنه اگر قرض آنها در راه معصیت باشد، اداء

نخواهد شد .

۱۴ - از دیگر نشانه‌های امام زمان (عج) آن است که بدعت‌های روی زمین را برداشته، شعارها، علامات، افعال، صفات و حالات مشرکان را از بین برده و تمامی اخلاق رذیله را از مردم زایل فرماید و جمیع آلات لهو و لعب و قمار و اسباب طرب را به دستور حضرت را از بین می‌برند .

۱۵ - شیخ طوسی به اسناد خود از پیشوای پرهیزکاران علی علیه السلام روایت کرده که فرمود: در زمان قائم در میان مسجد کوفه چشمه‌ای از روغن بیرون می‌آید و چشمه‌ای دیگر از آب گوارا برای آشامیدن مؤمنان و چشمه‌ای هم برای طهارت آنان.

شهر کوفه از جهت آبادانی و جمعیت رشد کرده و قیمت هر زرع زمین چند اشرفی خواهد شد و چون مکان مسجد کوفه برای مؤمنان کافی نیست، به دستور حضرت چهار مسجد دیگر بنا می‌شود که کوچکترین آنها مسجد کوفه می‌باشد .

آنگاه امیرالمؤمنین فرمود: در شهر حیره مسجدی بنا سیصد درب بنا می‌شود و غائب قائم در آنجا نماز می‌گزارد !

شیخ طوسی همچنین از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که: چون قائم ما قیام کند، مسجدی در پشت مسجد کوفه بنا کنند که هزار درب داشته باشد .

و در روایت دیگری آمده است که در دومین جمعه پس از ورود قائم به کوفه، مردم به خدمت آن حضرت رسیده و عرض

می‌کنند: یا بن رسول الله! نماز در پشت سر شما مانند نماز در پشت سر رسول اکرم ﷺ است. اگر اجازه بفرمائید مسجد مهمی را بنا کنیم!

اخبار ملل غیر اسلامی در ظهور مصلح جهانی

زبور حضرت داود علیه السلام، جهانیان را به وجود مصلحی بشارت می‌دهد که از دریا تا دریا داد کند و به اقتضای جهان حکمرانی نماید و تمامی امتهای جهان او را بندگی کنند و وجودش برای عالمیان برکت است.^۲

تورات از جنگ عمومی که قبل از ظهور مصلح بزرگ واقع می‌شود و ایمنی برای کسی باقی نمی‌گذارد سخن می‌گوید و در باب ۱۳ وعده پادشاه عادل را می‌دهد که مالک روی زمین می‌شود و عالم را پس از آنکه دو سوّم از اهلش نابود می‌شود، اصلاح می‌کند.^۳ در اشعیای نبی آمده است که برای خدا روزی است که بر هر چیز بلند عالی فرود می‌آید و آنها در برابرش پست می‌شوند.

سپس در باب ۱۳ کتاب می‌گوید: روز خداوند نزدیک است و هلاکتی از جانب قادر متعال می‌آید که جهان را ویران ساخته و گنهکاران را هلاک نماید.^۴

در انجیل آمده است که حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله را آفتاب و حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را ماه و دوازده امام را دوازده

۱- همان، ص ۲۸۱.

۲- زبور داود.

۳- تورات، باب دوازدهم.

۴- اشعیای نبی، باب سیزدهم.

ستاره که بر سر نی قرار دارد و در نزد خداوند تعبیر می‌کند!
 علامه بروجردی از کتاب «دادانک» براهمه، جا مناسب
 زردشتی و بعضی از فصول انجیل مانند مکاشفات یوحنا، کلمات
 حتی و سندره عیسویان نقل کرده است که: در آخر زمان پس از آنکه
 جهان پر از ظلم و جور شد، پادشاهی از امت و نسل محمد ﷺ
 ظهور می‌کند که مشرق و مغرب را می‌گیرد و بسیاری از کسان را
 می‌کشد و بتخانه‌ها را ویران می‌سازد، بسیاری از نیکان را زنده
 گردانده و به کارهای بزرگ می‌گمارد.

بسیاری از جادوگران و بدان را کیفر داده و بدعتها را از میان بر
 می‌دارد. عصای موسی بن عمران و دیهیم (تاج) سلیمان نبی با او
 خواهد بود و همه خلق مطیع او شوند. عیسی بن مریم از آسمان فرود
 آید و او را یاری نماید. از یهودان جزیه قبول نمی‌کند و حتی اگر
 مسلمان هم شوند آنها را می‌کشد. پاپ را به قتل می‌رساند و پادشاه
 فرنگ را خوار می‌سازد و همه مردم را به دین واحد در می‌آورد.^۲
 در بعضی دیگر از فصول انجیل از پادشاهی سخن به میان آمده
 که کلیه جهان را مسخر کرده و مرغان جهان از پاره گوشت دشمنان او
 سیر می‌شوند.

قرآن مجید راجع به نزول عیسی مطالبی فرموده که مضمون آن
 با مقالات موافق است و آن من اهل الکتاب الا لیؤمنن به قبل موته: و
 از اهل کتاب کسی نیست مگر اینکه قبل از مرگ او به او ایمان آورده
 باشند.

غیبت انبیاء گذشته

در این بخش به غیبت برخی از پیامبران گذشته می پردازیم تا وجود این حادثه در تاریخ اسلام غیر منتظره جلوه ننماید. زیرا معنای غیبت آن است که چیزی برای مدتی از منظر عموم پنهان و بعد از آن ظاهر شود. این مدت ممکن است کوتاه یا طولانی باشد. برخی از نمونه های غیبت انبیاء و وصی آنها عبارتند از:

۱- حضرت ادریس پیامبر آنقدر از جمع دوستان خود غائب شد تا آنکه سلطان جابر هم عصر او از بین رفت، آنگاه ظاهر شد و عملاً به مردم فهماند و وعده داد که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله نیز غیبت می کند و بعداً ظهور می نماید.

۲- حضرت صالح پیامبر صلی الله علیه و آله هم آنقدر از نظر پیروانش غائب شد که پس از ظهور، مردم او را نمی شناختند. درباره امام عصر (عج) هم نقل شده که هنگام ظهور اگر آن علائم را نداشته باشد، مردم او را نمی شناسند.

۳- حضرت ابراهیم صلی الله علیه و آله دارای دو غیبت است: در شکم مادر و در مسافرت به شام. منجمان قبل از تولد او خبر داده بودند که مردی به دنیا می آید که از طرف خداوند مردم را به حق و عدالت خوانده و بتها را می شکند. نمرود با نهایت سعی و تلاش خود نتوانست. ابراهیم را به چنگ آورده و از بین ببرد. مشابه این موضوع توسط معتمد عباسی انجام شد که او هم موفق به یافتن و قتل امام عصر «عج» نشد.

خدا کشتی آنجا که خواهد برد اگر ناخدا جامه از تن درد

۴- حضرت یوسف صلی الله علیه و آله مدت بیست سال از انظار پنهان و

مخفی بود. این دوری سبب شد تا هیچ کس حتی برادرانش که از یک نسل بوده و او را در چاه انداخته بودند، او را نشناختند، در حالی که یوسف در فاصله‌ای کمتر از چهل و پنج فرسخی پدر و برادرانش بود.

۵ - غیبت حضرت موسی علیه السلام که دور از چشم فرعون پنهان

شد و در مراجعت از مصر با آیات معجزات برگشته و فرعون را به خدای یگانه دعوت فرمود. برخی اخبار دو غیبت برای موسی علیه السلام قائلند: در وادی تیه، در مصر.

پیامبر عظیم الشان اسلام می فرماید: موسی به گاه رحلت، دوستان خویش را جمع نمود و از قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و اولاد و اصحابش خبر داد.

۶ - در بین اوصیای حضرت موسی علیه السلام، یوشع بن نون اولین غائب است که بخاطر جور ستمکاران و طاغیان عصر خویش، پنهان شده و برخی اوقات ظاهر می شد و حضرت داود در این موقع با او ارتباط داشت.

این غیبت بین پیامبران سلف از زمان موسی علیه السلام تا عیسی علیه السلام ادامه داشت.

۷ - غیبت سلیمان که ماهی انگشتر او را برد و حضرت مدت چهار یا چهل سال غائب بود.

۸ - حضرت عیسی علیه السلام که مادرش مریم علیه السلام به علت حمل او غایب شد و عیسی علیه السلام هم پس از تولد دوازده سال از دست یهود به مصر مهاجرت کرده و غائب بود.

۹ - آصف بن برخیا از قوم خود غائب شد تا مردم آماده

پذیرفتن دعوت او گردند، آنگاه ظاهر شد.

۱۰ - دانیال نبی علیه السلام نیز مدتی از قوم غائب شد.

۱۱ - عزیز پیامبر که صد سال به خواب رفت و غائب شد.

۱۲ - حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله سه سال در

شعب ابی طالب از چشم مردم پنهان شد و سه روز هم در غار ثور از دیدگان نامحرمان مخفی ماند.

تصریح علمای بزرگ اهل سنت در وجود امام عصر و کتب آنها

- ۱- ابن ماجر هیشمی مکی شافعی متوفی ۹۷۴ در «الصواعق المعرقة».
- ۲- سید جمال الدین عطاء الدین محدث در «روضه الاحباب».
- ۳- علی بن محمد بن احمد بن مالکی مکی معروف به ابن صباغ متوفی ۸۵۵ در «فصول المهمه».
- ۴- شیخ شمس الدین ابوالمظفر یوسف بن قراوغلی معروف به ابن جوزی متوفی ۶۵۴.
- ۵- نور الدین عبد الرحمن جامی حنفی در «شرح کافیه».
- ۶- شیخ حافظ ابو عبد الله محمد بن یوسف بن محمد گنجی متوفی ۶۵۷ در «البيان فی اخبار صاحب الزمان».
- ۷- ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبد الله موسی بیهقی متوفی ۴۵۸.

۸ - در کتاب شعب الایمان المعهود.

۹ - حافظ ابو محمد احمد بن ابراهیم هاشم طوسی بلاذری در

«مسلسلات».

۱۰ - قاضی فضل بن روزبهان.

۱۱ - ابو محمد عبدالله محمد بن خشاب متوفی ۵۶۷ در

«موالید ائمه».

۱۲ - شیخ محی الدین معروف به ابن عربی متوفی ۶۳۸ در

«فتوحات مکیه».

۱۳ - شیخ سعد الدین محمد بن مؤید حسین معروف به شیخ

سعد الدین حموی در «احوال صاحب الزمان».

۱۴ - شیخ عبدالوهاب شعرانی متوفی ۹۷۳ در «یواقیت».

۱۵ - شیخ حسن عراقی متوفی ۶۲۰ در «لواقح الانوار فی طبقات

الاخیار».

۱۶ - شیخ علی خراسی به نقل از کشف الاستار.

۱۷ - عالم شافعی که قصیده او در ینابیع المودة ذکر شده است.

۱۸ - حسین بن معین الدین میبدی در «شرح دیوان امیر».

۱۹ - حافظ محمد بن بخاری معروف به خواجه پارسا در

«فصل الخطاب».

۲۰ - حافظ ابو الفتح محمد بن ابی الفوارس در «اربعینیه».

۲۱ - ابوالمجد عبدالحق دهلوی بخاری متوفی ۱۰۵۲ در

«مناقب ائمه».

۲۲ - شیخ احمد جامی نامقی به نقل از مجالس المؤمنین.

- ۲۳ - شیخ فرید الدین محمد عطار نیشابوری متوفی ۵۸۹ در «مظهر الحصفات» ۲.
- ۲۴ - جلال الدین محمد عارف بلخی رومی معروف به مولوی متوفی ۶۲۷ در «دیوان شمس» ۲
- ۲۵ - شیخ عارف صلاح الدین صفدی متوفی ۷۶۴ در «شرح الدایره».
- ۲۶ - مولوی علی اکبر بن اسد الله المودی هندی در «المکاشفات».
- ۲۷ - شیخ عبد الرحمن در «مرآت الاسرار».
- ۲۸ - استاد شیخ عبد الوهاب شعرانی به نقل از ینابیع الموده.
- ۲۹ - قاضی شهاب الدین شمس الدین دولت آبادی متوفی ۸۴۹ در «بحر المواج و مناقب السادات».
- ۳۰ - شیخ سلیمان بن ابراهیم معروف به خواجه کلان قندوزی متوفی ۱۲۹۴ در «ینابیع الموده».
- ۳۱ - شیخ عامر بن عامر بصری در قصیده تائیه «نوات الانوار».
- ۳۲ - قاضی جواد ساباطی نصرانی در «البراهین الساطعه فی الرد علی النصارى».
- ۳۳ - شیخ ابوالمعالی صدر الدین قونوی صاحب تفسیر.
- ۳۴ - قاضی عبد الله بن محمد المطیری بدنی در «ریاض الزهراء فی فضل آل بیت النبی و عترته الطاهره».
- ۳۵ - شیخ الاسلام ابوالمعالی محمد سراج الدین رفاعی مخزومی در «صحاح الاخبار فی نسب السادة الفاطمية الاخيار».

- ۳۶ - میرخواند در «روضه الصفا»
- ۳۷ - نصر بن علی جهضمی نصری به نقل شهید و نجم الثاقب حاجی نوری.
- ۳۸ - شیخ محمد بن ابراهیم جوینی شافعی متوفی ۱۱۷۶ در «فرائد السمطین».
- ۳۹ - قاضی محقق بهلول بهجت افندی در «الحاکمه فی تاریخ آل محمد».
- ۴۰ - شیخ شمس الدین محمد بن یوسف زوندی در «معراج الوصول الی معرفة فضیلت آل الرسول».
- ۴۱ - شمس الدین تبریزی شیخ مولوی به نقل از کشف الاستار.
- ۴۲ - حسین بن همدان خضینی در کتاب الداتیه به نقل از «الزام الناصب».
- ۴۳ - ابن خلکان در «وقیات الاعیان».
- ۴۴ - ابن ازرق در تاریخ خود به نقل از ابن خلکان.
- ۴۵ - مولی علی قادری در «مرقاة».
- ۴۶ - القطب المدار به نقل از عبد الرحمن صوفی در کشف الاستار.
- ۴۷ - ابن وردی در «نور الابصار».
- ۴۸ - سید مؤمن بن حسن شبلنجی در «نور الابصار».
- ۴۹ - شیخ ابو الفوز محمد امین بغدادی سویدی در «سباتک الذهب فی معرفة قبایل العرب».
- ۵۰ - شیخ الاسلام ابراهیم بن سعد الدین.
- ۵۱ - صدر الائمه ضیاء الدین موفق بن احمد خطیب مالکی

خوارزمی معروف به خطیب.

۵۲- مولی حسین کاشفی متوفی ۹۰۶ در «جواهر التفسیر».

۵۳- سید علی بن شهاب الدین همدانی در «المودة فی القربی».

۵۴- شیخ محمد صبان مصری متوفی ۱۲۰۶ در «اسعاف

الراغبین».

۵۵- الناصر دین الله احمد بن مستصیثی بنور الله خلیفه

عباسی به نقل از الزام الناصب.

۵۶- ابوالفلاح عبدالحی بن عمّار حنبلی متوفی ۱۰۸۹ در

«شذرات الذهب».

۵۷- شیخ عبدالرحمن محمد بن علی بسطامی در «درّة

المعارف».

۵۸- شیخ عبدالکریم یمانی به نقل از ینابیع الموده.

۵۹- السید النسیمی به نقل از کشف الاستار.

۶۰- عماد الدین حنفی به نقل از کشف الاستار.

۶۱- شیخ خالد بن عبدالرحمن ابی بکر سیوطی در «احیاء

المیت بفضائل اهل البیت».

۶۲- فاضل رشید الدین دهلوی صاحب تحفه در «النزهة».

۶۳- شاه ولی الله دهلوی صاحب تحفه در «النزهة».

۶۴- شیخ احمد فاروقی نقشبندی به نقل از «العبری الحسان».

۶۵- ابوالولید محمد بن شحنه حنفی در «روضه الناظر فی اخبار

الاولیل والاواخر».

تألیفات اهل سنت درباره امام منتظر «عج»

- ۱- «ابزار الوهم المکنون من کلام ابن خلدون»؛ تألیف احمد بن محمد بن صدیق بخاری از افاضل مغرب اقصی در سده چهاردهم هجری و متوفی پس از سال ۱۳۴۸ ه. ق. این کتاب ردی است بر اعتراضات و طعن‌های ابن خلدون در مقدمه‌اش که بر احادیث وارده درباره حضرت مهدی علیه السلام دارد. مؤلف این کتاب صحت روایات وارده را به نفع شایسته‌ای اثبات نموده و می‌گوید احادیث حضرت مهدی بالغ بر تواتر است.
- ۲- «اخبار المهدی» تألیف عباد بن یعقوب رواجنی اسدی، از اساتید بخاری متوفای ۲۵۰ ه. ق. این کتاب را از علمای عامه، زرکلی در الاعلام، ج ۴، ص ۳۰؛ و ذهبی در میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۷-۱۶ به نامبرده نسبت داده‌اند.

و از علمای شیعه هم سروری در معالم العلماء و شیخ طوسی

در فهرست این اثر را متعلق به مؤلف فوق الذکر دانسته‌اند.

۳- «الاربعون حديثاً في المهدي» تأليف حافظ ابو نعيم احمد بن عبد الله بن احمد بن مهران اصفهانی، متوفی ۴۳۰ هـ. ق.

این کتاب را حافظ سیوطی در عرف الوردی با حذف اسانید نقل کرده و در آغاز آن بعد از حمد الهی می‌گوید: این جزئی است که در آن احادیث و آثار وارده درباره مهدی را آورده‌ام و تلخیص کتاب اربعین حدیث ابو نعیم را هم در آن ذکر کرده‌ام.

۴- «البرهان في علامة مهدي آخر الزمان» تأليف علاء الدين علي بن حسام الدين مشهور به متقی هندی، ساکن مکه و مؤلف کتاب کنز العمال، متوفی ۹۷۵ هـ. ق.

چلبی در کتاب کشف الظنون، ج ۱، ص ۸۹۴ از کتاب فوق به نام رساله فی المهدي یاد کرده است نسخه‌ای خطی از این کتاب در مکتبه الامام امیرالمؤمنین نجف اشرف موجود است که از روی نسخه کتابخانه لکنهو نوشته شده است.

۵- «البيان في اخبار صاحب الزمان (عجل الله تاليه)» تأليف حافظ ابو عبدالله محمد بن يوسف گنجی شافعی، متوفی ۶۵۸ هـ. ق، کتابی است مفصل و به زبان عربی.

کاتب چلبی در کشف الظنون، ج ۱، ص ۲۶۳؛ عمر رضا کحّاله در معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۱۳۴؛ اسماعیل پاشا در هدیة العارفین، ج ۲، ص ۱۲۷ و برخی از دیگر مؤلفان، این کتاب را از گنجی شافعی دانسته‌اند.

این کتاب ابتدا در سال ۱۳۳۴ به ضمیمه کتاب غیبت شیخ

طوسی در تبریز به چاپ رسید. آنگاه در ۱۳۴۳ بطور مستقل در اصفهان به طبع رسید و بار سوم به ضمیمه الزام الناصب در سال ۱۳۵۲ به زیور طبع آراسته شد.

۶- «التوضیح فی تواتر ماجاء فی المهدی المنتظر والدجال و المسیح» تألیف قاضی القضاة محمد بن علی شوکانی صنعانی، متوفی ۱۲۵۰ هـ ق.

این کتاب را، مولوی صدیق حسن خان در الاذاعة، ص ۱۳؛ شیخ منصور علی ناصف در غایة المأمول، ص ۵ و ۳۲۷؛ شیخ عبدالحق ادیسی فاسی در فهرس الفهارس، ج ۲، ص ۴۰۹ به مؤلف یاد شده نسبت داده‌اند.

۷- «جمع الاحادیث الواردة فی المهدی» تألیف ابوبکر بن حیثمه مولوی صدیق حسنخان این کتاب را در الاذاعة، ص ۱۳۷ به نامبرده نسبت می‌دهد.

۸- «ذکر المهدی و نعوته» تألیف حافظ ابو نعیم سید بن طاووس در کتاب طرائف به نقل از الذریعه، ج ۱۰، ص ۳۸، کتاب فوق را به ابو نعیم متعلق می‌داند. ظاهراً کتاب یاد شده با کتاب اربعین حدیث همین مؤلف تفاوت داشته باشد.

۹- «رسالة فی الاحادیث القاضیه بخروج المهدی» تألیف سید علامه بدر المله محمد بن اسماعیل امیر یمنی صنعانی، متوفی ۷۵۱ هـ ق. مولوی صدیق حسنخان در الاذاعة، ص ۱۱۴، این کتاب را به مؤلف نسبت داده است.

۱۰- «رسالة فی المهدی المنتظر» تألیف شیخ عبدالحق دهلوی

بخاری، متوفی ۱۰۵۲ هـ. ق. نقل از کشف الاستار حاجی نوری، ص ۳۰.
 ۱۱ - «رسالة فی المهدی المنتظر» تألیف شیخ عارف سعدالدین
 محمد بن مؤید حمویه معروف به شیخ سعد الدین حموی، متوفی ۶۵۰
 هـ. ق. نقل از مرآة الاسرار جامی .

۱۲ - «شرح قصیده الفوز و الايمان» تنظیم شیخ بهایی، تألیف
 شیخ احمد بن عدوی دمشقی مشهور به «منینی»، متوفی ۱۱۷۳ .
 این قصیده و شرح آن در کشکول ناظم شیخ بهایی چاپ قاهره
 آمده است و الذریعه، ج ۱۳، ص ۲۵۷ آن را به مؤلف نسبت داده
 است.

مرحوم شیخ جعفر نقدی در «منن الرحمن» شرح این قصیده را
 گاهی به عنوان اعتراض نقل کرده است .

۱۳ - «عرف الوردی فی اخبار المهدی» تألیف جلال الدین عبد
 الرحمن سیوطی، متوفی ۹۱۱ این کتاب در ضمن رسائل متفرقه مؤلف
 که «حاوی للفتاوی» نام دارد در سال ۱۳۵۲ در مصر به چاپ رسیده و
 بسیاری از احادیث صحیح آن را که موافق با عقیده شیعه امامیه
 می باشد، در پاورقی های کتاب مهدی منتظر آورده شده است .

۱۴ - «عقد الدرر فی اخبار الامام المنتظر» تألیف علامه فاضل
 متبّع ابی بدر شیخ جمال الدین یوسف بن یحیی بن علی بن عبد العزیز بن
 علی مقدسی شافعی سلمی دمشقی .

تاریخ وفات مؤلف دانسته نیست، لیکن در سال ۶۵۸ هـ. ق.
 تألیف این کتاب را به پایان برده است. حافظ گنجی در البیان و کفایة
 الطالب ؛ سیدبرزنجی در الاشاعه، این کتاب را به همین نام از مؤلف

یاد شده دانسته‌اند و از آن نقل قول هم می‌کنند .
 دو نسخه خطی از این کتاب در کتابخانه رضوی مشهد موجود
 است که تاریخ یکی از آنها ۹۵۳ هـ . ق، می‌باشد .

۱۵ - «کتاب الغیبة» تألیف حافظ ابن عقده احمد بن محمد سعید
 همدانی هم عصر بانعمانی صاحب الغیبة . متوفی ۳۳۳ هـ . ق.
 از این کتاب در غیبت و تراجم رجال بسیار یاد شده ونعمانی
 در سراسر کتابش به احادیث ابن عقده استناد کرده و بعید هم نیست
 که نسخه‌ای از این کتاب را داشته است .
 ابن عقده با اینکه زیدی مذهب بوده، در نزد علمای عامه
 اعتباری کمتر از علمای اهل سنت ندارد و نقلیات او را معتبر می‌دانند.
 به همین جهت به کتاب او نیز اشاره‌ای کردیم .

۱۶ - «فوائد الفکر فی ظهور المهدی المنتظر» تألیف علامه شیخ
 مرعی، مولوی صدیق حسنخان در الاذاعة، ص ۱۴۷ از مؤلف به همین
 عنوان یاد کرده است و گمان می‌رود مرعی مقدسی که یکی از علمای
 بزرگ حنبلی متوفی ۱۰۳۳ است، مقصود او باشد و ظاهراً نسخه‌ای
 از کتاب نزد وی موجود بوده است .

۱۷ - «القول المختصر فی علامات مهدی المنتظر» تألیف
 احمد بن حجر هیثمی که در اعلام فقه و رجال عامه، متوفی ۹۷۴
 می‌باشد .

برزنجی در الأشاعه، ص ۹۰؛ و صبان در اصعاف الراغبین،
 ص ۱۰۶؛ استاد عبدالوهاب مصری در فهرست کتب ابن حجر به
 عنوان جزء فیماورد فی المهدی» کتاب فوق را به مؤلف یاد شده

نسبت داده‌اند و از آن مطالبی را نقل کرده‌اند.

۱۸- «المشرب الوردی فی مذهب المهدی» تألیف نورالدین بن علی بن محمد هروی حنفی معروف به ملا علی قاری صاحب مرقاة فی شرح مشکوة، متوفی در مکه به سال ۱۰۱۴ هـ. ق. این کتاب ردی است بر فرقه مهدویه هند یعنی پیروان سید محمد جونپوری هندی. مؤلف در این اثر به شرح حال و علامات مهدی موعود بر اساس احادیث صحیح پرداخته است.

الإذاعة، ص ۱۶۵؛ عبدالعزیز دهلوی در تحفة اثنی عشریه، ص ۴۵ و بلخی در ینابیع از این کتاب احادیث زیادی نقل کرده‌اند. تاریخ پایان تألیف، سال ۹۶۵ می‌باشد و مؤلف در آغاز کتابش نوشته: الحمد لله الذی اوضع سبیل الدین باجتهاد الاثمه المجتهدین. نسخه‌ای از این کتاب در مکتبه ناصریه لکنهو و نسخه دیگری از روی آن نسخه در مکتبه الامام امیر المؤمنین نجف به نام «الرد علی من حکم وقضی، ان المهدی الموعود رجاء و مضی» موجود است مولوی صدیق حسنخانی در الإذاعة، ص ۱۶۳ می‌نویسد که نسخه‌ای از این کتاب را نزد خویش دارد.

۱۹- «کتاب المهدی» جزئی از کتاب سنن ابی داود، ج ۲، می‌باشد که مؤلف آن ابو داود سلیمان بن اشعر سجستانی، متوفی ۲۵۷ آن را درباره امام منتظر آورده است.

۲۰- «المیمیه فی الظهور صاحب الزمان مهدی علیه السلام» تألیف شیخ محی الدین محمد بن علی اعرابی اندلسی، متوفی ۶۸۳ هـ. ق، پاره‌ای از اشعار مؤلف را بلخی در ینابیع نقل کرده. شرح این کتاب به نام بیان

الحق شهرت دارد.

۲۱- «الهدية المهدية» تأليف شيخ ابوالرجاء محمد هندی، نزيل حيدر آباد، متوفى ۱۱۹۰ هـ. ق، این کتاب که به زبان اردوست، ردی است بر آراء سيد محمد جونپوری هندی و پیروان او و شامل شرح حال مبسوط حضرت مهدی «عج» می باشد.